ویژه سال تولید ملی

حمایت از کار و سرمایه ایرانی

۸

تولید ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی

سیدعلی محمدی منکازینی

سیدمحمدحسین حسینی هرندی

مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما

بسم الله الرحمن الرحیم

حمایت از تولید ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

حمایت از تولید ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی

مشخصات کتاب

حمایت از تولید ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی

سرشناسه:محمدی متکازینی، علی، ۱۳۴۸ -

عنوان ونام پدیدآور: حمایت از تولید ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی/ نویسندگان

علی محمدی متکازینی، سیدمحمدحسین حسینی هرندی.

متکازینی و سید محمد حسین حسینی هرندی.

مشخصات نشر: قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، مرکز پژوهش های اسلامی، ۱۳۹۱

مشخصات ظاهری:۲۱۶ص.

ISBN: ۹۷۸ -۹۶۴-۵۱۴-۲۶۵-۸۶۵۰۰ تومان ؛.

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص ۲۱۱، همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:مجتهدان و علما -- نظریه درباره تلاش و تقلا

موضوع:تلاش و تقلا -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع:مجتهدان و علما -- اخلاق

موضوع:مجتهدان و علما -- ایران -- سرگذشتنامه

موضوع:خودکفایی -- جنبه های مذهبی -- اسلام

موضوع:اسلام و کار

شناسه افزوده: حسینی هرندی، سیدمحمدحسین، ۱۳۴۶ -

شناسه افزوده: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهش های اسلامی

رده بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۸ح۳۲ م / ۲۳۰ / ۱۳BP

رده بندیدیویی:۲۹۷ /۴۸۳

شماره کتابشناسی ملی:۳۰۲۳۴۶۱

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

ص: ۱۰

ص: ۱۱

ص: ۱۲

ص: ۱۳

دیباچه

دیباچه

حرکت جامعه بشری به سوی معنویت و رسوخ دین در جنبه های مختلف زندگی، در عصر جاری رو به فزونی و گسترش است؛ چرا که قدرت معنوی و اجتماعی دین، در کاهش ستم و گرایش هرچه بیشتر ملت ها به مبارزه با یغماگران اقتصادی و غاصبان سمتهای سیاسی، بزرگترین نقش را داشته است.

حفظ و تقویت رویکرد جامعه بشری به دینداری، نیازمند ارتباط مردم با عالمان دینی است. ارتباط مردم با عالمان دینی، افزون بر جنبه مذهبی، می تواند مسائل کلان اقتصادی، سیاسی و اجتماعی را نیز پوشش دهد.

عالمان دین در طول تاریخ از جایگاه اجتماعی والا و ارزشمندی برخوردار بوده و در چشم و دل مردم، قداست و اعتبار فراوانی داشتهاند. انسانها با فطرت پاك الهی، پیامهای آسمانی را باور دارند و عالمان دین را به عنوان مفسران و مترجمان و پاسبانان امانت آسمانی و سخن خدا می شناسند. ازاین رو، روحانیت شیعه، همیشه قدرتی الهی و مردمی بوده اند که با عنایت الهی و حمایت مردمی، قدرت های استبدادی و استعماری و صاحبان زر و زور را در دنیای اسلام مهار کرده و با شیوههای گوناگون، مظلومان را از چنگ ظالمان رها بخشید ه اند.

ص: ۱۴

امروزه روشن شده است که اگر توانایی رسانه در جامعه پذیری، بالاـ باشد، می تواند افکار و خواسته های خود را در طیفهای گوناگون، به جامعه منتقل کند و بهره های خوبی به دست آورد و آن نیرو نیز میتواند محور دگرگونی های جامعه باشد.

در این میان، شایسته است از این ظرفیت بهره بریم و با توجه به سال ۱۳۹۱ که سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» است، اندیشه و تجربه های ارزشمند مقام معظم رهبری را برای نسل جدید ترسیم کنیم.

ازاین رو، این اثر تلاشی است برای معرفی نقش عالمان دینی و نخبگانی که با عمل خود، در راه استقلال جامعه اسلامی گام برداشته اند. نگارش حاضر در فرصتی اندک توسط پژوهشگران ارجمند آقایان سیدعلی محمّدی متکازینی و سیدمحمدحسین حسینی هرندی فراهم آمده است.امید است دست مایه ای برای برنامه سازان رسانه ملی باشد.

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۵

مقدمه

مقدمه

بشـر از همان گام نخست زنـدگی خویش، دانست که از یک سو برای بهتر شـدن و رشـد و تعالی آفریده شده و از سوی دیگر، این توانـایی و اختیـار در فرا راه عمر وی قرار گرفته است. بر این اساس در آیین ها و مکتب های الهی و از آن میان در اسـلام، به تربیت روحی و پرورش مقام و منزلت انسانی توجه فراوان شده است. اگرچه در سیر تکاملی انسان، مبحث هایی چون تشویق و تبیین، انذار و تبشـیر، مـوعظه و نصـیحت و در یـک کلاـم راه کارهـای نظری متعـدد مطرح می شـود، بـدیهی اسـت برنـامه هـای عملی، همیشـه مؤثرترین راه کـار است. این چنین است که وجود الگوها و سـرمشق های بزرگ در زنـدگانی انسان ها وسـیله مؤثری برای تربیت و رشد انسان ها بوده است. آموزه های انسان ساز اسلام نیز که نشانی از کامل بودن آن دین الهی می دهد، پر است از آن الگوها.

نوح با شکیبایی اش، ابراهیم در ادبش، اسماعیل با تسلیم خود، ایوب با صبرش، یوسف با عفوش، موسی با شکرگزاری اش، سلیمان با تواضع خود و بالاخره پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله با خُلق عظیم خویش، اسوه ها و الگوهایی برای

ص: ۱۶

انسان کمال جو هستند. این الگو ها گرچه آراسته به زیور عصمت بودند، بر اساس اندیشه های اسلامی، گام نهادن در مسیری که آنان پیموده اند، امری شدنی است. این سیر در مکتب تشیع، با بهره گیری از احادیث امامان؟عهم؟ و سیره عملی و اجتماعی آنان، به وسیله بزرگان مذهب، تبیین و ترویج شد و خود نیز رهپویان آن طریق و اسوه هایی برای فرد فرد جامعه اسلامی به شمار آمدند.

یکی از مباحثی که نقش علما و مراجع شیعه، به عنوان مرزبانان حریم اعتقادی تشیع، در آن نمایان و بارز شده، سیره اقتصادی آنان در زندگی شخصی است. آنها به دلیل وظیفه ای که در محافظت از هویت و کیان اسلامی دارند، در این بعد از زندگی اجتماعی هم نه تنها در مقام قول و گفتار، بلکه در عمل و کردار خویش نیز راه پیشرفت و سعادت جامعه اسلامی و انسانی را نشان داده اند. در مبحث اقتصاد، وابسته نبودن، یکی از زمینه هایی بود که بزرگان جامعه شیعی، با گفتار و کردار، وارد آن صحنه شدند.

آنها با روشنگری شان درباره دگرگونی هایبازار مسلمانان و در پی آن، سلطه گری سیاسی و اقتصادی بیگانگان بر کشورهایاسلامی، حرکت جهادگونه کردندو با تمسک به آیه شریفه «وَلَن يجْعَلَ اللّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً» (نساء: ۱۱۴) به منظور احیای عزت اسلام، جنبش تحریم کالاهایغیر ضرور خارجی وحمایت از تولیدات داخلی را سامان دادند.

دولت های استعماری از سال های پایانی قرن هجدهم و در طول قرن های ۱۹ و ۲۰ میلادی، کشورهای اسلامی را مستعمره خود کرده اند، ولیعالمان دین مدار، در برابر هجوم های بی امان استعمارگران، با استناد به قاعده «نفی سبیل» ایستادگی را

ص: ۱۷

معنا و برایآن کاربرد تازه ای پیدا کردند. همین مبارزات بود که راه نفوذ و سلطه بیگانگان و استعمارگران را تا حدی سد کرد.

علمای شیعه، افزون بر حیات بخشی دوباره معنوی و فرهنگی مسلمانان و جلوگیری از فلج شدن قدرت منطقی و نیروی تشخیص مردم و وابستگی آنان به استعمار، در مبارزه اقتصادی با دشمنانو آگاه سازی و تهییج توده ها، نقش مهمی را ایفا کرده اند. زیرا آنهایکی از اساسی ترین روش های مقابله با نفوذ و استعمار دشمنان را تحریم اقتصادی کالاهای بیگانه می دانستند که موجب تقویت و شکوفایی اقتصاد ملی نیز می شود. علما و مفاخر ایران به ویژه در دوران معاصر، با پی بردن به فعالیت های استعماری دشمنان اسلام در زمینه اقتصادی، برایتقویت اقتصاد داخلی و حمایت از تولید ملی و تحریم کالاهای خارجی اقدامات ارزشمندی انجام دادند وراه را بر روی نفوذ بیگانگان بستند. علما و اندیشمندان دینی کسانی هستند که در مقام تبیین وتبلیغ آموزه های دینی برآمده و در طول حیات خویش در حدود توانایی و امکانات خود به ترویج ابعاد مختلف زندگی مبتنی بر آموزه های اسلامی پرداخته و آن را نهادینه ساختند. ایشان علاوه بر مقابله اقتصادی با بیگانگان، تلاش نمودند تا در راستای تقویت جامعه اسلامی و بنیه مادی آن، مسلمانان را به سمت و سوی تولید داخلی و بهره گیری از امکانات موجود هدایت نموده و همگان را به مصرف دسترنج مؤمنین سوق دهند. پس نقش آفرینی وسیره عالمان دین مدار در زمان مقتضی ومبارزه با اجناس خارجی در جبهه قلم وزبان و همچنین روی آوردن به دسترنج مردم جامعه خود، دست آوردهای گوناگونی داشته و خواهدداشت. در این میان، نباید نقش نخبگان را نادیده گرفت.

ص: ۱۸

ایشان هم به جهت پای بندی به آموزه های دینی و نفی استکبار و استعمار لازم می دیدند به تولید داخلی بها بدهند. نگاهی به تاریخ ایران نشان دهنده وجود شخصیت هایی است که به هر دلیل تلاش کرده اند در مهیاسازی و فراهم ساختن زمینه هایتولید ملی خواه از باب دشمن ستیزی به دلیل توجه به بالا رفتن توان اقتصادی جامعه اسلامی قدم هایی بردارند.

معرفی برخی از این شخصیت ها به معنای نفی سایر زبد گان و تلاش گران این عرصه نیست. بدیهی است عدم ذکر نام سایر علما و نخبگان برخاسته از ضیق وقت، محدودیت صفحات و دامنه گسترده ای از بزرگان دینی و شخصیت های ملّی است، که تاریخ زحمات آنها را ثبت نموده است. به سخن دیگر یکی از اولین و برجسته ترین نکات در بررسی زندگانی و سیره فردی و اجتماعی اینان همان فعالیت و تلاشی است که از آنها شخصیتی فراتر از جایگاه خود به نمایش می گذارد. روشن است، از آنجا که اساس زندگی، برمعیشت و تنظیم اقتصاد خانواده استوار است، اگر نبض اقتصاد به دست بیگانگان بیفتد یا دست کم در اقتصادکشوروارد شوندو مردم با آنها معامله کنند، معاشرت با بیگانگان در جامعه رواج می یابد و به صورت طبیعی و با گذر زمان، همه استعداد و دارایی کشور، در اختیار بیگانگان قرار می گیرد. بدین ترتیب، در این نوشتار تلاش شده است که با تبیین پی آمدهایتوجه به تولیدات داخلی، نمونه هایی از رفتارعملی بزرگان دینی و نخبگان ملی ارائه شود. امید است که تهیه کنندگان رسانه ملیاز این نوشتار در ساخت برنامه هایی در این موضوع، بهره گیرند.

ص: ۱۹

فصل اول: کلیاتی در باب تولید و بررسی اندیشه اسلامی

اشاره

فصل اول: کلیاتی در باب تولید و بررسی اندیشه اسلامی

زیر فصل ها

۱. نگاهی به شعار سال

۲. کلیات و مفاهیم

۳. تولید از منظر اسلام

۴. سیره عملی اهل بیت؟عهم؟

۱. نگاهی به شعار سال

اشاره

۱. نگاهی به شعار سال

زیر فصل ها

الف) حکمت نام گذاری

ب) ارتباط شعار امسال با شعارهای سال های گذشته

الف) حکمت نام گذاری

الف) حکمت نام گذاری

در این زمینه بحث های تبیینی، تحلیلی و علمی زیادی وجود دارد و به تدریج، باید گویندگان، نویسندگان، رسانه های دیداری، شنیداری و نوشتاری، رسانه های الکترونیک، مسئولان و هرکس که در برابر ایران و ایرانی احساس مسئولیت می کند، هر یک با تبیین و فرهنگ سازی و عمل سازنده در این مرحله از جهاد بزرگ اقتصادی و تولیدی، به تکلیف ملی و دینی و انقلابی خود عمل کنند. همه باید بیشتر کار کنند، بر تولید فکر و کار و خلاقیت بیفزایند و از سرمایه ها و دارایی های خود، بیشترین استفاده را ببرند.

اکنون نظام جمهوری اسلامی در میانه دهه چهارم انقلاب اسلامی قرار دارد که دهه پیشرفت و عدالت نامیده شده استو در جهت تحقق اهداف سند چشم انداز

ص: ۲۰

بیست ساله کشور حرکت می کند. در تحقق بسیاری از اسناد بالادستی و سیاست های کلان کشور، به مرحله مطلوبی از پیشرفت و عدالت رسیده، ولی اکنون زمان آن است که با ژرف اندیشی، به ابتکار و خلاقیت بیشتر دست یابد، کیفیت ها را بالا ـ ببرد، به استانداردهای مطرح در کیفیت کالاها و خدمات برسد، به عرصه رقابت پذیری اقتصادی و صنعتی و تولیدیوارد شود و در این میان، نام گذاریامسال می تواند نظام را به جهشی اساسی در همه زمینه ها سوق دهد.

ایجاد وحدت رویه، هم افزایی و انسجام بخشی به حرکت عمومی کشور در عرصه تولید، ضرورت دیگری است که نظام اسلامیمی کوشد آن را عملی سازد. بدین ترتیب، باید همه ظرفیت ها را به کار گرفته، تمامی استعدادها را شکوفا ساختو با بسیج امکانات مادی و سرمایه های انسانی، از اتلاف منابع مادی و سرمایه ها و فرصت های موجود، پیشگیریکرد.

بی اثر ساختن فشارها و تحریم های ظالمانه غرب، در سایه رشد اقتصادی و شکوفایی تولید و افزایش صادرات ممکن خواهد بود. تحریم اقتصادی، تحریم بانکی، تحریم تجاری، فشارهای سیاسی و روانی برای به تسلیم درآوردن نظام، خسته کردن افکار عمومی و مرعوب ساختن مردم و مسئولان به وسیله اهرم اقتصادی، در دستور کار نظام سلطه قرار دارد. اتاق های فکر نظام سلطه و استکبار جهانی، تحریم های فلج کننده را کارآمدترین اهرم براینابودینظام اسلامی قلمداد می کنند. در سال هایاخیر، بروز اختلاف در مسائل استراتژیکی و تحلیلی، میان رژیم جعلی صهیونیستی که بر ضرورت حمله نظامی به جمهوری اسلامی تأکید می ورزد، با رئیس جمهور امریکا که بر تأثیر تحریم های فلج کننده در متوقف ساختن جمهوری اسلامی اصرار دارد، ناظر بر دل بستن آنها به این حربه برای تسلیم کردن ایران اسلامی است.

ص: ۲۱

در این نام گذاری، نیازهایضـروریو اساسی کشور نمایان تر شده است. مصلحت ها و اقتضائات و اولویت های اصلی کشور، تعیین و راه کار تحقق استقلال همه جانبه و مسیر بازدارندگی همه جانبه از تهدیدها و فشارهای دشمن، روشن و آشکار شده است.

در مجموع می توان گفت، یک سری دلایل و عوامل داخلی و ملی، سبب نام گذاری سال ۱۳۹۱ به سال تولید ملیشده اند و دسته ای دیگر از عوامل نیز که به تحولات منطقه ای و بین المللی معطوف است و ناظر بر پیشگیری و متأثر از تحریم ها و فشارهای بین المللی هستند، در این نام گذاری دخالت دارند. دسته سوم از عوامل نام گذارینیز به ارائه یک نظام الگویی مناسب برای بیداری اسلامی و ارائه طریق برای ملت های مسلمان و مستضعفان جهان اختصاص دارد. هدف از این ارائه نظام الگویی و طریق، کسب استقلال و ایستادگی در برابر نظام ظالمانه و سلطه گرانه کاپیتالیستی و لیبرال سرمایه داریاست که نظام جمهوری اسلامی، اینک رهبری آنها را بر عهده دارد.

ب) ارتباط شعار امسال با شعارهای سال های گذشته

ب) ارتباط شعار امسال با شعارهای سال های گذشته

عنوان شعارهای ۱۰ سال گذشته، نشان می دهد شعارهای آن سال ها معطوف به مسائل اقتصادی و افزایش کار و تلاش است، ولیدر پنج سال اخیر، به طور مستقیم جنبه های گوناگون پیشرفت اقتصادیدر اولویت نخست کشور قلمداد شده است: سال ۱۳۸۷ سال «نوآوری و شکوفایی»؛ سال ۱۳۸۸ سال «اصلاح الگوی مصرف»؛ سال ۱۳۸۹ سال «همت مضاعف و کار مضاعف»؛ سال ۱۳۹۰ سال «جهاد اقتصادی» و سال ۱۳۹۱ سال «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی»، نامیده شده است.

ص: ۲۲

در واقع، نوعی ارتباط منطقی و سلسله مراتبی در نام گذاری پنج سال گذشته دیده می شود. شعار سال های گذشته، مقدمه و بسترساز تولید ملی است. نوآوری، اصلاح الگوی مصرف، کار مضاعف و همت مضاعف و جهاد اقتصادی، همگی زمینه ساز تولید ملی و پیش نیازهای تقویت تولید و افزایش کیفیت تولید داخلی هستند. این روند از نظم منطقی و فکرِسخنان و تدبیر مقام معظم رهبری حکایت می کند.

۲. کلیات و مفاهیم

اشاره

۲. کلیات و مفاهیم

زیر فصل ها

الف) خود کفایی

ب) عالمان دینی

ج) نخبگان

د) اقتصاد

ه) تولید ملی

و) پی آمدهای تولید ملی

ز) الزامات تولید ملی

الف) خود کفایی

الف) خود کفایی

خودکفایی به حالتی گفته می شود که برای بقا، به هیچ کمک خارجی، حمایت یا تعاملی نیاز نباشد.به این واژه به عنوان یک هدف، در زمان مرکانتالیست هادر سده های ۱۷ و ۱۸ میلادی، توجه می شد و با ظهور علم اقتصاد و پیدایش اقتصاددانان کلاسیک، به حاشیه رفت. کسانی چون ریکاردو اثبات کردند که تجارت و دادوستد، رفاه هر دو سو را خواهد داد. آنها نشان دادند حتی اگر در کشوری امکان تولید ارزان تر همه کالاها نسبت به کشور دیگری وجود داشته باشد، همچنان امکان رسیدن به رفاه بیشتر برای آنها ممکن است. خودکفایی معمولاً به میزان تولید داخلی وابسته است، ولیبر پایه برخی نظریه ها، افزون بر آن، به قابلیت و توانایی کشور در واردات محصولات راهبردی، در شرایط مطلوب اقتصادی نیز وابسته است.

بنابه باور شماری از کارشناسان، دست کم در زمینه برخی کالاهای استراتژیک، رسیدن به خودکفایی و قطع وابستگی به دیگران، اهمیت بسیاری دارد و اقتدار ملی را برای آن کشور به ارمغان می آورد. بر پایه اسلام، لازم است امت اسلام، خودکفا

ص: ۲۳

باشد.قرآن کریم بهترین راه خودکفایی را اعتماد به نفس، تکیه بر نیروهای خودی و کوشش فراوان می داند.

خداوند متعال درباره اعتماد به نفس مؤمنان می فرماید: «وَلاَ تَهِنُوا وَلاَ تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ؛ و سست نشوید و غمگین نگردید و شما برترید اگر ایمان داشته باشید.»(آل عمران: ۱۳۹) همچنین قرآن کریم درباره اعتماد بر نیروی مسلمانان و مؤمنان به منظور خودکفایی اقتصادی می فرماید: «وَلاَ تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللّهِ مِنْ أَوْلِيَاء ثُمَّ لاَ تُنصَرُونَ؛ و بر ظالمان تکیه ننمایید که موجب می شود آتش شما را فراگیرد و در آن حال، هیچ ولی و سرپرستی جز خدا نخواهید داشت و یاری نمی شوید.» (هود: ۱۱۳) از این آیه برمی آید که در مسائل اقتصادی، نظامی و سیاسی، مسلمانان نباید بر کافران و ظالمان تکیه کنند و باید مستقل باشند.(۱)

ب) عالمان دینی

ب) عالمان دینی

فقها همان متخصصان معارف الهی و آشنایان به قرآن و روایات هستند که پس از انبیا و امامان، حجت خداوند بر مردمند و مردم نیز بر پیروی از آنان موظفند که اقتدا به عالم واجد شرایط، اقتدا به امام و پیامبر است و موجب نجات و رستگاریمی شود(۲). در منابع اسلامی شیعی، عالمان دین، دارای بالاترین نقش در سعادت ملت ها شناخته شده اند. در تاریخ پرفراز و نشیب ۱۴۰۰ ساله اسلام، خانه عالمان دین و مساجد و پایگاه فعالیت آنان، از مهم ترین مراکز تصمیم سازی و نقش آفرینی در

۱- آیت الله مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۹، صص ۲۵۹ ۲۶۴.

۲- حسین انصاریان، نظام خانواده در اسلام، ص ۴۵.

ص: ۲۴

صحنه تحولات بزرگ تاریخی بوده است. نقش آنها در زمان غیبت کبرا به عنوان جانشین برای امامان امت تبیین شده است. برای نمونه، عبدالسلام بن صالح هروی می گوید: از امام رضا(ع) شنیدم که فرمود: «خدا رحمت کند بنده ای را که امر ما را زنده می کند. پرسیدم: امر شما را چگونه زنده می کند؟ پاسخ داد: علوم ما را می آموزد و به مردم آموزش می دهد.(۱)

بر اساس این روایت، در عصر غیبت و عصری که انسان ها دسترسی مستقیم به امامان دین ندارند، عالمان دینی، محل رسیدگی به امور مردم هستند که از مکتب امامان، دین ناب را فرا گرفته اند و وظیفه دارند آن را در میان مردم گسترش دهند.

ج) نخبگان

ج) نخبگان

این واژه در معنایکلی، شامل گروهی از افراد است که در هر جامعه مقام هایبالاییدارند و به بیان جزئی تر، به گروهی اشاره دارد که در رشته ای خاص برترند؛ به ویژه اقلیت حاکم و محافلی که این اقلیت حاکم از آنجا برگزیده می شود.(۲) نخبه، همان فرد زیرک و هوشیار جامعه است که اگر در لباس توده هم باشد و به طور مستقیم، در کارهای دولتی دخالتی نداشته باشد، باز هم در پشت پرده، در سیاست دخالت دارد و از سفره گسترده نعمت های آن بهره می برد.(۳)

در نوشتار حاضر این واژه شامل کسانی است که وجدان بیدار جامعه هستند، و پیشاپیش مردم حرکت می کنند و در امور، راهنما و راهگشای آنان به شمار می آیند.

۱- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۸، ابواب صفات القاضی، ص ۱۰۱، ح ۹.

۲- جولیوس گولد و ویلیام کولب، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر پرهام و دیگران، ص ۸۳۵.

۳- یحیی صالحی، اندیشه های سیاسی غرب در قرن بیستم، ص ۵۸.

ص: ۲۵

اینان که بیشتر سکان داران حکومت یا در پی دست یابی به عرصه های قدرتند، برآنند مسند و کرسیاثرگذاری را در اختیار بگیرند؛ حال آن شایستگی و توانایی را داشته باشند یا آن گونه باشند که بسیاری از نخبگان حکومت های معاصر هستند. آنان که آمدورفتشان و بودونبودشان، به اراده های خارج از حیطه اختیار مردم آن جوامع است که البته در هر حال، نمی توان اثرگذاری آنان را انکار کرد.

د) اقتصاد

د) اقتصاد

اقتصاد در لغت به معنای «میانه نگاه داشتن» و «تعادل دخل و خرج» است، ولی به نظر نمی رسد اقتصاددانان تعریف عام پذیرفته شده ای از موضوع تخصص خود ارائه داده باشند؛ زیرا تعریف های داده شده، در درجه نخست جامع نیستند و دوم اینکه با مسلّم فرض کردن موضوع های تعریف، خواه ناخواه به دور باطلی از تعریف های جدید کشانده می شوند.

رابینز، اقتصاددان مکتب کلاسیک انگلیس می گوید: «اقتصاد، علمی است که رفتار بشری را به منزله رابطه ای بین اهداف و وسایل کمیاب، که موارد استفاده گوناگونی دارند، مطالعه می کند.»(۱) ولی به نظر می رسد این تعریف، به جوهر اقتصاد خُرد پرداخته و به اقتصاد کلان که البته تکامل مباحث آن پس از عنوان شدن تعریف مزبور صورت پذیرفته است، توجه چندانی ندارد. شاید تا حدودی این تعریف، گویای محتوای این علم باشد: «اقتصاد، علمی است مربوط به آن جنبه های رفتار انسان و سازمان ها که با استفاده از منابع کمیاب، به تولید و توزیع کالاها جهت رفع نیازهای انسان ارتباط می یابند».(۲)

۱- فریدون تفضلی، تاریخ عقاید اقتصادی(از افلاطون تا دوره معاصر)، ص ۴۵.

۲- سیاوش مریدی و علی رضا نوروزی، فرهنگ اقتصادی، ص۶۹.

ص: ۲۶

شاید بهتر باشد به جای تعریف فشرده ای از اقتصاد، به شناخت یک به یک مفاهیم و موضوع های آن پرداخته شود که در حوصله این نوشتار نیست.

علم اقتصاد را نیز مانند دیگر علوم می توان به دو بخش عمده تقسیم کرد: اقتصاد پایه که موضوع آن، بررسی اصول اقتصادی است و اقتصاد کاربردی که وظیفه آن، استفاده عملی از اصول پایه در پیشبرد برنامه های اقتصادی است.

ه) تولید ملی

ه) تولید ملی

تولید به معنای زایاندن، زادن، پدید آوردن، پیدا کردن، ایجاد و تولید ثروت است و در اینجا به معنای ایجاد و تولید ثروت است. وقتی واژه تولید با واژه ملی ترکیب می شود، معنای به وجود آوردن ثروت برای مردم کشوری خاص، از آن منظور و مراد است(۱) و همچنین ارزش کل تولید یا درآمد ملی به قیمت های ثابت. از آنجا که تغییرات ارزش متغیرهای اقتصادی، به دلیل نوسان و تورم قیمت ها نمی تواند گویای تغییرات واقعی ارزشی آنها باشد، برای محاسبه تولید ملی واقعی، باید ارقام درآمد ملی و اجرای آن به قیمت های جاری، بر پایه شاخص های قیمت تعدیل شود و از این طریق، تولید ملی به قیمت های ثابت به دست آید.(۲)

بر اساس آنچه در تعریف مفاهیم فوق آمده که دیدگاه پدیدآورندگان در نوشتار حاضر را نیز بیان می کند می توان این گونه خلاصه نمود:

۱. تولید ملی: فعالیت مستمر در رسیدن به خودکفایی و بحث حمایت از تولید داخلی و نفی استعمار و تسلط بیگانگان؛

۱- محمد معین، فرهنگ فارسی، ج ۱، ص ۱۱۷۰.

۲- فرهنگ اقتصادی، ص ۶۹.

ص: ۲۷

۲. اقتصاد: تلاشی فکری و مقدمه ای بر رفتار عملی در تولید و توزیع نیازهای اقتصادی جامعه؛

۳. خودکفایی: کوشش در دست یابی به حداکثر تولید داخلی و افزایش قابلیت و توانایی اقتصادی؛

۴. علماء: شخصیت های برجسته دینی و آشنایان با مبانی اسلامی، راهنمایان امور مادی و معنوی جامعه اسلامی؛

۵. نخبگان: صاحبان کرسی و مسند تأثیرگذاری در سطح جامعه برخاسته از پشتوانه دینیا ملی.

و) پی آمدهای تولید ملی

و) پی آمدهای تولید ملی

تمرکز کشور بر تولید ملی، به تقویت و تحکیم زیرساخت های کشور می انجامد، استقلال کشور را تضمین می کند، زمینه ها و فرصت هایاشتغال را گسترش می دهد و می تواند راه کارهای منطقی و عینی برای حل معضل بی کاری قلمداد شود. در نتیجه، از سرمایه های موجود که در برخی موارد در شغل ها و عرصه های کاذب هزینه می شوند و معیشت مردم را به درآمدهای نامشروع آلوده می سازند، استفاده مطلوب و بهینه و مشروع سازی ثروت، محقق می شود.

طبیعی است، آخرین ترفند مستکبر جهانی و شیطان بزرگ برای مهار انقلاب اسلامی، تحریم و فشار اقتصادی، تجاری و بانکی است. بنابراین، با تمرکز بر تولید ملی، می توان کشور را از وابستگی به خارج نجات داد و در این مرحله از عمر پربرکت انقلاب اسلامی نیز مستکبرین جهانی را به بن بست کشانید.

نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران که کانون توجه ملت های مسلمان و

ص: ۲۸

مستضـعفان جهان هسـتند، با استانداردسازی و افزایش کیفیت کالاها و خدمات، می توانند برایجهان سرخورده از نظام سرمایه داری ظالمانه در عرصه اقتصادی نیز راهنما باشـند و طرحی نو دراندازند و راه جدیدی به روی بشـریت بگشایند که عاری از سـلطه و بهره کشیو چپاول گری باشد و اقتصادهای ملی را توانمند سازد.

بـدون تردیـد در سایه همت مضاعف و کار مضاعف و توجه مضاعف به تولیـد ملی، همه اسـناد بالادستی نظام، اعم از اهـداف دهه پیشـرفت و عـدالت، چشم انـداز بیست ساله، اهـداف اقتصادیمطرح در قانون اساسـی، آرمان های امام خمینی قـدس سـره و افکار و تدابیر امام خامنه ای، تحقق خواهند یافت.

همچنین در پرتو عمل به این دسـتور رهبری، با عزم ملی، سفره تولید علم در کشور پهن می شود. تولیدمحوری، به دانایی محوری و تولیـد دانش در زمینه ها و عرصه های مختلف می انجامد، نشاط علمی در کشور افزایش می یابد و بدین واسـطه ارتباط دانشـگاه با اقتصاد و صـنعت و بازار کار و سرمایه، بیش از پیش تقویت می شود و با تحقق یافتن چنین آرزویی، ملت ایران می تواند به قله های جهانی برسد.

در سایه تولیدمحوری، می توان از فقر و محرومیت کاست، بر توسـعه و آبادانیافزود، شور و نشاط کار و تلاش را بالا برد، بی کاریرا کاهش داد و مهارت هایعلمی و اقتصادی را بیشتر کرد.

یکی از آرمـان هـای امـام راحل؟ره؟ و مقام معظم رهبری، خارج ساختن بودجه کشور از وابسـتگی به نفت و اقتصاد تک محصولی است. با تحقق شعار تولید ملی، به این آرمان نزدیک می شویم و تکاپوی بیشتریدر سراسر کشور برای کار و تلاش پدید می آید.

ص: ۲۹

ز) الزامات تولید ملی

اشاره

ز) الزامات تولید ملی

تحقق آرمان بزرگ تولید ملی، الزامات، قواعد و مقدمات فراوانیدارد. در این نوشتار، اگرچه نمی توان به همه جنبه هایآن پرداخت، می کوشیم به مهم ترین ضرورت هایاین آرمان اشاره کنیم. اثرگذاری گسترده و نیز گستره اثرگذاری برخی از این الزام ها همچون مسئولیت اجتماعی، فرهنگ سازی، بسیج، تقویت زیرساخت ها و رقابت پذیری، آن گاه که جایگاه اجتماعی و فرهنگی علما و نخبگان درهم آمیخته می شود، بیشتر نمایان است. به دیگر سخن، بررسی و مطالعه سیره بزرگان، نشان می دهد که مواردی چون مسئولیت اجتماعی و فرهنگ سازی، در عملکرد آن مورد توجه و تأکید قرار داشته است. در ادامه به برخی از این الزام ها به طور گذرا می پردازیم:

یک_احساس مسئولیت عمومی و عزم ملی

یک_احساس مسئولیت عمومی و عزم ملی

همه در این جهاد بزرگ وظیفه دارند. هرکس در هر موقعیت کاری و شغلی، باید کیفیت کارش را بالا ببرد، بیشتر و بهتر کار بکند و به عنوان جهادی مقدس به این مقوله بنگرد. بنابراین، افراد نباید همواره دیگران را مخاطب این شعار بدانند، بلکه خود را در حیطه کاری اش، توانمندتر و کارآمدتر سازد و با دغدغه بیشتربکوشد.

دو _فرهنگ سازی

دو _فرهنگ سازی

فرهنگ کار و تولید و کیفیت، باید به فرهنگ عمومی کشور و حتی به مطالبه ملی تبدیل شود. اداره ها، نهادها، مسئولان، اهل قلم، اهل بیان، اهالی رسانه و آحاد

ص: ۳۰

مردم، همه تلاش کنند تا تولید ملی و افزایش کار و تلاش جوانان ایرانیو استفاده بهینه از سرمایه های مادی و انسانی، تحقق یابد.

سه_هم افزایی ظرفیت ها، بسیج استعدادها و سرمایه های انسانی و مادی

سه_هم افزایی ظرفیت ها، بسیج استعدادها و سرمایه های انسانی و مادی

تولیدمحوری، تنها از عهده یک نهاد مشخص برنمی آید، بلکه همه ظرفیت های کشور باید بسیج شوند، فکرها و عقل ها روی هم ریخته شود، امکانات کشور در این زمینه تمرکز پیدا کنند و با نظم و انسجام و وحدت رویه، همراه با شور و شعور، به فرمان ولی امر مسلمین لبیک بگوییم.

چهار_ایجاد و تقویت زیرساخت ها

چهار_ایجاد و تقویت زیرساخت ها

یک سری زیرساخت های ضروری و الزامی جدید باید ایجادو زیرساخت های موجود نیز تقویت و بازسازی شوند، تولید کیفی باید نهادینه شود و بسترهای ماندگاری و دوام و قوام آن فراهم آید و در این زمینه بخش های دولتی و خصوصی و آحاد مردم مسئولیت می یابند.

پنج _انگیزه دینی و تکلیف شرعی

پنج _انگیزه دینی و تکلیف شرعی

بر اساس آموزه های دینی، عمل کردن به فرمان ولی امر امت اسلامی، تکلیف شرعی همگان است. اگر همه عناصر و دستگاه هایمربوط و صاحبان سرمایه و دارندگان نفوذ کلام، به عنوان وظیفه ای شرعی بدان اهتمام بورزند، شتاب تولید چند برابر خواهد شد.

ص: ۳۱

شش _رقابت پذیری

شش _رقابت پذیری

بازار جهانی با رقابتی نفس گیر و تنگاتنگ روبه روست و قدرت های مطرح یا مدعی، باید توانمندی ها و ظرفیت های خود را برای رقابت در چنین عرصه ایبالا ببرند و پا به پای استانداردهای جهانی حرکت کنند. بنابراین، کیفیت کالاها و خدمات تولیدی و کار و سرمایه، باید بتواند از رقبای جهانی و منطقه ای خود پیشی بگیرد. در سند چشم انداز بیست ساله نیز گفته شده است که جمهوری اسلامی، در صحنه های مختلف به قدرت اول در منطقه آسیای جنوب غربی تبدیل می شود. طبیعی است تولید و اقتصاد و تجارتی که در آن رقابتی نباشد، از میدان مسابقه حذف خواهد شد.

هفت _دانش محوری و تولید دانش

هفت _دانش محوری و تولید دانش

در سال جاری، تکلیف بسیار سنگینی بر دوش دانشگاه ها، نخبگان، مراکز تحقیقاتی و دستگاه هایمربوط قرار گرفته است. افزایش تولید، نیازمند ارائه الگوها و نظریه های کارآمد و علمی خواهد بود. افزایش آگاهی و دانش و مهارت تخصصی، به جهش در تولید منجر می شود. بنابراین، تولیدکنندگان و کارگران و صاحبان سرمایه، باید پشتوانه علمی و توجیه علمی لازم را برای افزایش و کیفی سازی تولید داشته باشند. این مهم به عنوان حلقه ایگمشده، دانشگاه و صنعت را به هم پیوند می زند. دانشگاه ها باید بر اساس نیاز جدید، به جذب دانشجو و ایجاد یا گسترش رشته های دانشگاهی بپردازند و رسانه ها و نخبگان نیز در این زمینه آگاهی های لازم را در اختیار افکار عمومی قرار دهند.

ص: ۳۲

هشت_تشویق و ترغیب

هشت_تشویق و ترغیب

تشویق و ترغیب نیروی کـار و صاحبان سـرمایه و تشویق مردم، نیازمنـد روشـنگری، تبلیغ و عملیات رسانه ای گسترده ایاست که می توانـد بهـار رسـانه هـا و نخبگـان قلمـداد شود. بایـد بـار دیگر شـعار و آرمـان بزرگ «مـا می توانیم»را در نشـست هـا و محفل های گوناگون، مطرح و تولید ملیرا به باور عمومی تبدیل کرد.

نه_القاء ترویج تفکر جهادیدر برابر تهاجم اقتصادی دشمن

نه_القاء ترویج تفکر جهادیدر برابر تهاجم اقتصادی دشمن

نظـام جمهوری اسـلامی و ملت ایران، در سه دهه اخیر همواره مشـغول جهـاد بوده است. در یک برهه به جهاد سیاسـی، در برهه ای دیگر به جهاد دفاعی و زمانی به جهاد فرهنگی پرداخته و امروز در جهادی اقتصادی و نبرد فشرده در رویارویی با مستکبران جهانی، قرار گرفته است. دشـمن، تنها امید خود را در تحریم ها و فشاری فلج کننده می بیند و ملت ایران با جهاد خود، امید دشمن را ناامید خواهد ساخت.

ده_غفلت زدایی

ده_غفلت زدایی

در سال ۱۳۹۰ که «جهاد اقتصادی» نام گرفت، برخیشـرایط و تحولات سیاسیهمچون انتخابات یا اختلاف قوای سه گانه و برخیموضع گیری هایسیاسـی منطقه ای، بر روند تحقق شـعار سال اثر گذاشت و با وجود پیشـرفت های بسیار خیره کننده، دچار غفلت هایی نیز بودیم. نه تنهـا در سال ۱۳۹۱بلکه برای همیشه بایـد کوشـید هیـچ حاشـیه ای بر متن غلبه نکنـد، دچار غفلت نشویم و تولیدمحوری، اولویت اصلیهمه دستگاه ها و مسئولان و نخبگان باشد.

ص: ۳۳

یازده _ایجاد تعادل و تناسب، میان تولید و توزیع و مصرف

یازده _ایجاد تعادل و تناسب، میان تولید و توزیع و مصرف

بایـد کوشـید، در همه عرصه هـا تولیـد افزایش یابـد؛ اعم از تولیـد صـنعتی، کشـاورزی، دامی، تولیـد علمی و تولیـد در عرصه های مختلف، اصلاح و کارآمد ساختن نظام توزیع عادلانه. همچنین باید کاهش مصرف را به فرهنگ ملی تبدیل کرد.

دوازده_عزم ملی در مصرف کالاهای داخلی

دوازده_عزم ملی در مصرف کالاهای داخلی

اهتمام به مصـرف کالاهای داخلی، مهم ترین راز و رمز تحقق تولید ملی است. بدیهی است قوای سه گانه به ویژه دستگاه ها و اداره هـای دولتی در سراسـر کشور، در این زمینه نقش بی بـدیلی دارنـد. از یکسو حجم خریـد آنهـا بسـیار زیـاد است و از سوی دیگر بر اساس قاعده «النَّاسُ عَلی دِینِ مُلُوکِهِمْ»، (۱)آنان الگوی عملی و عینی مردم قرار می گیرنـد. اگر اداره ها و وزارتخانه ها و قوای سـه گانه، کالای خارجینخرند، تولید ملی افزایش می یابد و خانواده ها نیز تنها کالاهای ایرانیرا مصرف می کند.

سیزده_تولید و عدالت توزیعی

سیزده_تولید و عدالت توزیعی

در میان صاحبان اندیشه، همواره در طول تاریخ این ایده محل اختلاف بوده است که تمرکز بر تولیدگرایی، مانع پرداختن به عدالت اجتمـاعی می شـود و مـا را از مراعـات عـدالت در توزیـع ثروت و ضـرورت هـای شـغلی بـاز می دارد. حـتی در برخی دولـت هـای جمهوری اسـلامی نیز این دیـدگاه، غالب بوده است، ولیبررسـی های انجام شـده و نتایـج به دست آمـده از واقعیت های اجتماعی و برخی عملکردها

۱- محمد با قر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰، ص ۸.

ص: ۳۴

نشان می دهد که پرداختن به تولید و استفاده از سرمایه های پویا و بالنده، هیچ منافاتی با عدالت در توزیع ندارد، بلکه قدرت تولیدی و عدالت توزیعی، دو بال یک اقتصاد بالنده و عادلانه و پویا هستند.

تولیدمحوری، مکمل عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی است. این بیان، تفسیر دیگری از جهت گیری همزمان پیشرفت و عدالت است که مقام معظم رهبریهمواره بر آن تأکید دارد. رهبر انقلاب از واژه «توسعه» استفاده نمی کند؛ زیرا توسعه، مفهوم وجهت گیری سکولار و غربی دارد.ایشان پیشرفت و عدالت را نمایان تر می سازد و مفهوم آن این است که در اندیشه مقام معظم رهبری، هیچ منافاتیمیان پیشرفت و تولید و عدالت وجود ندارد.

۳. تولید از منظر اسلام

اشاره

۳. تولید از منظر اسلام

اسلام به مسائل اقتصادی اهمیت فراوانی داده و وجود باب های متعددِ مربوط به مبادله های مالی در فقه و قوانین اسلامی، حکایت از این دارد که اقتصاد، در اسلام امری باارزش و کانونی است. اهمیت مسائل اقتصادی، تنها از این نظر نیست که تأمین آزادی و استقلال و زندگی مادی مردم، بدون آن امکان ندارد، بلکه از این نظر نیز هست که با مسائل زیربنایی جامعه، حتی با مسائل اخلاقیپیوند نزدیکیدارد. جریان یک اقتصاد سالم در پیکر اجتماع، همچون جریان خون سالم در کالبد انسان است.

انسان برای ادامه زندگی، نیازمند اشیایی است که برای به دست آوردن آنها باید پیوسته بکوشد. این اشیا که شامل مواد خوراکی، لباس و لوازم زندگی می شوند یا در طبیعت به شکل محدود وجود دارد یا برای استفاده از آنها و تبدیل به مواد قابل

ص: ۳۵

مصرف، نیازمند به فعالیت و کار است. این فعالیت و کار و کوشش مضاعف که برای تأمین نیازهای اقتصادی جامعه انجام می شود، اگر به نتیجه برسد و دست آورد آن برطرف کننده نیاز فرد و جامعه باشد، «تولید» نامیده می شود.

در مکتب اسلام، هدف از تولید در اقتصاد فردی و خانوادگی، در ارتباط با اهداف اقتصادی جامعه است؛ چرا که در جهد و پشتکار یک فرد مسلمان، خدمت به جامعه، تعاون، ایثار و کسب رضایت الهی، مطرح و نیاز دیگران نیز برطرف می شود.

پس به دیگر سخن، می توان گفت که تولید به طور کلی، دارای دو بعد است: مادی و معنوی. در بعد مادی، مواد طبیعی، کار انجام شده، ابزار مورد استفاده و خدمات پس از تولید مطرح می شود. مباحثی نیز چون انگیزه های اعتقادی و انسانی، هدف از انجام دادن کار و کاربرد و اندیشه در جریان تولید، به بعد معنوی تولید اختصاص دارد. در هر حال، حکومت اسلامی ایجاد شده است و باید به هر شیوه که می توان، مسیر استقلال اقتصادی را یافت و پیمود. بدیهی است استقلال سیاسی، ملازم با استقلال اقتصادی است.

در واقع، حاکمان واقعی امت اسلامی، معتقد بوده اند که مسئله تولید در جامعه اسلامی، از وظایف و مسئولیت هایی است که همواره باید مورد نظر قرار گیرد. امیرالمؤمنین علی(ع) در نامه ای، از مالک می خواهد که مالیات کمتری از مولّدان جامعه مثل کشاورزان دریافت کند. اصول و مبانی مطرح شده در این نامه، باید الگوی رفتار اقتصادی حاکمان جامعه اسلامی در زمینه حمایت از تولیدکنندگان باشد. حضرت علی(ع) در بخشیاز این نامه می فرماید:

ای مالک! برای تشویق مولّدان جامعه، مالیات کمتری را از

ص: ۳۶

کشاورزان دریافت کن؛ زیرا موجب رشد و تأمین منافع عمومیخواهد شد و مالیات را به گونه ای دریافت کن که آنها بتوانند کارشان را ادامه دهند و روی پای خود بایستند؛ زیرا تأمین مصالح آنان، تأمین مصالح جامعه است و همه مردم، عیال و نان خور همین مولّدان هستند و بر سفره آنها نشسته اند.(۱)

الف) مباحث اصولی در تولید، از منظر اسلام

اشاره

الف) مباحث اصولی در تولید، از منظر اسلام

در اسلام مبانی و اصول فراوانی در زمینه تولید ملی وجود دارد که باید بدان ها توجه شود تا در سایه این رهنمودها، مسلمانان به استقلال و بی نیازی و قدرت دست یابند. «اصل و قاعده نفی ضرر»، یکی از این مبانی است.

در تاریخ اسلام آمده است که پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «مردم نباید از آب اضافی که در اختیار کشاورزان است، محروم شوند و دیگران باید بتوانند از آن استفاده کنند؛ زیرا در اسلام، زیان و زیان کار وجود ندارد».(۲)

یک_ایجاد امنیت اقتصادی

یک_ایجاد امنیت اقتصادی

یکیدیگر از اصول پیشنهادیدین اسلام در حمایت از تولید ملی، ایجاد امنیت اقتصادی است که در واقع زمینه تولید ملی را فراهم می کند. بر اساس این اصل، فعالیت های اقتصادی مسلمانان نباید به گونه ای باشد که موجب ایجاد تهدید و فشار بر دیگر فعالان اقتصادی شود. این اصل تفاوت میان اقتصاد اسلامی و دیگر اقتصادها را به خوبینشان می دهد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۲- محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۱۰.

ص: ۳۷

دو _تقویت جامعه

دو _تقویت جامعه

قوی تر شدن مسلمانان در حوزه اقتصاد، از راهبردهای مهم اقتصادی اسلام است. آیه «وَ أَعِدّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»، به همین معناست. می توان گفت معنای این آیه، آن قدر فراگیر است که حوزه اقتصاد را هم در بر می گیرد. بر اساس این آیه، توان اقتصادی جامعه اسلامی باید چنان افزایش یابد که مانع از تسلط بیگانگان و دشمنان اسلام بر مسلمانان شود.

سه_قاعده نفی سبیل

سه_قاعده نفی سبیل

«قاعده نفی سبیل»یکی دیگر از اصول هایاقتصادی اسلامیاست. این آیه بر مسلمانان ممنوع کرده است که راهی را برای تسلط کافران بر مؤمنان باز بگذارند؛ زیرا خداوند هیچ گونه چیرگی کافران بر مؤمنان را نمی پذیرد.

افزون بر اصول یاد شده، می توان این مسئله را در قرآن از منظری دیگر بررسی کرد. باید دانست مبانی قرآنی، در بحث تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه، گسترده است و در آیات قرآن کریم، به کار و تولید اهمیت فراوانی داده شده است و مسلمانان به کار و تلاش دعوت شده اند. در قرآن و روایات اسلامی، کار به عنوان جهاد در راه خدا معرفیشده است. در قرآن، مسلمانان به آبادانی زمین ها امر شده اند: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ ٱلْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فيها؛خداوند شما را خلق و دعوت به آبادانی زمین کرده است.» (هود: ۶۱)در این آیه، تولید به معنای اطاعت از امر خداوند تلقی شده است.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیز در این زمینه می فرماید: «اگر قیامت برپا شد و در دست شما نهالی بود، اگر می توانید پیش از قیامت آن نهال را بکارید، این کار

ص: ۳۸

را انجام دهید.»(۱) از این آیات و احادیث برمی آید که قرآن، برای تولید و کار و سرمایه، فرهنگ سازی کرده است.قرآن با وضع مقررات مناسب، می کوشد زمینه کار و تولید را فراهم کند. برای نمونه، قانونی در اسلام وجود دارد که رهاکردن زمین به حالت بایر و بدون استفاده، ممنوع است. امام موسی کاظم(ع) در این باره می فرماید: «هرکس زمین کشاورزی را سه سال پیاپیبدون دلیل رها کند، حاکم می تواند این زمین را از دست او خارج کند و در اختیار دیگران قرار دهد».(۲)

ب) زمینه سازی حکومت اسلامی برای کار و تولید

ب) زمینه سازی حکومت اسلامی برای کار و تولید

حکومت اسلامی باید زمینه کار و تولید را برای گروه های مختلف جامعه فراهم کند. ایجاد فرصت های شغلی برابر در عرصه کار، از اصول تأکید شده در اقتصاد اسلام است. در اسلام، عدالت اقتصادی به معناییکسان بودن سهام و ثروت نیست، بلکه معنای برابری فرصت های شغلی و کاری است تا همه کسانی که می توانند کار کنند، این فرصت را در اختیار داشته باشند. وابستگی های اقتصادی در دنیای معاصر، زمینه وابستگی های گسترده را در دیگر جنبه ها پدید آورده است.

۴. سیره عملی اهل بیت؟عهم؟

اشاره

۴. سیره عملی اهل بیت؟عهم؟

رهبران و زبدگان جامعه اسلامی، همان ها که رفتار و گفتارشان الگوی جوامع دینی است، در باب اقتصاد، تولید و اهمیت آن، دستورهای مهم و سفارش های مؤکدی

۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۴۶۰.

۲- رهگشای انسانیت.نهج الفصاحه، سخنان گهربار حضرت رسول؟ص؟، هاشم صالحی، ابراهیم احمدیان، ص ۴۰۷.

ص: ۳۹

داشته انـد. با این حال بایـد افزود که این تأکیدها، تنها در چارچوب سـخنان و گفتار های اخلاقی نبوده، بلکه خود آنها نیز عامل به این گفتارهـا بوده انـد. در اینجا پیش از مطرح کردن بحث سـیره عملی ائمه و بزرگان دین در باب اقتصاد، بایـد به این مسـئله اشاره کرد که سخنان و کلمات رهبران اسلامی را می توان در سه دسته جای داد:

الف) احادیثی که به کار تولیدی، به عنوان کسب حلال و پاك دنیا برای تأمین آخرت، سفارش کرده است.

ب) روایاتی که در آنها از اهمیت کار کشاورزی و تولید اقتصادی از راه زراعت و احداث باغ و کشت درخت، سخن گفته اند.

ج) رهنمودهایی که در باب اقتصاد و تجارت و کار بازرگانی و اهداف و شرایط آن آمده است.

به نمونه هـایی از این گفتارها که بیان کننـده دیـدگاه معصومان؟عهم؟ درباره ارزش کار و اهمیت اسـتقلال اقتصادی و تلاش فردی هستند، اشاره می کنیم:

پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله فرمود: «نِعمَ العوُن عَلی تَقوَی اللهِ الغِنی؛ بی نیـازی مـادی، مـددکاری نیکو در راه تقوا و حفظ دین است».(۱)

ابی بصیر نقل کرده است: «شـنیدم امام صادق(ع) فرمود: من در برخی از زمین های زراعتی خود کار می کنم، به گونه ای که عرق از بـدنم خارج می شود، درحالی که کسـی هست تا این کار را انجام دهـد، ولی من این کار را می کنم تا خداوند گرامی و بزرگ بداند که من در پی روزی حلال هستم».(۲)

۱- محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، ص۱۶.

۲- محمدبن حسن حر عاملی، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، ج ۱۲، ص ۲۳.

ص: ۴۰

از حضرت صادق(ع) از قول پدرش، امام محمد باقر(ع) نقل کرده اند که حضرت علی(ع) می فرمود: «هرکس آب و خاک در اختیار داشته باشد و به فقر و نیاز دچار شود، از رحمت الهی به دور باد».(۱)

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس سربار مردم باشد (و خود را از نظر اقتصادی تأمین نکند) از رحمت خداوند به دور است».(۲)

امام صادق(ع) فرمود: «کشاورزان، گنج های خدا در زمین اویند و در میان کارها هیچ کاری نزد خداوند، محبوب تر از کشاورزی نیست».(۳)

از امام صادق(ع) نقل کرده اند: «هرکه از دسترنج خود بخورد، در روز قیامت در شمار پیامبران خواهد بود و ثواب آنها را خواهد برد». (۴)

در برخی روایات، کارکردن در ردیف جهاد در راه خدا آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «هرکس از راه حلال برای معاش خانواده اش تلاش کند، مانند کسی است که در راه خدا جهاد کند و هر که با آبرومندی در پی حلال دنیا باشد، در مرتبه شهدا خواهد بود».(۵)

امام رضا(ع) نیز می فرماید: «آن کس که برای تأمین زندگی خویش تلاش می کند و موهبت های الهی را در پرتو کار می طلبد، بیش از مجاهدان راه خدا پاداش دارد.»(۶) اسلام برای اینکه امت متعادل به وجود آورد و جمع

۱- بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۱۹.

۲- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۱۸.

۳- بحارالانوار، ج ۱۲، ص ۲۵.

۴- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۱۷، باب ۸.

۵- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰.

۶- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳.

ص: ۴۱

میان دین و دنیا کند، پیروانش را به کار و کوشش، تشویق می کند و کسانی را که از فعالیت و تلاش می پرهیزند، توبیخ و نکوهش کرده است و عقیده دارد، مردمی که برای کار دنیا کسل هستند، بدون شک در امور آخرت کسل تر خواهند بود.

آنچه آمد، نمونه ای اندک از دریای سخنان بزرگان دین است که هرچند به تلاش فردی و استقلال اقتصادی اشاره و تصریح دارد، در عین حال، مهم ترین عوامل تولید را که منشأ اصلی همه تولیدات اقتصادی جامعه بشری هستند، منابع طبیعی و خدادادی می داند. این منابع غنی و گنج های بی پایان را دست نیرومند آفریدگار یکتا با سخاوت تمام در اختیار انسان قرار داده است. به تعبیر قرآن، خداوند هر آنچه را در زمین از منابع ثروت و اشیای مفید یافت می شود، برای انسان آفریده است: «هُوَ الّذی خَلَقَ لَکُمْ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعًا؛ او خداوندی است که هرچه را در زمین هست، برای شما آفریده است.» (بقره: ۲۹) «فَکُلُوا مِمّا رَزَقَکُمُ اللّهُ حَلالاً طَیِّبًا وَ اشْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ؛پس از آن چیزهای حلال و پاکیزه که خداوند روزی تان کرده است، بخورید و نعمت الهی را شکر کنید». (نحل: ۱۱۴)

بدین ترتیب، در پرتو آیات قرآن و با نگاه به سیره عملی اهل بیت؟عهم؟ که راهنمایان مذهب و چراغ فروزان جامعه اسلامی هستند، می توان مسیر درست را پیمود. حال در ابتدای این مبحث، نمونه هایی از سیره پیامبران را می آوریم.

با بررسی آیات و روایات درمی یابیم، پیامبران از راه کسب و کار، امرار معاش می کردند. همان گونه که از ابن عباس نقل شده است: «حضرت آدم(ع)، زراعت و کشاورزی؛ ادریس(ع) خیاطی؛ نوح(ع) نجاری؛ هود(ع) تجارت؛ ابراهیم(ع)

ص: ۴۲

گوسفندداری و شبانی؛ داوود(ع) زره سازی؛ سلیمان(ع) زنبیل بافی؛ موسی(ع) گله داری و عیسی(ع) سیاحی می کرد».(۱)

در حدیث دیگری، از ابن عباس نقل می کنند که گفته است: «... ابراهیم(ع) کشاورزی می کرد؛ شعیب(ع) چوپانی و گله داری؛ لوط(ع) کشاورزی؛ صالح(ع) تجارت.»(۲) در روایتی نیز آمده است که حضرت آدم(ع) بافندگی می کرد.(۳)

الف) پیامبراعظم صلی الله علیه و آله

الف) پیامبراعظم صلی الله علیه و آله

حسن بن علی وشاء می گوید: «از مولایمان حضرت ابی الحسن علی بن موسی الرضا(ع) پرسیدم: آیا رسول خدا صلی الله علیه و آله به جز فدک چیزی به جای گذاشت؟ فرمود: آری، باغ هایی در مدینه و شش اسب، شتر و... از وی باقی ماند».(۴)

ازاین رو، ابن ابی الحدید در مقام رد کسانی که به زهد امیرمؤمنان علی(ع) اشکال کرده و گفته اند آن حضرت باغ ها و زمین هایی داشته است (می گفتند اینها با زهد منافات دارد)، می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله از دنیا رفت و باغ های زیادی در خیبر و فدک و محله بنی نضیر و نخلستان و باغ های دیگر در طائف داشت که پس از مرگ آن حضرت، به عنوان صدقه باقی ماند.(۵)

درباره فدک و محصولات آن و آنچه پیامبر کشت و تولید می کرد، ابن اثیر نقل می کند:

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۵۶.

۲- بحار الانوار، ج ۱۰۰، صص ۵۶ و ۵۷.

۳- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۵۷

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۴۳ .

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۴۳ .

ص: ۴۳

در فدک یازده درخت خرما وجود داشت که پیامبر میوه آنها را به حجاج هدیه می داد و از برکت آنها، ثروت سرشاری عاید آنها می شد تا اینکه در زمان متوکل عباسی، عبدالله بن عمر بازیار، شخصی به نام بشران بن ابی امیه ثقفی را به مدینه فرستاد و او این درخت ها را قطع کرد و چون به بصره بازگشت، فلج شد.(۱)

وی همچنین می نویسد: «عجوه، نوعی خرماست بزرگ تر از صیحانی که رنگ متمایل به سیاهی دارد و از چیزهایی است که پیغمبر با دست خود آن را کاشت».(۲)

ب) حضرت علی(ع)

ب) حضرت علی(ع)

در حدیث آمده است که امام باقر(ع) فرمود: «مردی نزد حضرت علی(ع)یک وسق(۳) هسته خرما دید. پرسید: هدف از گردآوری این همه خرما چیست؟ فرمود: همه آنها به اذن الهی درخت خرما خواهند شد. [بدین ترتیب] امام علی(ع) آن هسته ها را کاشت و یک دانه تباه نشد و نخلستانی پدید آورد».(۴)

از سخن حضرت علی(ع) با مردم بصره روشن می شود که آن حضرت، مزرعه داشته و ملک شخصی او بوده است. مرحوم شیخ مفید نقل می کند، ابومخنف روایت کرده است:

۱- سید محمدحسن موسوی قزوینی حائری، فدک، با مقدمه: استاد عبدالفتاح عبدالمقصود، ص ۱۹۵.

۲- نورالله، علی دوست خراسانی، منابع مالی اهل بیت؟عهم؟، ص ۱۴۹.

۳- یک وسق، معادل شصت صاع و هر صاع تقریباً یک من است.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵.

ص: ۴۴

وقتی امیرمؤمنان علی(ع) خواست از بصره برود، در میان مردم ایستاد و فرمود: ای مردم بصره، چرا بر من اعتراض می کنید؟ به خدا سوگند این دو (اشاره به پیراهن و عبای خود کرد) از دسترنج بافت خانواده من است. آن گاه فرمود: بر من چه خرده ای می گیرید! به خدا سوگند این نیست (اشاره کرد به کیسه ای که در دست داشت) مگر از محصول غله من در مدینه. اگر من از نزد شما رفتم و بیش از آنچه می بینید، به همراه خود بردم، من در زمره خائنان هستم. سپس از بصره بیرون رفت و مردم او را بدرقه کردند.(۱)

باید دانست امام علی(ع) در عین حال که به کشت و تولید اهمیت می داد، از پیشگامان خدمت گزاری و فضیلت های اجتماعی بود و حتی توفیق یافت از حاصل دسترنج خود، هزار بنده را در راه خدا آزاد کند.(۲) در حدیث دیگری می خوانیم که حضرت علی(ع) هزار برده را آزاد کرد که بهای آنها را از پینه دست و عرق پیشانی پرداخت.(۳)

ج) امام حسن مجتبی(ع)

ج) امام حسن مجتبی(ع)

امام حسن مجتبی(ع) نیز مانند جد گرامی و پدر بزرگوارش، افزون بر مقام امامت و حضور در صحنه پر فراز و نشیب سیاست، در عرصه اقتصادی نیز با خرید و آباد ساختن زمین ها و باغ ها از محصولات آن، استفاده می کرد. برای نمونه،

۱- محمدتقیتستری، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۱۲، ص ۱۰۵.

۲- بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۴۳.

۳- ابی اسحق ثقفی کوفی، الغارات، تحقیق: سید جلال الدین محدث ارموی، ج ۱، ص ۹۲.

ص: ۴۵

ایشان دره ای داشته به نام صدر نخلی در اطراف مدینه که این محل، مزرعه و نخلستان بوده است.(۱)

د) امام سجاد(ع)

د) امام سجاد(ع)

درباره امام سجاد(ع) گرچه بعد معنوی و زندگی عبادی ایشان خاص تر است، این بدان معنا نیست که زینت عبادت کنندگان، از مسئله معیشت غافل یا به دیگران نیازمند بوده است. در کتاب مناقب آل ابوطالب آمده است که عنابه در اطراف مدینه، محل سکونت امام سجاد(ع) بود. گویا آنجا مزرعه آن حضرت بوده است که هنگام میوه در آنجا اقامت می کرد.(۲)یا اینکه در موردی ابن شهر آشوب می نویسد: امام سجاد(ع) آبادکردن باغی از باغ هایش را به یکی از بردگانش واگذار کرد، معلوم می شود که حضرت باغ و مزرعه هایی داشته است.(۳)

ه) امام باقر(ع)

ه) امام باقر(ع)

داستان دیدار محمد بن منکدر با امام باقر(ع)، از داستان های مشهور است. او می گوید: محمد بن علی بن الحسین(ع) را دیدم، می خواستم او را موعظه کنم، ولی او مرا موعظه کرد. از او پرسیدند: چگونه تو را موعظه کرد؟ گفت: وقتی هوا گرم بود، به یکی از نواحی مدینه می رفتم، ابوجعفرمحمد بن علی به من برخورد. او که مردی تنومند و سنگین وزن بود، در حالی به من رسید که بر دو غلام سیاه یا بر دو برده تکیه داده بود. زیر لب گفتم: سبحان الله، پیرمردی

۱- احمدی میانجی، اصول مالکیت در اسلام، ج ۲، ص ۱۶۳.

۲- یاقوت حموی، معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۴۵.

۳- ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، ج ۴، ص ۱۵۸.

ص: ۴۶

از بزرگان قریش، در این ساعت گرما، با این حالت در پی دنیاست! من باید او را نصیحت کنم.

نزدیک او رفتم و به او سلام کردم. او همچنان نفس زنان و عرق ریزان پاسخ داد. گفتم: خداوند حال تو را نیکو گرداند، پیرمردی هستی از بزرگان قریش. در این ساعت گرما و با این ناراحتی، چگونه مشغول به دنیای خویش هستی؟ چه می کنی اگر مرگت برسد و تو در این حال باشی؟ او گفت: اگر مرگ من برسد و در چنین حالتی باشم، مرگ من در وقتی فرارسیده که مشغول به اطاعت خدا هستم؛ اطاعتی که بدان وسیله، خود و خانواده ام را از تو و دیگر مردم بی نیاز کنم... .(۱)

و) امام جعفر صادق(ع)

و) امام جعفر صادق(ع)

امام صادق(ع) گرچه در مکتب اسلام پایه گذار و مروّج فقه شیعه است و حوزه درسی وی، کیفیت و کمیت بالایی داشته، از جنبه های اجتماعی و اقتصادی زندگی آن حضرت نیز در میان روایات و حکایت، بسیار آمده است. ابوعمرو شیبانی می گوید:

حضرت صادق(ع) را دیدم، درحالی که لباس خشن بر تن و بیلی در دست داشت و در باغ خود کار می کرد و عرق از پشتش می ریخت. عرض کردم: فدایت شوم، بیل را به من بدهید، به جای شما کار کنم. فرمود: من دوست دارم مرد در راه تهیه معاش و به دست آوردن روزی، حرارت آفتاب را ببیند و رنج آن را تحمل کند.(۲)

۱- بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۸.

۲- بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۷۶.

ص: ۴۷

در حدیث دیگری آمده است که ابوبصیر گفت: «از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: من در بعضی از املاک خود، به قدری کار می کنم تا عرق بریزم و حال آنکه کسانی هستند که آن کار را انجام بدهند، اما من خودم کار می کنم تا خداوند بداند که طالب روزی حلال هستم».(۱)

در روایت دیگری از فضل بن ابی قره نقل شده است که گفت:

بر امام صادق(ع) وارد شدیم، درحالی که در باغچه خود مشغول فعالیت بود. عرض کردیم: فدایت شویم، اجازه بفرمایید این کار را ما یا غلامانتان انجام دهیم. فرمود: نه، مرا به حال خود بگذارید؛ زیرا دوست دارم خدای عزوجل مرا در حالی ببیند که با دست خویش کار می کنم و برای کسب حلال، خود را به زحمت انداخته ام. (۲)

ز) امام موسی کاظم(ع)

ز) امام موسی کاظم(ع)

زندگانی سراسر مجاهده و تلاش امام موسی بن جعفر(ع) به زندان و شهادت ختم شد، ولی پیش از اوج گیری اختناق عباسی، امام نیز به مسئله استقلال اقتصادی خویش پای بند بود. از علی بن حمزه روایت شده است که می گوید:

امام کاظم(ع) را دیدم که در مزرعه خود مشغول کار بود. به او گفتم: فدایت شوم، شما چرا کار می کنید؟ کارگران شما کجایند؟ فرمود: ای علی بن ابی حمزه کسی که از من و پدرم بالاتر بود، با دست خود در زمینش کار می کرد. پرسیدم: او کیست؟ فرمود:

۱- بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۰۱.
۲- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۴.

ص: ۴۸

رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی(ع) و همه پدران و اجداد ما که با دست خود، کار می کردند و این کار، سیره همه انبیا و پیامبران و رسولان و اوصیا و جانشینان پیامبران و مردان شایسته است.(۱)

کوتاه سخن اینکه امامان شیعه نه تنها راهنمایان دینی بوده اند، در عرصه اقتصاد و اجتماع نیز الگویی گفتاری و رفتاری به جامعه ارائه دادند. آنان از دسترنج خود بهره می گرفتند و ضمن وابسته نبودن به دیگران در زمینه معاش، به بخشی از جامعه نیز مدد می رساندند.

در اینجا لازم است از مسئله وقف نیز یاد شود. از بهترین آموزه های اجتماعی اسلام که بر اساس تعاون و حس نوع دوستی بنا نهاده شده، مسئله وقف و صدقات جاریه است. هدف اصلی از وقف، تأمین و تثبیت محل سکونت و منبع ارتزاق، برطرف ساختن قسمتی از نیازمندی های عمومی و تشویق به گسترش فرهنگ احداث بناهای علمی، بهداشتی و مذهبی است. اسلام با طرح مسئله وقف و تشویق به صدقات جاریه، از یک سو اختیارات و خواسته های مالک درباره ملک خود را (حتی سال ها پس از مرگش) محترم و نافذ می داند و از سویی قدم اساسی را در راه گسترش دانش و پرورش دانشمندان برمی دارد و بنای عمران و آبادی شهرها و دهات و رفاه عموم را حتی در بیابان ها و جاهای دور از آبادی، پایه ریزی می کند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان رسالت، مردم را بر این کار خیر تشویق می کردند و از جانب خداوند نوید پاداش برای هر کار نیکی، خاصه به عنوان «باقیات الصالحات» به آنان می دادند. آن بزرگواران نیز از نخستین کسانی بودند که املاک

۱- بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۱۰۲.

ص: ۴۹

شخصی خود را وقف کرده اند و آثار خیری به عنوان وقف برای نسل های بعدشان به جای گذاردند و وقف نامه هایی تنظیم کردند.

این مسئله در احادیث معتبر به روایات فریقین و مدارک تاریخی متعدد مطرح شده است که از حوصله نوشتار حاضر خارج است و فقط به جملاتی از امام خمینی قدس سره اشاره می شود که می فرماید: «حضرت امیر(ع)، همان روزی که بیعت با وی کردند؛ بیعت به خلافت رسول الله، همان روز بیل و کلنگش را برداشته و رفت سراغ یک جایی که کار می کرد. خودش کار می کرد. دستش پینه داشت».(۱)

در جایی دیگری نیز می گوید:

حضرت امیر(ع) کار می کرد، نه اینکه کار می کرد که جمع بکند، کار می کرد و وقف می کرد. همان روزی که با او بیعت کردند، بیل و کلنگش را برداشت و رفت سراغ کاری که انجام می داد آنجا یک چشمه ای را می خواست حفر کند، خودش با دست خودش حفر کرد، وقتی در آمد، تبریکش کو؟ گفت که این تبریک را برای ورثه بگو، بیاور قلم! کاغذ و قلم و کاغذ آوردند، همان وقت وقف کرد برایبک جهتی.(۲)

ایشان در سخنان خود می فرماید: «مردم استقلال می خواهند، می خواهند که اقتصاد مملکتشان به دست خودشان اداره شود.»(۳) «در حکومت اسلامی، ایران استقلال اقتصادی خودش را حفظ خواهد نمود.»(۴) «کشور مال شما باشد.

۱- امام خمینی قدس سره، صحیفه نور، ج ۴، ص ۳۹۷.

۲- صحیفه نور، ج ۳، صص ۸۶ ۶۹.

۳- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۹۰.

۴- صحیفه نور، ج ۴، ص ۱۰۶.

ص: ۵۰

ذخیره تـان مال خودتان باشـد؛ زراعت تان مال خودتان باشـد، همه چیزش را خودتان درست بکنیـد برای خودتان.»(۱) «بگذارید ما درست مستقر بشویم، اقتصادمان درست بشود، زراعتمان درست بشود؛ لااقل دستمان دراز نباشـد برای دیگران که گنـدم بـده، جو بده، چه بده، همه چیزمان را از دیگران بگیریم».(۲)

البته فهرست وار می توان سخنان رهبر کبیر انقلاب در باب استقلال اقتصادی کشور را این گونه برشمرد: استقلال اقتصادی، بالاتر از هر چیز، حق مردم، در درجه اول اهمیت، در رأس امور؛ هـدیه آسمانی؛ عامل شرافت؛ مـایه عزت و بالاترین ارزش است.(۳) همچنین دست یـابی به استقلال اقتصـادی و رونق تولیـد ملی، از منظر ایشان نیازمنـد زمینه هایی است که عبارتنـد از: تعلیم و تربیت نیروهای انسانی؛ توسعه تحقیقات و مراکز علمی؛ عزم ملی؛ انقلاب؛ وحدت عوامل مذهبی؛ اعتماد به نفس؛ تلاش و تحمل مشقات؛ ثبات و امنیت؛ کوتاه کردن دست غارتگران و توسعه کشاورزی. (۴)

۱- صحیفه نور، ج ۶، ص ۱۶۶.

۲- صحیفه نور، ج ۸، ص ۵۸.

۳- تبیان، دفتر ۲۶، فهرست.

۴- تبیان، دفتر ۲۶، فهرست.

ص: ۵۱

فصل دوم:حمایت از تولید ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی

اشاره

فصل دوم:حمایت از تولید ملی در سیره عالمان دینی و نخبگان ملی

زیر فصل ها

اول: عالمان دینی

دوم:نخبگان ملی

اول: عالمان دینی

اشاره

اول: عالمان دینی

همیشه درطول تاریخ بشر، انسان ها در پی الگو و اسوه هاییبودند تا روش زندگی خود را بر اساس منش آنها پی ریزی کنند. در این میان، علما و مراجع شیعه، به عنوان مرزبانان حریم اعتقادی جامعه، وظیفه محافظت از هویت و کیان اسلامی مردم را بر عهده دارند. آنها در برهه ایبا روشنگری، در برابر تحولاتی که در بازار مسلمانان رویدادو آن گاه که با سلطه سیاسی و اقتصادی بیگانگان بر کشور اسلامی ایران روبه رو شدند، با حرکت جهادگونه خود و با تمسک به آیه شریفه «وَ لَنْ یجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرِینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا» به منظور احیای عزت اسلام، و بنا به ضرورت، جنبش تحریم کالاهای خارجی وحمایت از تولیدات داخلیرا سامان دادند.

دولت های استعماری از سال های پایانی قرن هجدهم و در طول قرن های ۱۹

ص: ۵۲

و ۲۰ میلادی، کشورهای اسلامی را در معرض استعمارخود قرار داده اند.در این میان، عالمان دین مدار در برابر هجوم های بی امان استعمارگران، با استناد به قاعده «نفی سبیل» ایستادگی را معنا کردند و برایآن کاربرد تازه اییافتند و همین مبارزات، تا حدی راه نفوذ و سلطه بیگانگان و استعمارگران را سد کرد. علمای شیعه، افزون بر حیات بخشی معنوی و فرهنگیبه جامعه مسلمانان و پیشگیریاز فلج شدن قدرت منطقی و نیروی تشخیص و نیز رهاندن از وابستگیمردم به استعمار، در مبارزه اقتصادی با دشمنان و در آگاهی و تهییج توده ها، نقش بارزی را ایفا کرده اند. در واقع، آنهایکی از اساسی ترین روش های مقابله با نفوذ و استعمار دشمنان را تحریم های اقتصادی می دانند که موجب تقویت و شکوفایی اقتصاد ملی نیز می شود. علما و مفاخر ایران به ویژه در دوران معاصر، با پی بردن به فعالیت های استعماری دشمنان اسلام در زمینه اقتصادی، اقدامات ارزشمندی را به منظور تقویت اقتصاد داخلی و حمایت از تولید ملی و تحریم کالاهای خارجی انجام دادند وراه را بر نفوذ بیگانگان بستند که نمونه های فراوانی از این موارد در تاریخ آمده است. در ادامه به برخی از آنها اشاره می شود:

۱. شیخ بهایی

اشاره

۱. شیخ بهایی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

بهاء الدین محمدبن عزالدین حسین بن عبدالصمد بن شمس الدین محمدبن حسن بن محمدبن صالح حارثی همدانی (از صحابه معروف حضرت علی(ع)معروف به عاملی جبعیا جباعی) معروف به شیخ بهایی، در سال ۹۵۳

ص: ۵۳

ه . ق(۱۵۴۶م.) در بعلبک متولد شد. او در جبل عامل، در ناحیه شام و سوریه، در روستایی به نام جبع یا جباع می زیسته و از نژاد حارث بن عبدالله اعور همدانی، درگذشته به سال ۶۵ ه . ق، از بزرگان اسلام بوده است.ناحیه جبل عامل همواره یکی از مراکز شیعه در مغرب آسیا بوده و پیشوایان و دانشمندان شیعه بسیاریاز این ناحیه برخاسته اند. در هر زمان، حتی امروزه، شمار فراوانی از فرق شیعه در جبل عامل می زیستهو در بنیاد نهادن مذهب شیعه در ایران و استوار کردن بنیان آن، به ویژه از قرن هفتم هجری به بعد، بسیار کمک کرده اند. در این مدت نیز پیشوایان بزرگی از میان ایشان برخاسته اند و خاندان بهایی نیز از خانواده های معروف شیعه در جبل عامل بوده است.

پدر شیخ بهایی، از رهبران شیعه و مشایخ بزرگ و از شاگردان و صحابه پیشوای معروف شیعه، زین الدین علی بن احمد عاملی جبلی، مشهور به شهید ثانی است که پس از کشته شدن شهید ثانی به سال ۹۶۶ ه . ق، به ایران آمد.بهاءالدین نیز در کودکی به همراه پدرش، از جبل عامل به ایران آمد و در پایتخت ایران، یعنی قزوین که مرکز تجمع دانشمندان شیعه بود، سکنی گزید. گویا او هنگام سفر پدرش به هرات، همراه وی نبوده است؛ زیرا او در آن هنگام در قزوین به کسب علوم اشتغال داشته است.

وی چندی نیز در مشهد به تحصیلات خود ادامه داده و مدتی در هرات به جای پدر، مقام شیخ الاسلامی را عهده دار بوده است.او پس از پایان تحصیلات، شیخ الاسلام اصفهان شد و در علوم فلسفه، منطق، هیئت و ریاضیات تبحر داشت. در سال ۱۰۳۱ ه . ق در اصفهان درگذشت و بنا بر وصیت خودش، جنازه او را به مشهد بردند و در جوار مرقد مطهر حضرت علی بن موسی

ص: ۵۴

الرضا(ع) دفن کردند. مقبره این دانشمند، میان صحن امام و صحن آزادی و در جایی که پیش تر محل تدریس او بوده است، قرار دارد.(۱)

ب) سیره

ب) سیره

شیخ در ساخت بناهای اصیل ایرانی و رونق دادن به کسب و کار پایتخت صفویه، (اصفهان) نقش اساسی داشت که به بخش هایی از آن اشاره می شود:

یک _تقسیم آب زاینده رود

با مطالعه کتاب های تاریخی درباره وضعیت کشاورزی اصفهان و جایگاه زاینده رود، پی می بریم که افزایش یا کاهش آب، به تناسب فصل های سال و اوضاع آب دهی رودخانه عظیم زاینده رود، همچنین استفاده بیشتر برخی روستاها که نسبت به رودخانه، در موقعیت و شرایط مطلوب تری قرار داشتند، سبب شده بود کشاورزان اصفهان برای استفاده از آب این رودخانه، همواره کشمکش هایی داشته باشند.

نقل است که شاه عباس برای رفع این مشکل، به شیخ بهائی توسل جست. شیخ که به امور مهندسی و مساحی مسلط بود، آب دهی رودخانه زاینده رود را در فصل ها و زمان های گوناگون، بررسی و سرانجام با طراحی مادی (جوی)ها، با عرض های گوناگون، آب رودخانه را به یک نسبت و به طور برابر به محله های گوناگون اصفهان منتقل کرد. این تقسیم نامه که به «طومار شیخ بهایی» معروف است، به اختلاف دیرین روستاییان پایان داد.

«تقسیم آب زاینده رود، طبق طومار، منسوب به شیخ بهائی می باشد که در

۱- سید علی محمدی متکازینی، شیخ بهایی، دریای ژرف از علوم مختلف، ص ۹۸.

ص: ۵۵

دوره صفویه تنظیم شده است. آب رودخانه پس از عبور از کوه های فریدن و مشروب نمودن اراضی ساحلی، بین بلوکات مشروحه، از لحاظ زمان و در طول مدت یک سال بر اساس سه اصل مختص، مشترک و آزاد تقسیم می شود.

طبق این طومار، آب رودخانه به ۳۳ سهم تقسیم می گردد که به وسیله نهرهایی که اصفهانی ها آنها را مادی می نامند، آب به قراء و قصبات و دهات می رسد. سهام مزبور به اختصار به قرار زیر است: بلوک لنجان شش سهم؛ بلوک اَلنجان چهار سهم؛ بلوک ماربین چهار سهم؛ بلوک جِی شش سهم؛ بلوک کِرارج سه سهم؛ بلوک رود شَتَین شش سهم؛ بلوک براآن چهار سهم مادی هایی که از زاینده رود منشعب می شود و سراسر شهر اصفهان و مزارع و باغات را مشروب می سازد، به شرح زیر است: مادی نیاصَرْم که بزرگ ترین مادی زاینده رود است؛ مادی فَرْ شادی؛ مادی شاه یا جوی شاه؛ مادی فَدَین که آن را مادی فدا هم می گویند؛ مادی تیران و مادی قُمیش. بعضی از این مادی ها، روستاهای شرقی اصفهان را نیز آبیاری می کند».(۱)

دو ـ کاریز نجف آباد

یکی دیگر از کارهایی که به بهائی نسبت می دهند، طرح ریزی کاریز نجف آباد اصفهان به نام قنات زرین کمر است که یکی از بزرگ ترین کاریزهای ایران است و از مظهر قنات تا انتهای آبخور آن، فرسخ: نزد مسلمانان مساوی با ۱۲۰۰۰ ذراع یا گز، نزد اعراب معادل با ۵۹۱۹ است. هر فرسنگ سه میل و هر میل ۴۵۰۰ ارش می باشد، امروزه هر فرسنگ برابر با شش کیلومتر است «فرهنگ دهخدا، واژه فرسنگ» فرسنگ است و به یازده جوی بسیار بزرگ تقسیم می شود.(۲)

۱- سید علی محمدی متکازینی، شیخ بهایی، دریای ژرف از علوم مختلف، ص ۹۸.

۲- سید علی محمدی متکازینی، شیخ بهایی، دریای ژرف از علوم مختلف، ص ۱۰۰.

ص: ۵۶

سه _سفیداب

سفیداب به صورت گردی سفید یا ماده ای جامد و سفید تهیه می شود و در گذشته در حمام های ایران، از آن به مثابه ماده شوینده بدن و صورت و چرک آور استفاده می شده است. زنان از نوع مرغوب آن، که به سفیداب نقره مشهور است، برای آرایش استفاده می کنند.

یکی از مواد تشکیل دهنده سفیداب، نخاع گوسفند است. در فرهنگ های فارسی، از سفیداب به منزله گرد سفیدی که زنان به صورت مالند و همچنین نوعی ماده که در نقاشی کاربرد دارد، نام برده شده است. بیشتر فرهنگ های فارسی، ذیل نام سفیداب، به سفیداب شیخ نیز اشاره کرده اند، ولی درباره وجه نام گذاری سفیداب شیخ سخنی نگفته اند. تنها در دائره المعارف فارسی، ذیل توضیحاتی درباره سفیداب، چنین آمده است:

تسمیه آن به سفیداب شیخ، بدین مناسبت است که خانواده ای در اصفهان که به شیخی منسوب بوده اند، این ماده را به طریقه ای خاص که در پنهان داشتن آن ساعی بوده اند، تهیه می کرده اند. شلیمر که به طریقه آنان دست یافته است، شرح آن را در کتاب های معروف خود آورده است.(۱)

به نظر می آید، منظور از سفیداب شیخ، سفیدابی است که شیخ بهائی آن را تهیه کرده است. «عقیده دیگری که در میان مردم اصفهان از معلومات بهائی رواج دارد، ساختن سفیداب است و اینک در محله بیدآباد در شمال اصفهان، مردمی هستند که خود را از اعقاب بهائی می شمارند و کار ایشان، سفیداب ساختن است و

۱- سید علی محمدی متکازینی، شیخ بهایی، دریای ژرف از علوم مختلف، ص ۱۰۰.

ص: ۵۷

می گویند که اختراع سفیدابی که می سازند، از شیخ بهائی است و در این کار سرّی دارند که پشت به پشت به ایشان رسیده و دیگری از آن آگاه نیست».(۱)

ج) پیام

ج) پیام

مرحوم شیخ بهایی، از عالمان بزرگ و بنامی است که افزون بر توانایی و دانایی خود، از حکومت صفویه نیز بهره شایانی برده و برای رونق اقتصادی ایران تلاش فراوانی کرده است.

۲. علامه محمد باقر وحید بهبهانی

اشاره

۲. علامه محمد باقر وحید بهبهانی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آقا محمدباقر بهبهانی (وحید بهبهانی) یکی از محققان بزرگ علمای شیعه، علامه دوران و نادره زمان خود و مروّج مذهب شیعه، در سال ۱۱۱۸ ه . ق در اصفهان متولد شد. پدرش ملامحمد اکمل بهبهانیاست و نسبش از طرف مادر پدرش به ملامحمدتقی مجلسی می رسد. ایشان مدتی در بهبهان ساکن بود، ولی بعد به کربلا مهاجرت کرد. اگرچه معیشت و گذران زندگی او در کربلا خیلی سخت بود و می خواست از آنجا به سرزمین هایدیگری سفر کند، ترجیح داد در همان ارض اقدس بماند. دو پسر داشت به نام های محمدعلی و عبدالحسین که هر کدام، عالم و فقیه شدند.

آقا محمدباقر در میان عامه، معروف به آقا بود و در میان فقها و علما، مشهور به مؤسس بهبهانی. ایشان در همه فنون و علوم، مقامی بلند داشت، چنان که در همه

۱- سید علی محمدی متکازینی، شیخ بهایی، دریای ژرف از علوم مختلف، ص ۱۰۰.

ص: ۵۸

دوره هـای اسـلامی، کمـتر محققی را می تـوان دیـد کـه بـه انـدازه این بزرگـوار، منشـأ خیرات و برکـات باشـد .اهتمـام او به تربیت شاگردان نامدار و عالم، آنقدر زیاد بود که شمار زیادیاز شاگردان او، جزو فضلای زمان شدند.

مشهور است زمانی که آقا (وحید بهبهانی) به حرم مطهر حضرت سیدالشهدا(ع)شرفیاب می شد، اول آستان کفش داری آنجا را می بوسید و روی مبارک و محاسنش به آن آستان می مالید، پس از آن با خضوع و خشوع و رقت قلب، به اندرون حرم مشرّف می شد و زیارت می کرد و در مصیبت حضـرت هم کمال اهتمام را رعایت می نمود. مـدفن این بزرگ مرد عالم تشیع، در رواق حرم امام حسین(ع)و در پایین پای حضرت است و او در ۱۲۰۵ ه .ق، در ۸۷ سالگیدر گذشت.

ب) سیره

ب) سیره

زهـد این عالم بلنـدپایه به انـدازه ای بود که لباس هایش کرباس و تابدار (قماشـی است که نخش را تاب دهند و ببافند) بود و بیشتر آنها را همسر مکرمه اش، مادر آقا محمـدعلی صاحب مقامع، درست می کرد و می بافت و به لباس ها و قماش های دنیا هیچ نظری نداشت.

در مرآت الاحوال آمده است:

در مـدت عمر، به جمع زخارف دنیوی- که کوچک ترین شاگردش را به اندک التفاتی میسر شده است - همت مصـروف نفرمود. کناره گیری از زراندوزان شـیوه او بود. از معاشرت آنها دامن کشیده بود و مصاحبت و نشست و برخاست با مستمندان را خوش می داشت. (۱)

۱- رضا مختاری، سیمای فرزانگان، ص ۴۵۵.

ص: ۵۹

ج) پیام

ج) پیام

وحید بهبهانی، احیاگر اجتهاد در حوزه های علمیه بود و در عین حال، از لباس بافت داخل خانه خود استفاده می کرد. این یعنی حتی از بافتنی های دیگران نیز گریزان بوده است.

۳. حکیم فرزانه ملا هادی سبزواری

اشاره

۳. حکیم فرزانه ملا هادی سبزواری

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

حاج ملاهادی سبزواریدر سال ۱۲۱۲ ه . ق در سبزوار متولد شد. هفت ساله بود که پدرش را از دست داد. در ۱۰ سالگی برای تحصیل به مشهد مقدس رفت و ۱۰ سال در آنجا زیست. شهرت حکمای اصفهان، او را برای تحصیل عرفان و فلسفه به اصفهان کشانید. نزدیک به هفت سال از محضر درس بزرگانیچون حاج ملاحسین سبزواری، حاج محمدابراهیم کرباسی، آقا شیخ محمدتقی، ملاعلی مازندرانی، نوری اصفهانی و ملااسماعیل کوشکی اصفهانی استفاده کرد و دو سه سال اواخر دوره حکیم نوری را درک کرد.

سپس به مشهد بازگشت و چند سالیدر مدرسه حاج حسن مشهدبه تدریس پرداخت. ویدر این حوزه، شاگردان چندی را آموزش داد که از میان آنها می توان به آخوند ملامحمدکاظم خراسانی، ملامحمدکاظم سبزواری، آیت الله حاج میرزا حسین مجتهد سبزواری، ملاعبدالکریم قوچانی، حاج میرزاحسن حکیم داماد و آقا میرزامحمد یزدی معروف به فاضل یزدی اشاره کرد. چندی بعد عازم بیت الله شد. در بازگشت، به اجبار دو سه سالی در کرمان زیست. در مدت اقامت کرمان، برای اینکه نفسْ خود را تربیت کند و ریاضت دهد، کوشید ناشناخته بماند و در

ص: ۶۰

همه مدت، به کمک خادم مدرسه، به خدمت طلاب قیام می کرد. بعد دختر همان خادم را به زنی گرفت و رهسپار سبزوار شد.

نزدیک به چهل سال بدون آنکه حتییک نوبت از آن شهر خارج شود در آن شهر ماند و به کار مطالعه و تحقیق و تدریس و تألیف و عبادت و ریاضت نفس و تربیت شاگردان پرداخت تا عمرش به پایان رسید. حاج ملاهادی غزل هایعرفانی و حکمی نیز سروده است و در شعر، «اسرار» تخلص می کرد. حاج ملاهادی سبزواری عصر روز بیست و پنجم ذی الحجه ۱۲۸۹ ه . ق درگذشت. آرامگاه او در دروازه نیشابور سبزوار (اکنون معروف به فلکه زند) قرار دارد.

ب) سیره

ب) سیره

حکیم در عین بزرگواری شخصیت علمی اش، روح بلندی داشت و زندگی را تنها از دریچه حکمت و فلسفه نمی نگریست، به گونه ای که گاهی هم صحبتی با فقرا و هم نشینی با دیگر طبقه هایجامعه را نیز مغتنم می شمرد. زاهدانه می زیست و به اشراف و حتی شخص شاه نیز بی توجه بود. نقل می کنند که روزی ناصرالدین شاه در سبزوار به خانه وی آمد و او با غذای ساده خود از شاه پذیرایی کرد و در مقابل اصرار شاه، هیچ چیز از وینپذیرفت.

وی باغ انگوری داشت که با دسترنج خود، از آن محصول بر می داشت و هنگام فصل برداشت، ابتدا سهمی را میان نیازمندان تقسیم می کرد. سپس دوستان خود را به همراه طلاب علوم دینی به آنجا دعوت می نمود تا حاصل دسترنج خود را با دیگران مصرف کند.

حکیم خود در همه دوران زندگی اش کار می کرد و بسیار اشتیاق داشت که از دسترنج خود بهره ببرد. وی از بیت المال استفاده نمی کردو در سراسر عمرش، در

ص: ۶۱

خانه بسیار ساده ای زیست. دارایی حکیم، منحصر به یک جفت گاو و باغچه بود. او هر آنچه نیاز داشت، با دسترنج خویش به دست می آورد و نان سالانه اش را با زراعتی که خودش عهده دار آن بود، مهیا می کرد.

گفته اند: حاج ملا هادییک روز از قنات عمید آباد و یک شبانه روز از قنات قصبه را مالک بود و خودش با استفاده از این دو آب، به کشت گندم و پنبه و دیگر نیازمندی هایزندگی اقدام می کرد و سالانه سی خروار غله و ۱۰ بار پنبه از زمین خود برداشت می کرد و از باغی که در بیرون شهر واقع بود، سالانه چهل تومان سود به دست می آورد. قسمتی از مجموع این درآمدها را برای امرار معاش خویش برمی داشت و باقی مانده را میان فقرا و نیازمندان تقسیم می کرد. (۱)

ج) پیام

ج) پیام

بزرگ حکمت اندوز ایرانی و شارح آثار فلسفی، حکیم حاج ملا هادی سبزواری، در زندگی ساده اش از دسترنج خویش و ملک خود استفاده می برد و زیاده بر آن را نیز انفاق می کرد.

۴. علامه میرحامد حسین هندی

اشاره

۴. علامه میرحامد حسین هندی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

علامه میرحامد حسین، در سال ۱۲۴۶ ه . قدر شهر میرتهه هند به دنیا آمد. نام اصلی او را مهدی نهادند. وقتی میرحامد حسین به هفت سالگی رسید، پدرش او

۱- جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، ص۳۶۴.

ص: ۶۲

را به مکتب فرستاد. وی مقدمات و دروس ابتدایی را خواند، آن گاه وارد مراحل بالاتریشد.

جوامع اسلامی به ویژه هندوستان، در دوران زندگی میرحامد حسین، بیش از پیش دچار آشوب و تفرقه شده بود. استعمارگران و دشمنان اسلام، همواره برای دست یافتن به اهداف شوم و غارتگرانه خود، دوست نداشتند مسلمانان با هم متحد باشند. بدین منظور گاه دانشمندانی را در میان مسلمانان تحریک می کردند که با نوشتن و یا گفتن حرف های اختلاف آفرین، صفوف آنان را بر هم زنند و محیط زندگی برادرانه را به بلوا و آشوب و بدگمانی و دشمنی تبدیل سازند.

علامه سید محمد قلی، پدر میرحامد حسین، سال هایی از عمر خود را صرف پاسخ دادن شبهه ها و تهمت هایی کرد که دشمنان اسلام، به دست برخی دانشمندان مسلمان، علیه شیعه و مکتب اهل بیت؟عهم؟شایع می کردند. اکنون پس از پدر، نوبت به پسر صالح و خلف او یعنی علامه میرحامد حسین هندی رسیده بود. او می دید که چه افتراها و تهمت هاییبه شیعه می بندند که روح شیعه از آنها خبر ندارد. این بود که تصمیم گرفت کمر همت ببندد و همچون پدرش، در عرصه قلم و تحقیق و نگارش و بیان حقایق اسلام و وقایع تاریخ اسلام، به دفاع از حق برخیزد و به تهمت هایغرض ورزانه و جاهلانه و کینه توزانه دشمنان تشیع، پاسخ دهد «تا سیه روی شود هر که در او غش باشد!»

بدین منظور نخستین کارش، نقد، بررسی، تصحیح و تهذیب بعضی از کتاب های ارزشمند پدرش بود؛ چرا که بسیاری از آثار پدرش، در دفاع از مکتب شیعه و پاسخ به ایرادهای مخالفان تشیع بود و جا داشت که پسر دانشمند و فرزانه، آنها را تصحیح و چاپ و منتشر کند. میرحامد حسین، سال هایی از عمر گرانمایه خود را در

ص: ۶۳

این راه گذاشت و از این رهگذر، خدمات ارزنده ایبه عالم تشیع رساند. آن گاه خود اقدام به نوشتن کتاب کرد.سرانجام، فرزانه بزرگ شیعه و مدافع مجاهد اهل بیت پیامبردر هجدهم صفر سال ۱۳۰۶ ه . ق، در لکه نو چشم از جهان فرو بست و او را در حسینیه خود دفن کردند.

ب) سیره

ب) سیره

آن بزرگوار بر پایه آموزه های روح بخش اسلام و این آیه شریفه قرآن که «وَ لَنْ یجْعَلَ اللهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنینَ سَبیلًا» (نسا : ۱۴۱) سعی بر آن داشت که مستقل از بیگانگان زندگی کند و حس استقلال خواهی و خودباوری را در میان مردم زنده نگاه دارد. این استقلال گرایی مکتبی، میر حامد حسین را بر آن داشت تا با وجود آن همه کار نگارش و تألیف، تنها از کاغذ و مرکّب ساخت کشورهای اسلامی استفاده کند و از کاغذ و مرکّب خارجی کمک نگیرد. (۱)

این اقدام بزرگ، گامی بلند و کاملاً هماهنگ با نگارش بزرگ ترین مجموعه فارسی دفاع از حریم حکومت علوی است.

ج) پیام

ج) پیام

میر حامد حسین، قبه نشین دفاع از حقانیت مذهب و از نویسندگان پرکار عالم تشیع، در عین برجای نهادن نگارش های فراوان، تلاش کرد از کاغذ و مرکّب ساختِ سرزمین های اسلامی بهره برد و با وجود سختی و در اوج نیاز، از صنعت بیگانه استفاده نمی کرد.

۱- ابراهیم اسلامی، میر حامد حسین، پاسدار ولایت، ص ۶۲.

ص: ۶۴

۵. آیت الله آخوند ملاحسین قلی همدانی

اشاره

۵. آیت الله آخوند ملاحسین قلی همدانی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آیت الله ملاحسین قلی همدانی در سال ۱۲۳۹ ه . ق در روستای شوند درگزین از توابع همدان به دنیا آمد و بر اثر نشو و نما در خانواده ای که مهد اخلاق و تقوا بود، به رفیع ترین قله های عرفان و تهذیب نفس رسید. آیت الله همدانی آن چنان با شور و عشق، به سیر و سلوک معنوی پرداخت که عارفان حقیقت جو و سالکان طریق توحید، از توشه های سلوک وی پیمانه ها پر کردند.

آخوند ملاـ حسین قلی همدانی پس از گذراندن دوران کودکی در زادگاه خویش، دروس ابتدایی را نزد استادان آن منطقه فرا گرفت. سپس برای ادامه تحصیلات به تهران رفت. آیت الله همدانی دروس سطح را در حوزه علمیه تهران آموخت و در مدرسه مروی، در درس آیت الله شیخ عبدالحسین طهرانی (شیخ العراقین) شرکت کرد.

آخوند همدانی دروس مقدماتی را نزد شیخ عبدالحسین طهرانی، حکمت را نزد حاج ملاهادی سبزواری، فقه و اصول را نزد شیخ مرتضی انصاری؟رح؟ و اخلاق و سیر و سلوک عرفانی را نزد سید علی شوشتری فرا گرفت. استادان دیگری نیز در رشد شخصیت آخوند همدانی تأثیر داشتند که می توان در ایران از سید محمد سلطان آبادی و در عراق، از صاحب جواهر، ملا علی رازی و میرزا محمدحسن شیرازی نام برد.

درخشش بیشتر آخوند همدانی، در تکمیل نفوس و تربیت انسان های صالح است و محور تلاش های آخوند همدانی در حوزه عرفانی_تربیتی متمرکز بود، ولی با این حال، آثاری مکتوب از ایشان به یادگار مانده است.

ص: ۶۵

آخوند ملا حسین قلی همدانی پس از عمری تلاش در راه پرورش و کمال انسان هایوارسته، در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۱۱ ه . ق در کربلا- ندای پروردگارش را لبیک گفت و روح بلندش به بهشت برین پرواز کرد و در جوار رحمت حق آرمید. پیکر شریف آن مرحوم، در صحن مطهر امام حسین(ع) در حجره چهارم به خاک سپرده شد.

ب) سیره

ب) سیره

آخوند ملاحسینقلی همدانییکی از بزرگ ترین عارفان عصر حاضر است که ده ها نفر از خرمن علم و معرفت ایشان خوشه برچیده و خود به یکی از بزرگان عرفان اسلامی تبدیل شده اند. آن بزرگوار در عرصه عرفان فرد شناخته شده ای است، و در عرصه سیاسی نیز صاحب نظر و اهل عمل بود که متأسفانه بدان ها پرداخته و مطالب چندانی بیان نشده است. آیت الله سید عبدالحسین لاری که خود نیز از علمای مبارز معاصر است، از روش و منش استادش آخوندهمدانی چنین نقل می کند:

او از کلیه مجلوبات از بلاد کفره اجتناب می فرمود و قند و چای و دخانیات را استعمال نمی کرد.آن عارف سالک، مکرر می فرموده که من راضی نیستم کسی به حوزه درس من حاضر شود، مگر آنکه متقی باشد یا مجاهد و بر اثر این اعلام تهدیدآمیز، بعضی از آقایان حضور در مجلس درس وی را ترک کردند.(۱)

۱- www.hawzah.net.

ص: ۶۶

ج) پیام

ج) پیام

ملا حسینقلی همدانی از عارفان اسلامی بود که عرفان نظری و عملی را با هم در آمیخت. او محصولات دیگر سرزمین ها را رد می کرد و شاگردان خود را به تقوا و مجاهدت فرامی خواند.

۶. آیت الله سید محمدکاظم یزدی

اشاره

۶. آیت الله سید محمدکاظم یزدی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آیت الله سید محمدکاظم طباطباییزدی، در سال ۱۲۴۸ ه . ق در روستای کسنویه یزد پا به عرصه گیتی نهاد. ویبا تشویق های پدر، به علوم دینی رو آورد و حوزه علمیه دومنار یزد، پذیرای آن نوجوان مخلص از دودمان پاک پیامبر شد. مدت ها سید محمدکاظم به درس ادبیات استاد ملا محمدابراهیم اردکانی و زین العابدین عقداییحاضر شد و از آن دو بهره های فراوانی برد. ویپس از پایان فراگیریادبیات عرب، در درس فقه و اصول آخوند ملا هادییزدی، دوره سطح را گذراندو با توصیه استاد، در ضمن فراگیری فقه و اصول، به تدریس ادبیات پرداخت. او پس از مشورت با دو استادش، اردکانی و عقدایی، راهی مشهد مقدس شد تا با مددجویی از آن امام همام، به مقامات علمی و معنویبرسد. وی از محضر حضرات علامه شیخ محمدباقر نجفی، فرزند صاحب کتاب هدایه المسترشدین، آیت الله سید محمدباقر موسوی خوانساری و برادرش آیت الله حاج میرزا هاشم خوانساری و آیت الله محمدجعفر آباده ای، استفاده های فراوانی برد.

سید محمدکاظم در سال ۱۲۸۱ ه . ق با اجازه و معرفی استادش آیت الله شیخ محمدباقر نجفی، به همراه چند تن از علما به نجف اشرف هجرت کرد و در آنجا از

ص: ۶۷

حضور بزرگانی همچون آیت الله سید محمدحسن شیرازی (میرزای بزرگ)، آیت الله شیخ راضی، آیت الله شیخ مهدی جعفری و آیت الله شیخ مهدی آل کاشف الغطا، بهره هایعلمی و توشه معنویبسیار کسب کرد. او در مباحث فقهی نیز تسلط کامل داشت و مسائل پیچیده فقهی را با بیانی روان و ساده و با استدلالی قوی، به طلاب عرضه می کرد؛ به گونه ای که شاگردان زیادیجذب شیوه تدریس وی شدند.

او پس از رحلت آخوند خراسانی و آیت الله محمد طه نجف، پیشوایبزرگ جهان تشیع شد. سرانجام، این عالم فرزانه در روز سه شنبه، ۲۸ رجب ۱۳۳۷ ه .ق نزدیک طلوع فجر، در نود سالگی به ملکوت اعلی پیوست. فرزندش، حضرت آیت الله سید علییزدی، بر جنازه پدر نماز خواند و بدن مبارک را در صحن مطهر حضرت علی(ع) در ایوان کبیر، پشت سر مبارک حضرت به خاک سپردند.

ب) سیره

ب) سیره

چنان که از نامه های آیت الله سید محمدکاظم یزدی برمی آید، این مرجع بزرگ با آگاهی و بیداری، به مبارزه با حیله استعمارگران پرداخته و در جواب استفتایی، وجوه متعددی را در رجحان استفاده از کالاهای داخلی از نظر شرع و عقل و عرف را نوشته است. همچنین سید به خوبی با حیله های استعمارگران آشنا بوده و مردم را از مکر آنان در فلج کردن اقتصاد کشورهای اسلامی، برحذر داشته است. بینش وسیع عالمان اسلامی نیز جنبش تحریم را تنها با تحریم کالاهای خارجی به پایان نرساند، بلکه اصفهانی ها را برآن داشت که با پایه گذاری شرکت اسلامیه، مخاطبان تحریم را از سردرگمی نجات دهند که این فکر به شهرهای دیگر نیز سرایت کرد و عالمان دینی و مراجع تقلید نیز از آن استقبال کردند. در

ص: ۶۸

این میان، سید یزدی در پیامی تشکرآمیز به مؤسسان شرکت اسلامیه، آنان را ستود و مؤمنان را از استفاده کالاهای خارجی و پوشیدن لباس کافران نهی کرد. او در نامه ای به آقا میرزا رحیم، یکی از تجار ایران چنین می نویسد:

موضوع: استقلال اقتصادی کشور

مخاطب: میرزا رحیم

جناب آقا میرزا رحیم، خداوند عالم بر توفیقات و تأییدات شما و هر کس که در ترویج ملبوسات و صنایع اسلامیه، مجدانه ساعی [است]، بیفزاید. در این زمان که (دول) خارجه با انواع حیل، رشته کسب و صنایع و تجارت – که مایه عزت و منشأ ثروت است – از دست مسلمین ربوده و منحصر به خود نموده [اند] و مثل خون در مجاری عروق ایشان راسخ و نافذ شده و شغل اهل اسلام، به تدریج منحصر به دلالی و بیع و شراء اجناس خارجه شده [است]، با آنکه اکثر مواد اجناس از قبیل پنبه و پشم و ابریشم و خاک چینی و غیره، خروار به ثمن بخس از بلاد مسلمین جلب می کنند و به الوان متعدده و اشکال مختلفه به اعلی القیم در بازار مسلمین مثقال مثقال فروش می رود، مناسب است مسلمین از خواب غفلت بیدار شوند و به تدریج رفع احتیاجات خود را از خارجه بنمایند و به تأییدات ربانیه از ذل فقر و احتیاج و سؤال عملگی کفار و تشتت در بلاد کفر برهند. امیدوارم چنانچه در بدو اسلام با قلت عدد به نصرت الهی مؤید شدند، برحسب کریمه«وَاذْكرُواْ إِذْ أَنتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الأَرْضِ تَخَافُونَ أَن يَتَخَطَّفَكمُ النَّاسُ فَآوَاكمْ وَأَيدَكم بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكم مِّنَ الطَّيبَاتِ لَعَلَّكمْ تَشْكرُونَ»

ص: ۶۹

(انفال: ۲۶)، در این زمان که بحمدالله تعالی بر عده مسلمین به اضعاف مضاعف افزوده [شده]، از برکات توجهات ولی الله امام زمان؟عج؟ رجاء تأییدات تامه و ترقیات فوق العاده داریم.

این احقر که از بدو عمر تاکنون اغلب اوقات، لباسم از منسوجات دارالعباده (شهر یزد) بوده و مکرراً به برادران ایمانی توصیه نموده و گفته ام که لباسی از ابتدای زرع ماده آن تا غزل و نسج و رنگ آن با کلمه طیبه «لااله الاالله، محمد رسول الله، علی ولی الله» انجام شود، جمعی از مسلمین از آن منتفع شوند، کجا و قماش های منحوس کم دوام خارجه کجا؟

و چند ماه قبل شرحی در جواب استفتای شخص تهرانی، وجوه متعدد در رجحان آن ـ شرعاً عقلًا و عرفاً ـ نوشته ام و اکنون که بحمدالله نوع علما و طلاب نجف اشرف کرباس اسلامی را پوشیده، امیدوارم اخوان مؤمنین، اقتدا و تأسی به رؤسای ملت نموده، برحسب غیرت اسلامیت - مهما امکن - اقتصار به همان ملبوسات اسلامی نمایند، بلکه در تمام اثاث البیت خود تا ممکن است اکتفا به مصنوعات اسلامی نموده و در ملبس و مطعم و مسلک خود، از شباهت به کفار بپرهیزند - چنان که در اخبار شریفه از آن نهی شده - بلکه تمام افعال و اعمال و اخلاق خود را اسلامی نمایند تا کلیتاً ممتاز و در صورت و معنی به هیچ وجه شباهتی به کفار نداشته باشند.

ان شاالله تعالی متدینین تجار هم بعد از این، اجناس خارجه را به بلاد اسلامیه جلب نکنند تا این یک مشت به کسب و کار و

ص: ۷۰

صنایع بپردازند و تشتت و تفرقه آنها بدل به اجتماع، به قلیل زمانی، نتایج حسنه آن را مشاهده نمایند. (۱)

گفتنی است، سید از بحث تحریم تلبس به لباس کفار که در روایات آمده، استفاده سیاسی کرده و تحریم اقتصادی را که نتیجه ای جز وابسته نشدن به کفار و پیش گیری از فروش اجناس آنان است، مد نظر داشت.

ج) پیام

ج) پیام

سید محمدکاظم یزدی از فقیهان بزرگی است که کارایی فقه در صحنه اجتماع را با قلم و بیان و بیانیه به اثبات رسانید. او در نامه ها و اعلامیه های خود، حیله های استعمارگران در تسلط بر اقتصاد جوامع اسلامی را توضیح داده و ضمن سفارش به استفاده از بافته های دولت های اسلامی، راه کارهایی در باب خودکفایی و روی پای خود ایستادن ارائه داده است.

۷. شهید آیت الله سیدحسن مدرس

اشاره

۷. شهید آیت الله سیدحسن مدرس

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آیت الله سیدحسن مدرس، در سال ۱۲۸۷ ه . قدر سرابه اردستان به دنیا آمد. او تحصیل خود را در علوم اسلامی در اصفهان، سامرا و نجف، نزد میرزای شیرازی و دیگران تا درجه اجتهاد ادامه داد. آن گاه به اصفهان بازگشت و مشغول تدریس فقه و اصول شد. فعالیت سیاسی او با عضویت در انجمن ایالتی اصفهان آغاز شد. در ۱۳۲۹ ه . قهمزمان با تشکیل دوره دوم مجلس شورای ملی که پس از استبداد

۱- علی ابوالحسنی منذر، زندگینامه آیت الله سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، ص ۲۱.

ص: ۷۱

صغیر برپا شد، آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی، آیت الله سیدحسن مدرس رابعنوان یکی از مجتهدان طراز اول، به مجلس شورای ملی معرفی کردند و مجلس نیز او را پذیرفت. وی را در دوره سوم هم مردم تهران به نمایندگی برگزیدند، ولی این مجلس به علت فشار خارجی و آغاز جنگ اول جهانی، یکسال بیشتر دوام نیاورد.

در ۱۳۳۲ ه . قکه جنگ اول جهانی شروع شد، دولت ایران به طور رسمیاعلام بی طرفی کرد، ولنیروهای روسیه، انگلیس و عثمانی، بدون توجه به این بی طرفی، وارد کشور شدند و به درگیری با یکدیگر پرداختند. در ۱۳۳۷ ه . قوثوق الدوله قرارداد ۱۹۱۹ م. را با انگلستان بست که براساس آن، اختیار امور مالی و نظامی دولت ایران در دست مستشاران انگلیسی قرار می گرفت. وثوق الدوله تصمیم داشت این قرارداد را در مجلس به وسیله طرفداران و دست نشاندگان خود به تصویب برساند، ولی براثر مخالفت های آیت الله سیدحسن مدرس در مجلس و نیز افکار عمومی، مجلس این قرارداد را رد کرد و وثوق الدوله به ناچار از کار برکنار شد.پس از کودتایسوم اسفند ۱۲۹۹ که رضاخان و سید ضیاءالدین طباطباییآن را ترتیب دادند، بسیاری از آزادی خواهان دستگیر شدند. یکیاز آنان آیت الله سیدحسن مدرس بود که به قزوین تبعید و در آنجا زندانی شد. او بیش از سه ماه در زندان بود و پس از عزل سید ضیا آزاد شد. پس از آزادی، به نمایندگی مردم تهران در مجلس چهارم انتخاب شد و او را به عنوان نایب رئیس مجلس و رهبری اکثریت مجلس برگزیدند. دوره پنجم مجلس در ۱۳۰۲ افتتاح شد و در این دوران پراهمیت تاریخِ مشروطه که با تغییر سلسله قاجاریه و روی کار آمدن رضاخان همراه بود، آیت الله سیدحسن مدرس رهبری اقلیت مجلس را بر عهده داشت.

پس از مخالفت های مکرر مدرس با اقدامات دیکتاتور مآبانه رضا خان

ص: ۷۲

مأموران، آیت الله مـدرس را دسـتگیر کردنـد و او را مـدت هفت سال در خواف زیر نظر گرفتنـد.او در ۲۲ مهر ۱۳۱۶ از خواف به کاشـمر منتقـل شـد. در این زمـان رضاخان دسـتور قتل او را به رئیس شـهربانی کاشـمر داد، ولیویبه این کار تن نـداد. در نتیجه، این مأموریت به آقایان جهانسوزی، متوفیان و خلج واگذار شد. آنها در شب ۱۰ آذر ۱۳۱۶ برابر با ۲۷ رمضان ۱۳۵۶ه . ق او را کشتند و به خاک سپردنـد. قبر آیت الله سـیدحسن مدرس، پس از شـهریور ۱۳۲۰ و خروج رضاخـان از ایران، به وسـیله اهالی محل مشـخص شد.(۱)

ب) سیره

ب) سیره

یکی از حوزه هـای انـدیشه و عمل اجتماعی شـهید مـدرس بحث اقتصاد و امور اقتصادی است. از آنجا که بخش مهمی از مصوبات مجلس هـای قانون گـذار، در ارتباط با اقتصاد کشور است، حضور مـدرس در مجلس هایاد شـده، او را به اظهار نظرهای گوناگون درباره اقتصاد کشور و شیوه های هدایت اقتصادی وا می دارد. او اقتصاد کشور را مسئله ای مهم می پندارد که مجلس و دولت، باید بـدان همت گمارنـد. «بنـده اساساً عقیده ام بر این است که دو هفته قبل هم خاطرتان می آید، آقایانی که در اقتصادیات مذاکره می فرمودند و عقیده من هم این است که دولت و مجلس باید همتش را بر این بگذارد...».(۲)

همچنین شـهید مـدرس دادن بیت المال عمومی را به کسـی که برای عموم کار نمی کنـد، یکی از موارد هزینه های بی جا و ممنوع می داند.

۱- ۱.محمدحسن رجبی، آیت الله سید حسن مدرّس، زندگی و مبارزات، ص ۱۰۷.

۲- حمیدرضا ملک محمدی، مدرّس و سیاست گذاری عمومی، بررسـی اندیشه و عمل سیاسـی شـهید آیت الله سید حسن مدرس، ص ۱۷۸.

ص: ۷۳

وی بر این باور است: «من می گویم مال بیت المال عمومی مسلمین را نباید مفت به کسی داد. مذهب من هم همین طور می گوید که مال عمومی را نباید به کسی داد که برای عموم کار نمی کند. در این مدت، آن مقدار مال عمومی را که به مردم داده اند، کمترش برای مصرف عامه و بیشتر آن به مناسبات شخصی بوده است».(۱)

شهید مدرس برای اصلاح نظام اقتصادی، با رد استقراض خارجی، با این بیان که ما نمی توانیم پول از خارج بیاوریم تا اقتصادمان را درست کنیم، ما نمی توانیم پول قرض کنیم و اقتصادمان را اصلاح کنیم، معتقد بود که مخارج کشور باید از داخل تأمین شود: «امروز که پروگرام هیئت دولت را آورده، بنده دو اصل را تصدیق کردم. یکی اینکه مخارج مملکت، حتماً باید از داخل مملکت تهیه شود و یکی اینکه جلوی مخارج زاید گرفته شود». (۲)

مهم ترین بخش اندیشه و عمل مدرس به دوره ای باز می گردد که او وکالت مجلس را بر عهده داشت. مجموعه سخنرانی های مدرس، در مجلس های مقننه، به اقتضای اوضاع و رخدادها در شرایط زمانی، نه تنها تصویری جالب توجه و تأمل برانگیز از اندیشه و عمل مدرس را بازسازی می کند، شرایط زمانی و مکانی آن دوره را هم بهتر معرفی می نماید. از آنجا که گستره بحث های مطرح شده در این مجالس بالاست، برای مطالعه آسان و پرهیز از درازگویی، مهم ترین آنها را در ذیل عنوان مجلس و اقتصاد، بررسی می کنیم. بدین منظور به موضوعی که مدرس در این باره اشاره کرده است به دوره مجلس و شماره جلسه، بسنده خواهد شد.

۱- حمیدرضا ملک محمدی، مدرّس و سیاست گذاری عمومی، بررسی اندیشه و عمل سیاسی شهید آیت الله سید حسن مدرس، ص ۱۷۹.

۲- حمیدرضا ملک محمدی، مدرّس و سیاست گذاری عمومی، بررسی اندیشه و عمل سیاسی شهید آیت الله سید حسن مدرس، ص ۱۸۰.

ص: ۷۴

مدرس و دوره های مجلس (حوزه کلی: اقتصاد)

جلسه

دوره مجلس

موضوع

۲۶۰

دوم

نیاز کشور به مالیات برای پیشرفت

۵۶

سوم

لزوم تأمین مخارج کشور از داخل

۳۱

چهارم

مخالفت با استقراض برای مخارج جاری کشور

۳۱

چهارم

ندادن بیت المال به کسی که برای عموم کار نمی کند

۱۷۰

چهارم

لزوم به کار افتادن سرمایه های تولیدی

۱۸۰

چهارم

لزوم تشویق به سرمایه گذاری

۸۳، ۹۲، ۱۹۰

چهارم

وضع معیشتی، مالیات ها، تسهیلات برای صادرات و ورود ارز

۲۵۳

پنجم

اهمیت اقتصاد و لزوم همت گذاشتن دولت و مجلس بر این امور

۱۳

ششم

اصلاح نیافتن اقتصاد با استقراض

ج) پیام

ج) پیام

شهید مدرس از بزرگان عرصه دین و اجتماع بود که افزون بر مسئولیت های دینی و حضور پر رنگ در وادی سیاست، به صورت گسترده ای در حوزه تفکر، صاحب رأی و اندیشه بود. دیدگاه های استعمارستیز وی همراه با اندیشه های استقلال مدارانه اش، کشوری تهی از حضور سیاسی بیگانه و وابسته را ترسیم می کرد.

ص: ۷۵

۸. بیانیه علمای اصفهان

اشاره

۸. بیانیه علمای اصفهان

در سال ۱۳۲۴ ه .ق، سیزده تن از علمای طراز اول اصفهان، به ترتیبثقه الاسلام آقای حاجی آقا نورالله، حسین بن جعفر فشارکی؛ حجت الاسلام آقا نجفی؛ شیخ مرتضی اژه؛ آقا میرزا محمدتقی مدرس؛ حاجی سیدمحمدباقر بروجردی؛ آقامیرزاعلی محمد؛ حاجی میرزا محمدمهدی جویباره؛ سید ابوالقاسم دهکردی؛ حاجی سید ابوالقاسم زنجانی؛ آقا محمدجواد قزوینی؛ سید محمدرضا شهیر به، آقا میرزای مسجد شاهی و حاجی آقا حسن بیدآبادی، بر مصرف کالای ایرانی تأکید کرده اند. آنها در این بیانیه، بر استفاده از پارچه ایرانی اصرار و حتی در زمینه کفن اعلام می کنند که ما بر میتی که کفن وی از پارچه ایرانی نباشد، نماز نمی خوانیم.متن کامل بیانیه به شرح زیر بود:

بعد از تسبیح و تحمید، این خدّام شریعت مطهره، با همراهی جناب رکن الملک، متعهد و ملتزم شرعی شده ایم، که مهما امکن بعد ذلک تخلف ننماییم، فعلاً پنج فقره است:

اولاً: قبالجات و احکام شرعیه، از شنبه به بعد باید روی کاغذ ایرانی بدون آهار نوشته شود، اگر بر کاغذهای دیگر نویسند، مهر ننموده و اعتراف نمی نویسیم. قباله و حکمی هم که روی کاغذ دیگر نوشته و بیاورند و تاریخ آن بعد از این قرارداد باشد، امضا نمی نماییم. حرام نیست کاغذ غیر ایرانی و کسی را مانع نمی شویم؛ ماها با این روش متعهدیم.

ثانیاً: کفن اموات، اگر غیر از کرباس و پارچه اردستانییا پارچه دیگر ایرانی باشد. متعهد شده ایم، بر آن میت ماها نماز نخوانیم. دیگری را برای اقامه صلوه بر آن میت بخواهند، ماها را معاف دارند.

ص: ۷۶

ثالثاً: ملبوس مردانه جدید که از این تاریخ به بعد دوخته و پوشیده می شود، قراردادیم مهما امکن هرچه بدلی آن در ایران یافت می شود، لباس خودمان را از آن منسوج نماییم و منسوج غیر ایرانی را نپوشیم. احتیاط نمی کنیم و حرام نمی دانیم لباس های غیر ایرانی را، اما ماها ملتزم شده ایم حتی المقدور بعد از این تاریخ، ملبوس خود را از نسج ایرانی بنماییم، تابعین ماها نیز کذلک. متخلف توقع احترام از ماها نداشته باشد، آنچه از سابق پوشیده داریم و دوخته، ممنوع نیست استعمال آن.

رابعاً:میهمانی ها بعد ذلک، ولو اعیانی باشد، چه عامه چه خاصه، باید مختصر باشد؛ یک پلو و یک چلو و یک خورش و یک افشره. اگر زائد بر این کسی تکلف دهد، ما را به محضر خود وعده نگیرد، خودمان نیز به همین روش میهمانی می نماییم. هرچه کمتر و مختصرتر از این تکلف کردند، موجب مزید امتنان ماها خواهد بود.

خامساً: وافوری و اهل وافور را احترام نمی کنیم و به منزل او نمی رویم، زیرا که آیات باهره: «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّياطِينِ * وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يحِبُّ الْمُسْرِفِينَ * وَلاَ تُلْقُواْ بِأَيدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» و حدیث: «لا ضَرَرَ و لاضِرارَ» ضرر مالی و جانی و عمری و نسلی و دینی و عِرضی و شغلی آن، محسوس و مُسری است و خانواده ها و ممالک را به باد داده. بعد از این هر که را فهمیدیم وافوری است، به نظر توهین و خفت می نگریم.

امضای آقایان کرام و علمای فخام کثرالله امثالهم.(۱)

۱- موسی نجفی، حکم نافذ آقا نجفی: عرفان، مرجعیت و سیاستو فتاوای از تحریم سیاست غرب در ایران، ص۸۴.

ص: ۷۷

پیام علمای اصفهان

پیام علمای اصفهان

مجموعه ای از علمای اصفهان، گرچه استفاده از صنایع خارجی را بدون اشکال دانسته اند، اما اعلام کردند آنها فقط اجناس ساخت داخل ساخته داخلی را می پذیرند.

۹. آخوند ملا محمدکاظم خراسانی

اشاره

۹. آخوند ملا محمدکاظم خراسانی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آخوند ملا محمدکاظم خراسانی در سال ۱۲۵۵ ه . قدر مشهد در خانواده ای معمولی متولد شد و در ۲۲ سالگی به تهران مهاجرت کرد و در آنجا مدت کوتاهی به تحصیل فلسفه اشتغال داشت و سپس به نجف رفت. او دو سال درس شیخ انصاری را درک کرده، ولیبیشتر تحصیلاتش نزد میرزای شیرازی بوده است. میرزای شیرازی در سال ۱۲۹۱ ه . قسامرا را محل اقامت خود قرار داد، ولی آخوند خراسانی از نجف دور نشد و خودش حوزه درس تشکیل داد. او از مدرسان بسیار موفق بود. نزدیک به ۱۲۰۰ شاگرد از محضرش استفاده می کرده و نزدیک به دویست نفر آنها مجتهد بوده اند. برخی از فقهای عصر اخیر همچون مرحوم آقا سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم حاج شیخ محمدحسین اصفهانی، مرحوم حاج آقا حسین بروجردی، مرحوم حاج آقا حسین قمی و مرحوم آقا ضیاءالدین عراقی، از شاگردان او بوده اند.

بیشتر شهرت آخوند خراسانی در علم اصول است. کتاب کفایه الاصول او منبع درسی مهمی است که حواشی زیادینیز بر آن نوشته شده است. همواره آرای اصولی آخوند خراسانیکه در حوزه های علمیه نقل می شود، علاقه مندان

ص: ۷۸

بسیاری دارد. آخوند خراسانی همان کسی است که به ضرورت مشروطیت فتوا داد و مشروطیت ایران، رهین اوست. او در سال ۱۳۲۹ ه . ق درگذشت. (۱)

ب) سیره

ب) سیره

این عالم بزرگ، جایگاه علمیوالایی در جهان اسلام داشت، به گونه ای که دانشمندان معتقدند از صدر اسلام تا عصر وی، مدرسی مانند او کمتر ظهور کرده است. اثر پربار و گرانقدر علمی وی به نام کفایه الاصول، او را با عنوان صاحب کفایه مشهور کرد. این عالم بلندپایه درجریان پیشرفت مشروطیت، سهم بزرگی داشته است. او به همراه حاجی میرزاحسین، میرزاخلیل و آقای شیخ عبدالله مازندرانی، به طرفداری از مشروطیت قیام کردند و پیشوایی نهضت ملی را عهده دار شدند و با احکام متین و استوار، مردم ایران را به طرفداری ازآن مکلف ساختند.

وی همزمان با اعلام موضع گیری های سیاسی و مبارزه های ضداستعماری، به مسائل علمی، فرهنگی و اقتصادی نیز توجه خاصی داشت و به اشاعه فرهنگ اسلامی اهتمام خاصی می ورزید. ازاین رو، به برخی خواسته های آخوند خراسانی در ذیل اشاره می شود:

۱. قطع ایادی خارجی از کشور؛

۲. رواج صنایع و دانش های نوین؛

۳. فقرزدایی و ترقی حال عمومی؛

۴. تأمین عدالت اجتماعی بر پایه قوانین شرعی اسلامی با نظارت فقیهان هیئت ناظر بر اسلامیت آنها؛

۱- شهید مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۰؛ شهید مطهری، آشنایی با علوم اسلامی(فقه)، ص ۱۳۸.

ص: ۷۹

۵. ایجاد ارتش مدرن و مسلح به سلاح های روز برای پاسداری از کیان کشور. (۱)

آخوند خراسانی در پیامی ۱۰ ماده ای در قالب نامه ای پرمحتوا، به منظور هدایت دلسوزانه محمدعلی شاه و پیش گیری او از همکاری با روس ها و تشویقش به پذیرش خواست های قانونی مردم مسلمان ایران و نظام مشروطیت، در واقع سند جالب و زیبایی در تاریخ کشور در دوره استبداد صغیر ارائه داده است.

تاریخ دقیق نگارش رساله اندرزنامهبه وسیله آخوند خراسانی، مشخص نیست. به همین دلیل برخی آن را خطاب به احمد شاه نوجوان، در سال ۱۳۲۸ه . ق می دانند و برخی نیز معتقدند این نامه در موج دوم مشروطه خواهی و در آغاز سلطنت محمدعلی شاه قاجار و خطاب به وی، یعنی در اواخر سال ۱۳۲۴ ه .ق یا اوایل ۱۳۲۵ ه . ق نوشته شده است.

در این میان مسلّم است که این رساله در سال ۱۳۲۸ ه . ق، در جلد دوم مجله العرفان در نجف اشرف به زبان عربی به چاپ رسید. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۹ نیز عبدالحسین مجید کفایی که خود یکی از بستگان آخوند خراسانی است، در کتابی به نام مرگی در نور، متن عربی و ترجمه فارسی آن را چاپ کرد که ترجمه آن را می آوریم:

۱. بر شما سزاوار است که از بذل جان و مال، در حفظ شریعت مطهره و مبانی مقدسه اسلام، دریغ ننموده و یک معلم امور دین امین برای خود انتخاب نمایید که از او جهت مقام سلطنت، علوم شرعیه را فرا بگیرید و بر ادامه و مواظبت عبادات عملیه و

۱- ابوالفضل شکوری، سیره صالحان، صص ۱۳۱و ۱۳۲.

ص: ۸۰

ادای فرایض الهیه کوشا باشید که انجام این امور، باعث دوام سلطنت و بقای عظمت شما بر ملت خواهد بود.

۲. همیشه از مردمان فاسدالعقیده، که بنده این دنیا می باشند، پرهیز کنید؛ زیرا همان طوری که آهن ربا آهن را جذب می کند، معاشرت و مجالست با این گونه افراد هم، موجب جذب اخلاق و عادات رذیله می گردد.

۳. نهایت جهد و همت خود را برای بالا بردن شأن و عظمت مملکت مبذول دارید و در تربیت صحیح افراد ملت و ترغیب رعیت به فراگیری و ایجاد حِرف و صنایع همت گمارید. منسوجات و کالاهای وطنی را ترویج کنید؛ زیرا هر آینه شخص شما از مصنوعات و فرآورده های مملکتی استفاده برید، این امر باعث می گردد که رجال مملکت و قاطبه افراد ملت از شما متابعت نمایند و چنین عملی موجب می شود که مملکت از بند احتیاج به منسوجات و مصنوعات خارجی آزاد گردد، چنانی که میکادو، پادشاه ژاپن، به این طریق عمل نمود، زیرا می دانست که کلید و راه تعالی و ترقی مملکت، بسته به عدم احتیاج افراد ملت است از آنچه از خارج وارد می شود و بر اثر انجام این امر، مملکت ژاپن به مراتب عالیه نائل گردید.

هر آینه [اگر] این راه و طریق پسندیده محکم را در ابتدای سلطنت و عنفوان جوانی خود به کار ببرید، موجبات ترقی مملکت و از بین رفتن فقر و فاقه و بی نیازی رعیت را فراهم خواهید ساخت و این امر نه تنها موجب شکرگزاری آحاد ملت

ص: ۸۱

خواهد گردید، بلکه باعث پیشرفت مملکت و استقلال واقعی آن خواهد شد.

۴. همت گمارید در نشر و بسط علوم و صنایع جدید. آنچه باعث ترقی و تعالی سایر ملل گردیده و آنان را به اوج عظمت رسانیده، همان فرا گرفتن علوم و صنایع تازه بوده و این از بدیهیات مسلّم است که ایرانیان از حیث استعداد و قابلیت، برتر از سایر ملل بوده و همیشه در طول تاریخ، از این لحاظ پیشوا و مقتدای آنان بوده اند، و این عقب ماندگی که اکنون مشاهده می شود و مملکت را تا بدین حد فقیر و مبتلا ساخته، ناشی از عدم توجه و التفات اسلاف و گذشتگان به این امور بوده و میل بی جای آنها به مصنوعات خارجی، باعث سرایت این مرض به سایر افراد مملکت گردیده و هستی و تجدید حیات و نوسازی ایران، بستگی به این نکته مهم دارد.

۵. بپرهیزید و بسیار بپرهیزید از اینکه بیگانگان در کار مملکت دخالت کنند و مراقبت کنید و بسیار مراقبت کنید تا فتنه سازی های آنان را از میان بردارید؛ زیرا سرمنشأ کلیه بلاها و فساد، از آن ناشی می شود و هیچ گونه اعتمادی هم آنان را نشاید، مگر در جلب دوستی پادشاهان و بزرگان آنها و محافظت تمام نسبت به مودتشان و این قروضی که دامنگیر دولت و برگردن آنها بار گشته، نیست مگر به علت مداخله بی جای بیگانگان در امور مملکت و لذا بر رجال میهن دوست ایران که مملکت خود را دوست دارند، لازم است که مردانی لایق را برای اداره سلطنت انتخاب نمایند.

ص: ۸۲

۶. کوشش کنید برای بسط عدالت و مساوات واقعی، به صورتی که شخص شاه، با ضعیف ترین افراد ملت، از لحاظ حقوق برابر باشند. و احکام شرعی اسلامی بر جمیع افراد، بدون استثنا حاکم باشد و هرگاه شخص شاه در این راه ثابت قدم باشد و در راه اجرای این تکلیف بکوشد، مسلماً معاندین، سرشکسته خواهند شد و اساس عدالت، مستحکم خواهد گردید، نه اینکه فقط این امر جنبه حرف و وهم به خود بگیرد.

۷. باید نسبت به عموم رعیت محبت کرد و برای جلب قلوبشان، به آنان مهربانی نمود و برای برطرف ساختن گرفتاری هایشان و دلشاد کردنشان کوشید تا مهر تو در دل هایشان نشیند.

۸. سزاوار است به تاریخ مشاهیر پادشاهان جهان مراجعه و آن را مورد مطالعه قرار دهید تا ملاحظه نمایید که آنان چگونه برای نشر علوم و معارف دینی و مدنی همت گماردند تا اینکه روی این زمینه، پایه استقلال مملکت خود را مستحکم داشتند و تاریخ را به بزرگواری اعمال و افعال خود روشن و مزین ساختند تا آنجا که به آنها ضرب المثل زده شد و مجسمه هایشان برپا شد.

۹. با مراجعه به تاریخ بر خاطر ملوکانه مکشوف می گردد که پادشاهان ایران چه قبل از اسلام و چه بعد از آن، هر یک از آنها عمر خود را در خوشگذرانی و پیروی از شهوات و لهو و لعب گذراندند و رجال مملکت هم از آنان پیروی نمودند و نتیجه آن شد که مملکت ناتوان گردید و ملت خوار و زبون شد و ثروت

ص: ۸۳

ملی، نفله و حال ملک، پریشان گردید و هر آینه یکی از آنان از شهوت رانی چشم می پوشید و همّ خود را صرف ترقی و تعالی ملک و تربیت ملت و نشر علوم و صنایع می نمود و لشکری آراسته برای مملکت مهیا می کرد و در اندک زمانی باعث پیشرفت و عظمت ملک و ملّت خود می گردید و بر سایر پادشاهان پیشی می گرفت. امیدوارم ان شاءالله تعالی که ذات ملوکانه از طریق اول دوری جویند که راهی فاسد و مردود است و بی گمان راه دوم را انتخاب کنند و آن را نصیب العین خود قرار دهند تا نتایج نیک آن را ان شاءالله به زودی به دست آورند.

۱۰. انتظار داریم که حفظ مقام شامخ علم و بزرگداشت علمای عاملین و فقهای مصلحین را همیشه وجهه و منظور نظر دهند که هر آینه خدای ناکرده کوتاهی در این امر مهم گردد، ملک و ملت را در معرض هلاکت و نیستی قرار خواهند داد و در این صورت، برای همیشه انگشت ندامت و پشیمانی را به دندان خواهیم گرفت و پشیمانی را هم دیگر سودی نباشد.(۱)

با توجه به مواضع و مفاد این نامه ۱۰ ماده ای و سایر نامه ها و تلگراف ها و عملکرد آخوند خراسانی، می توان علایق و ایده های او را در زمینه هایی چون اسلام گرایی و قانون مداری، بیگانه گریزی و استعمارستیزی، مخالفت با وام های خارجییا وام های استعماری، رفاه عمومی، خودکفایی و عدالت اجتماعی، نگرش تاریخی و آینده نگری دانست. در نتیجه، اینکه آخوند، خواهان خوش بختی و رفاه مردم مسلمان ایران بود و رفاه و آسایش طبقه

۱- جرفادقانی، علمای بزرگ شیعه از کلینی تا خمینی، ص ۳۶.

ص: ۸۴

متوسط جامعه را سبب پیشرفت نفوذ علما و در نتیجه حفظ اهمیت آداب و احکام مذهبی می دانست.

در سیره فردی این عالم والامقام می نویسند:

در زهد و ورع، اول شجره بریه بود. تابستان، لباسش کرباس بود و زمستان، برک (نوعی پارچه ضخیم که در خراسان از پشم شتر یا کرک بز با دست بافند و از آن جامه زمستانی دوزند؛ فرهنگ معین) می پوشید و به یک جامه برک، سه چهار سال به سر می برد و اگر زائد بر قدر کفاف به رسم تعارف می آوردند، به غیر می داد و چون در غایت نظافت می زیست، خیال می شد که البسه فاخر پوشیده و اگر گوشت طبخ می شد، نیم حقه گوشت گرفته می شد و آبش را زیاد می نمودند که زائد بر بیست نفر از آن آب گوشت می خوردند. دخانیات هیچ مصرف نمی کرد و چای از یک استکان کمرنگ بیش نمی خورد و دندان هایش با آنکه هفتاد و چند سال داشت بود، هرگز عیب نکرده بود و چون دُرّ، تلألو داشت و بسیار کم غذا می خورد و با ادنی طلبه، هم کاسه می شد و مزیتی برای خود قرار نمی داد.

در روزگاری او، سه فرزند و سه عروسش، در خانه ای بسیار کوچک و هر کدام در اتاقی زندگی می کردند. روزی فرزند ارشدش، مهدی، نزد پدر آمد و از تنگی جا شکایت کرد. آخوند به سخنانش گوش فرا داد و فرمود:

بابا اگر قرار باشد منزل های این شهر را میان مستحقانش قسمت کنند، به ما بیش از این نمی رسد. (۱)

۱- سیمای فرزانگان، ص ۴۶۲.

ص: ۸۵

ج) پیام

ج) پیام

اعلامیه های آخوند خراسانی و سیره عملی وی، نشان دهنده همراهی گفتار و کردار عالمان شیعی در حاکمیت استقلال مملکت اسلامی و قطع دست بیگانگان است.

۱۰. آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی

اشاره

۱۰. آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

حاج آقا نورالله اصفهانی (مهدی)، فرزند شیخ محمدباقر نجفی و نوه دختری سید صدرالدین عاملی در سال ۱۲۷۸ ه . ق در اصفهان دیده به جهان گشود. وی پس از آموختن مقدمات علوم دینی، راهی عتبات عالیات شد و تا سال ۱۳۰۴ ه . ق به تحصیل در آنجا ادامه داد و از محضر بزرگانی چون آیت الله میرزا حبیب الله رشتی و آیت الله میرزا حسن شیرازی استفاده کرد و پس از رسیدن به درجه اجتهاد، به اصفهان بازگشت. در سال ۱۳۰۷ ه . ق به همراه برادرش آقا نجفی به تار و مار کردن بابی ها پرداخت که موجب تبعید آن دو به تهران شد. همچنین وی در قیام تنباکو فعالانه شرکت داشت.

در سال ۱۳۲۹ ه . ق حزب دموکرات در اصفهان درصدد ترور حاج آقا برآمد. او که خود را در معرض خطر می دید، به عتبات عالیات رفت و مراجع مشروطه خواه را از رویدادهایایران باخبر کرد.

در آستانه جنگ اول جهانی، حاج آقا نورالله به اصفهان بازگشت و در پی مهاجرت بیشتر وکلای مجلس و سرشناسان آزادی خواه تهران به اصفهان، به کمک آنان شتافت و با همدستی آنان و اداره ژاندارمری، به قوای متفقین اعلام جنگ داد و

ص: ۸۶

مراکز و مؤسسه های حساس انگلیسی ها را در اصفهان تصرف کرد، اما با هجوم قوای روس به اصفهان، به عراق پناه برد تا اینکه پس از پایان جنگ، دوباره به اصفهان بازگشت.(۱) وی سرانجام در سال ۱۳۰۶ (۱۳۴۶ ه . ق) به لقاء الله پیوست.

پس از کودتای ۱۲۹۹، رضاخان درصدد برآمد تا با اعلام جمهوری، خود را اولین رئیس جمهوری ایران معرفی کند. مدرس در تهران با استفاده از نفوذ و قاطعیت خویش، در برابر این حرکت ایستاد و در نامه ای، از علمای اصفهان، کمک و همراهی خواست. علمای اصفهان و در رأس آنها حاج آقا نورالله، ضمن نامه ای، برای همراهی با مدرس اعلام آمادگی کردند. بدین ترتیب، پایمردی و مخالفت مدرس و دیگران موجب شد تا جمهوری خواهان قلابی عقب نشینی کنند.(۲)

ب) سیره

ب) سیره

حاج آقا نورالله پس از درک و شناخت آسیب های اجتماعی موجود، به جز فعالیت در حوزه هایوعظ و خطابه و سخنرانی و نوشتن مقاله، به فکر ایجاد نهادها و ساختارهاییبه منظور آغاز اصلاحات اقتصادی نیز پرداخت. تلاش های او در زمینه ایجاد و توسعه صنعت و تجارت نساجی، به خوبی نشان می دهد که از زمینه های تاریخی و بومی صنعت در ایران و اصفهان آگاه است. مبارزه با استعمارگران خارجی واستبدادگران داخلی ومقابله با هجوم گسترده فرهنگی، اقتصادی، سیاسی واجتماعی غرب، از دیدگاه ایشان امری واجب بود و همزمان با تحریم اقتصادی کالاهای خارجی، به برچیدن نفوذ مدارس بیگانه

۱- محمدحسن رجبی، علمای مجاهد، صص ۶۲ و ۶۳ .

۲- مجموعه مقالات همایش تبیین آراء و بزرگداشت هشتادمین سالگرد نهضت آیت الله حاج آقا نورالله اصفهانی، صص ۱۷ - ۱۹.

ص: ۸۷

نظر داشت. به دنبال قیام بزرگ وتاریخی تنباکو نیز که امپراتوری انگلیس را به عقب نشینی واداشت، این اندیشه در ذهن حاج آقا نورالله وآقا نجفی شکل گرفت که می توان ابعاداین تحریم رابه کالاهای دیگر گسترش داد.بنابراین، برایتحقق بخشیدن به این تحریم، برای سازندگی و خودکفایی داخلی نیز برنامه ریزی و اقدام کرد. اساس مبارزه اقتصادی حاج آقا نورالله موارد زیر بود:

۱. مبارزه منفی وتحریم اجناس خارجی ونفی سلطه اقتصادی اجانب؛

۲. تلاش برای سازندگی وخود کفایی ملی.(۱)

در اینجا به برخی از اقدامات بیگانه ستیزانه حاج آقا نورالله که با هدف خودکفایی و سازندگی نیز همراه بود، اشاره می شود:

الف) تأسیس شرکت

مرحوم حاج آقا نورالله در زمینه رشد اقتصادی داخلی، شرکت اسلامیه اصفهان را در سال ۱۳۱۶ ه . ق، تأسیس و با تشکیلات منظم آن، که در همه شهرها شعبه هایی را دایر و حتی در برخی کشورهای خارجی نیز دفاتری ایجاد کرد، تولیدات این شرکت در سراسرکشور پخش شد و مردم با عشق و علاقه لباس هایی که پارچه اش خارجی بود، در می آوردند و به جای آن، از قماش های ساخت این شرکت استفاده می کردند که این امر، موجب ایجاد غرور ملی برای نفی اقتصاد بیگانه و حمایت از تولیدات داخلی است.

به همین منظور بخش هایی از اساسنامه شرکت اسلامیه اصفهان ارائه می شود:

فصل ۲۱ – این شرکت به کلی از دادوستد متاع خارجه ممنوع است. فقط هم

۱– موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، ص ۱۵.

ص: ۸۸

خود را صـرف ترقی متاع داخله و آوردن چرخ اسباب وکارخانجات مفید خواهد نمود. و حل متاع داخله به خارجه برحسب اقتضا و به موقع خود، در کشیدن راه شوسه و آهن اقدام خواهد کرد.

فصل ۲۴ – تمـام اجزا از رئیس و مرئوس و امنای شـرکت، حسب الشـرط مجبورنـد لباس خود را از منسوجات شـرکت و متاع داخله مصرف رسانند.

فصل ۳۳ – هرگاه از داخله یا خارجی از تبعه دولت، علیه کسـی اختراعی که از برای عموم ملت سودمند باشد، بکند یا صـنعت یدی داشـته باشد، قوه مالی و شوق در انجام آن کار نداشـته باشد، به شـرکت اطلاع دهد، بعد از مشورت و تحقیق، شـرکت حاضر است، تدارکات او را ولو که آن به آوردن چرخ و اسباب از خارجه باشد، با رعایت صرفه خواهد نمود. (۱)

در همان دوره اسناد و گزارش های مطبوعات آن روزگار، مثل حبل المتین و ثریا، پوشش خبری مناسبی داشتند.

برای نمونه، روزنامه حبلالمتین می نویسد:

حضـرت حجت الاسـلام حاج شـیخ محمدتقی_مد ظله العالی(_آقا نجفی) عنوان مفصـلی را من باب ترک منسوجات و مصـنوعات خارجه در ترویـج امتعه و اقمشه داخله و بیست و هفت مورد در قرآن که منع از معاشـرت خارجه است، بیانی خیلی مفصل و عنوانی بسـیار عام فهم، ارشاد فرموده انـد... علمای اسـلام در این شـرکت مقـدس شـخصاً شـرکت مالیه نموده انـد و از بذل نصایح وتشویق عموم به امتعه اسلامی و دوری از استعمال امتعه

۱– موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقانورالله اصفهانی، ص ۳۸.

ص: ۸۹

خارجه، دقیقه ای فروگذار نمی کنند... . حضرت حجت الاسلام آقا نجفی و بندگان ثقه الاسلام (حاج آقا نورالله) و جناب آقایان علمای اسلام - سلمهم الله تعالی- در راه این شرکت مقدس، از هستی خود گذاشته اند. از خداوند خواهانیم این گونه سرپرستان ملت را در پناه خود محفوظ بدارد.(۱)

روزنامه ثریا به نقل از حبل المتین می نویسد:

رؤسای روحانی ملت و امرای دولت ایران، معنی وطن و ترقی آن را شناخته و درصدد ارتقا بدان مدارج عالیه برآمده اند، اگر نام مبارک حجت الاسلام آقا نجفی- مد ظله العالی- را سرآغاز تاریخ ترقی ایران قرار دهیم، شایسته و سزاست.

آقا نجفی در نامه ای به روزنامه حبل المتین در تشکر از مقاله های او در تأیید شرکت اسلامیه می نویسد:

... در اصفهان و توابع، لباس اغلب مسلمانان از همین منسوجات و امتعه اسلامیه می باشد و رواج دارد. ان شاء الله تعالی به طوری شایع خواهد شد که کفایت عموم اسلامیان را بنماید و اینکه فرموده اید حرام نمودن منسوجات و اقمشه دیگران، امروز صحیح و مقتضی وقت نیست، این هم صحیح است. حقیر هم از این جهت موافق با سرکار هستم. از داعی و سایر علما اعلام در منع اظهاری نشده، مسلّم است مادامی که امتعه مسلمین، کافی و وافی اسلامیان نشوند و عدم احتیاج مسلمانان در استعمال منسوجات دیگر معلوم نگردد، اقدام در منع نخواهد شد. همان

۱- روزنامه حبل المتین، ش ۲۰، دوشنبه ۱۴ ذی القعده ۱۳۱۶.

ص: ۹۰

است که فرموده اید اولاً باید سعی و اهتمام در تکمیل صنایع و امتعه اسلامیه و ترغیب مسلمانان در استعمال نمود.(۱)

بعد از گسترش شرکت اسلامیه، بزرگان و مراجع تقلید حوزه علمیه نجف به ترویج آن پرداختند که مردم نیز از آن استقبال کردند. در ادامه به برخی از اعلامیه ها اشاره می شود:

یک_اعلامیه حضرت آیت الله العظمی سید محمدکاظم یزدی:

«شایسته و مناسب و به موقع و محل است که عموم مؤمنین و کافه متدینین، از هر صنف و هر نوع، هریک به قدر مقدور و بودجه میسور، در تشیید اساس و ترویج این امر مهم اهتمام تمام و بذل جهد و صرف همت نمایند. و مهما امکن از البسه و اقمشه خارجه متحرز باشند. بلکه سزاوار این است که در سایر جهات حرکات و سکنات و کیفیات لباس و طعام و شراب و گفتار و کردار، از وضع و طرزکفار، خود را برحذر و برکنار دارند».(۲)

دو _اعلامیه حضرت آیت الله العظمی حاجی میرزا حسین:

«بسیار شایسته است که عموم رؤسای ملت و دولت، در ترویج این شرکت خیریه اسلامیه بذل جهد نمایند».(۳)

سه _اعلامیه حضرت آیت الله العظمی ملا محمدحسن مامقانی:

«بحمدالله تعالی فراهم شدن اسباب تداول منسوجات اسلامیه و سد ابواب حوایج مسلمین از ممالک خارجه، از نعم عظیمه این عصر با برکت است. چه قدر شایسته است که عموم مسلمین با کمال شوق و اتحادکلمه در رواج آن و هجر منسوجات

۱- روزنامه حبل المتین، سال هفتم، ش ۱۹، ص ۱۷.

۲- روزنامه ثریا، سال دوم، سال ۱۳۱۷، شماره ۱۳.

۳- روزنامه ثریا، سال دوم، سال ۱۳۱۷، شماره ۱۳.

ص: ۹۱

ممالک خارجه که سبب اختلال امور کافه مسلمین، شده جد وجهد نموده، اسلام را رونقی تازه داده و با اتفاق کلمه اسلامیه، مسلمین را آسوده نمایند».(۱)

چهار ـ اعلامیه حضرت آیت الله العظمی حاجی میرزا محمدحسین نوری، معروف به محدث نوری:

«به چه لسان شکر کنیم حضرت ایزد منان را که در عصر خود، دیدیم جمعی را که حسب سلامتی فطرت و پاکی طینت و غیرت اسلامیه و تعصب مذهبیه، درصدد رواج آیین دین و رونق کیش مسلمین آمده و در تهیه و تدارک اسباب زندگی از قذارت شبهات، از جهات عدیده همت گماشته تا مسلمانان به اعانت حضرت احدیت، از مفاسد ظاهریه و باطنیه آن آسوده شوند. علاوه بر مصالح دنیویه که بر ذی شعوری مخفی نیست، هندوی بت پرست از نظر کردن به مسلمانان بر غذای او، چه رسد به معاشرت آن، به دست غذا را نجس و حرام دانسته، به درد جوع راضی وآن را تلف می کند. با غیرت اسلامیه، کجا رواست که یافتن چنین کسی در تن و به حضور الهی ایستاده. امیدواریم خداوند جلت آلائه، قلوب متمکنین از اعانت و نشر و ترویج این امر مهم دین و دنیوی را مایل و راغب نموده که تمام مقدور خود را در انجام و اتمام آن مبذول دارند». (۲)

در آن دوره، این شرکت با استقبال و حمایت همه جانبه مردم، روبه رو و همچنین نمایندگی های شرکت در شهرهای مختلف فعال شد. روزنامه ثریا در این باره می نویسد:

جوششی در میان کلیه اهالی اصفهان برای حفظ وطن و رفع

۱- اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، ص ۴۷.

۲- روزنامه ثریا، سال دوم، ش ۱۴.

ص: ۹۲

احتیاجات آن مشاهده می شود و این جوشش، نه تنها از یک طبقه است، بلکه از صنفی خاصه علمای اعلام (کثرالله بخدمه الوطن) هر روز به ظهور می رسد و اعلانیه بر روی منابر و مجالس، عموم مردم را به انواع زبان های شیرین و نرم، موافق نص کتاب کریم وحکم شرع قویم، به آموختن علوم و صنایع، تشویق و تحریض می فرمایند. درخصوص شرکت اسلامیه اصفهان که سابقاً در روزنامه ثریا درج گردید، اینک چون گیاه بهاری روز به روز در نمو و ترقی است و مردم به خریدن سهام این شرکت میل مفرط دارند و از هر طرف خواهان و خریدار سهام آن شده اند. و این شرکت عنقریب ترقیات کلی خواهد کرد، چنان که آثار آن از اطراف پدیداراست و هم مستدعی هستیم که روزنامه نیز شرکت در اصفهان ایجاد نماید و وقایع شرکت و مطالب مفیده را در آن درج نماید. (۱)

حتی دامنه نفوذ شرکت، به مدارس هم رسید وآنها به جهت حمایت از تولیدات داخلی متعهد شده اند:

لباس که از مدرسه به شاگردان داده می شود، عجالتاً سالی دو لباده زمستانی و تابستانی و عمامه و یک کلاه و زیر عمامه و دو جفت پا افزار و تمام این اجناس، باید از ساخت داخله ایران باشد. چنانچه لباده هایی که برای شاگردان دوخته شده، همه از شرکت اسلامیه اصفهان است و در مدرسه، شاگردانی که صنعت خیاطی آموخته اند دوخته اند. و عمامه آنها نیز از عمل کار اصفهان است و زیرعمامه از کرک است و به صورت فینه، آن هم

۱- ۹ همان، ش ۴۶، ص ۱۰.

ص: ۹۳

از کار ایران است و اگر استطاعتی از برای هر سه پیدا شد، پیراهن و شلوار نیز برای شاگردان، دوخته خواهد شد.(۱)

ب) بازتاب تأسیس شرکت در لندن

روزنامه ثریا درباره شرکت اسلامیه می نویسد:

روزنامه تجارتی لندن، موسوم به کامیرشل اجنت که وقایع تجارتی هفتگی تمام عالم را پوشش می دهد، دراین باره نوشتند: معلوم می شود ایرانیان، اندک اندک از خواب غفلت بیدارشده و قدر و اهمیت تجارت، خاصه تجارت شرکت را نیکو دانسته و چیزی که در این شرکت اهمیت دارد، این است که علمای این ملت نیز در آن شرکت دارند و مشوق اند. و اگر این شرکت معتبر شود، سکته بزرگی به تجارت انگلیس در اصفهان، بلکه در خلیج فارس وارد آید و باید تجار ما نوعی رفتار کنند که در آینده، بازار تجارتشان از رونق نیفتد، و الّا عنقریب باید منتظر خبر بود که بازار تجارت ما در اصفهان بسته شود.(۲)

بارها حاج آقا نور الله سخنرانی های مهیجی در تحریم کالاهای بیگانه و حمایت از تولیدات داخلی و همچنین تشویق مردم به پرهیز از کالاهای خارجی و استفاده از تولیدات محدود ملی ایراد کرده و این امر، نشان از پایداری و ادامه حرکتی بود که می توان گفت، بنیادش از قیام تنباکو گذاشته شد، شکوفایی و پی آمدهایش را در شرکت اسلامیه و ادامه و توسعه آن را در مشروطیت به گونه بارزی می توان دید.

۱- روزنامه حبل المتین، سال هفتم، ش ۱۰، ص ۱۱۱.

۲- روزنامه حبل المتین، سال هفتم، ش۴۶، ص ۱۱.

ص: ۹۴

ج) پیام

ج) پیام

حاج آقا نورالله اصـفهانی، از عالمان بزرگی بود که در عرصه عمل، با ایجاد شـرکت سهامی به تولید داخلی پرداختوگسترش آن، از یک سو حمایت علما و از سوی دیگر، نگرانی بیگانگان را در پی داشت.

۱۱. ملا فتح الله اصفهانی (شیخ الشریعه)

اشاره

۱۱. ملا فتح الله اصفهانی (شیخ الشریعه)

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

در زمستان سال ۱۲۲۸ه . ش، ۱۲ ربیع الاول ۱۲۶۶ ه . ق، فتـح الله به دنیا آمـد و در دامان پُرمهر مادری مؤمن و پدری دلسوز رشـد کرد و پس از سپری کردن دوران بازی های کودکانه، راهی کلاس قرآن و دیگر کتاب های مذهبی شد.

او ابتدا در حوزه علمیه اصفهان به تحصیل مشغول شد و در درس فقه و اصول بزرگان مدارس علمیه، زانوی ادب به زمین زد. با این حال، حضور در درس بهترین اسـتادان حوزه علمیه اصـفهان، نتوانست تشـنگی دانش انـدوزی او را فرونشاند. ازاین رو، راهی حوزه علمیه مشـهد مقدس شد و از محضـر استادان بزرگیچون آیت الله حاج میرزا نصرالله مدرس، آیت الله محمد ابراهیم بروجردی و سید مرتضـی حائری بهره فراوان برد تا در ردیف اسـتادان آن دیار شناخته شد و سپس به سوی اصفهان بازگشت. تا آن زمان نظریه های شیخ مرتضی انصاری در اصفهان شهرتی نداشت، ولی شیخ شریعت به بیان مسلک شیخ مرتضی انصاری همت گماشت.

او در سال ۱۲۹۵ه . ق راهی نجف اشرف شد و در محضـر مراجع تقلید آن زمان، آیات بزرگوار شیخ محمدحسین کاظمی و میرزا حبیب الله رشتی، حاضر شد

ص: ۹۵

و خود نیز مجلس درس مهمی تشکیل داد که بسیاری از دانشمندان حوزه علمیه نجف در آن شرکت می کردند.

شیخ الشریعه در سال ۱۳۱۳ه . ق به شوق معشوق رو به خانه معبود نهاد و پس از بازگشت از حج، پروانه های فضیلت، پیرامون آن شمع شریعت گرد آمدند. در این زمان، درس او از مهم ترین درس های نجف خوانده می شد.

سرانجام روح پر فتوح این عالم فرزانه، پس از عمری تلاش در راه اسلام و قرآن، در شب یک شنبه هشتم ربیع الثانی سال ۱۳۳۹ ه . ق قفس تن را دریـد و نفس مطمئنه اش به سوی پروردگـار پرکشـید و پیکر مطهرش در جوار قبر امیرمؤمنان علی(ع)به خاک سپرده شد.

ب) سیره

ب) سیره

آیت الله شریعت اصفهانی، ضمن مبارزه سیاسی بـا دشـمنان اسلام، مبارزه اقتصادی را نیز در برنامه های خود قرار می داد. شیخ شریعت همراه با دیگر علما در برابر هجوم اقتصادی دشمن، دو اقدام مهم انجام داد:

۱. تشویق مردم به ایجاد شرکت های تعاونی؛

۲. تحریم خرید و فروش اجناس و وسایل روسیه و انگلستان.

البته در این جبهه نیز زمـانی که احتمـال داشت این مبارزه شـکوفه دهـد، سـفارت انگلیس با یک نامه فـدایت شوم به وثوق الـدوله، نوشت که از علما بخواهد فتواهای خود را ملغی اعلام کنند و وثوق نیز همین کار را کرد.

در ادامه به یکی از شرکت های تعاونی به نام «شرکت اسلامیه» اشاره می کنیم که با پشتیبانی علما ومراجع تشکیل شد وتوانست در آن زمان در برابر هجوم

ص: ۹۶

سرمایه های خارجی مقاومت کند.شرکت اسلامیه در سال ۱۳۱۶ه . ق به وجود آمد که هشت تن ازمراجع تقلید و علمای بزرگ به نام های آیت الله آخوند خراسانی، آیت الله سیداسماعیل بن سیدصدرالدین عاملی، آیت الله حاج میرزا حسین، آیت الله حاج میرزا خلیل، آیت الله سیدمحمدکاظم یزدی، آیت الله محمد غروی شربیانی، آیت الله محمدحسین ممقانی و آیت الله شیخ الشریعه اصفهانی، پشتیبانی خود را از ایجاد این شرکت اعلام کردند. آنان بر کتابی به نام لباس التقوی که در حمایت از این شرکت نوشته شده بود، تقریظ نوشتند وکمک به شرکت اسلامیه را با مبارزه با نیروی کفر یکسان دانستند.(۱)حتی در اعلامیه ای که در کاشان منتشر شد، نویسنده به صراحت علما را ازبنیان گذاران شرکت خواند و هدف شرکت را شکستن بازار اجناس خارجی عنوان کرد.

اقدام دوم علما برای مبارزه با تهاجم اقتصادی دشمن، از نوع مبارزه منفی بود که می توانست به نوبه خود ضربه جبران ناپذیری بر اقتصادکشورهای استعمارگر وارد آورد. در این مرحله، علما از مردم خواستند تا حد امکان از خرید و فروش و استفاده از کالاهای استعمارگران بپرهیزند. بر اثر این اقدام، ممکن بود عده ای از بازرگانان ایرانی تا اندازه ای زیان ببینند، ولی منافع فراوانی برای کشور داشت که از میان آنها می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

الف) رشد و شکوفایی اقتصاد داخلی؛

ب) کاهش وابستگی ایران به کشورهای استعمارگر؛

ج) معطل ماندن سرمایه های خارجی.

مهم تر اینکه این عمل، اقدامی سیاسی برای محکوم کردن دشمنان بود. در

۱- تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، ص ۱۳۱.

ص: ۹۷

تلگرافی که روحانیان خراسان به پیروی از علمای نجف درباره تحریم کالاهای بیگانگان صادر کرده اند، می خوانیم:

بسم الله الرحمن الرحیم

چون اجحافات و تجاوزات دولت روس که چون شعله آتشی به خرمن اسلام افتاده، از حد گذشته است و به واسطه سوق قشون خود به نقاط شمالی و شرقی و غربی ایران، امنیت این مملکت را منهدم و افکارعمومی را به نمایشات خارج از قانون خود اشغال نموده... علمای عظام و حجج اسلامیه نجف اشرف که از ارکان عالیه روحانیت ما به شمارند، در جلو حرکات دول همجوار متعدی به خصوص دولت روس، اظهار نفرت نموده و به ترک امتعه این دولت، دست خط های متواتره صادر فرموده اند. ما هیئت حاضره نیز نظر به تجاوزات دولت مزبور عموماً و احکام حجج اسلامیه خصوصاً از امروز به ترک امتعه روس میان بسته و با تمام نفرت خودمان، اجناس این دولت جابر را به نظر بی قابلیتی دیده و کلیه مال التجاره از قند و چای روس و سایراقمشه و اشیا را بر خود حرام دانسته و هر کس از ایرانیان که جنس روسی استعمال کند، او را از کسوت روحانیت، عاری شناخته و با اوآمد و رفت را موقوف خواهیم کرد.(۱)

به تاریخ ۲۹ ذیالحجه الحرام ۱۳۲۸ه . ق مغازه داران از فروش اجناس خود به مزدوران استعمار، خودداری و به افرادی که خدمت ارتش انگلستان بودند، بی احترامی کردند. مردمی که در بانک هایدر حال اداره به دست انگلیسی ها،

۱- محمد ترکمان، اسنادی درباره هجوم انگلیس و روس به ایران، ص ۱۳۶.

ص: ۹۸

سپرده گـذاری کرده بودنـد، به یک باره به بانک ها هجوم آوردند و همه پس انداز خود را درخواست کردند؛ به گونه ای که همه آن بانک ها خالی شـد. وثوق الدوله هم طی تلگرافی به علما که در کاظمین جمع شده بودند، پس از تمجید از کارگزاران دولت و اقدامات انجام شده، نوشت:

امری که عایق حصول مقاصـد مطلوبه می توان شد، امر به تحریم امتعه انگلیس در صـفحات جنوب است... اگرچه بر ذوات مقدسـه مخفی نیست که مخاصـمه اقتصادییک مملکت ضعیف فقیر با یک دولت قوی، با پیش آمدهای سیاسی امروزه، چقدر محذورات را حاصل می نماید، ولی از بابت تذکره و تذکر عرض و تمنا می شود که توجه سریعی در رفع حکم، تحریر فرمود... .

البته این اولین بار نبود که جنابوزیر محترم امورخارجه، همچون شـیطان «الشَّیطَانُ یعِدُکمُ الْفَقْرَ وَیأْمُرُکم بِالْفَحْشَاء» (بقره: ۲۶۸)، ملت و علمای ایران را از فقر می ترساند، بلکه در درخواستی که برای رفع تحریم کالاهای روسیه کرده است، می نویسد:

اولاً ـ امری که قابل توجه در این کار است، سـنجیدن جریان اقتصادی...ایران و روس نسـبت به یکـدیگر است... که بالفعل، اخراجیه ایران بیشتراز ادخـالیه روس است. ... پس اگر دولت روس همین معامله را با ایران بـدارد... نکث فاحش به عمل عایـدات مملکتی... وارد می آید. ثانیاً... طبقات مختلفه(ایرانیان) از تجار محترم الی دست فروش و حمال، از این ادخال و اخراج، نان می برند. ... .(۱)

۱- نک: محمدعلی محمدی، ملا فتح الله اصفهانی؛شیخ شریعت، صص ۱۲۲-۱۲۶.

ص: ۹۹

ج) پیام

ج) پیام

شیخ الشریعه از عالمان و فقیهانی بود که با همراهی جمعی دیگر، به صدور فتوای تحریم کالای خارجی پرداخته اند. بدین ترتیب، نه تنها خود عامل به فراهم آوردن زمینه های استقلال اقتصادی بود، بلکه با تصمیم ها و نوشتار خویش نیز مردم را به روی آوردن به تولید داخلی و تحریم کالا های خارجی تشویق می کرد.

۱۲. آیت الله حاج شیخ محمدتقی بافقی

اشاره

۱۲. آیت الله حاج شیخ محمدتقی بافقی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آیت الله حاج شیخ محمدتقی بافقی، فرزند مرحوم ملا محمدباقر تاجر، در سال ۱۲۹۲ ه . ق در شهرستان بافق به دنیا آمد.

او فراگیری قرآن و نوشتن خط را از مکتب خانه های قدیمی و مدرسه علمیه بافق آغاز کرد. وی از اسوه های فضیلت و تقوا و از شخصیت های مبارز و کم مانند در صحنه مبارزه با ظلم بود.

امر به معروف و نهی از منکرهای وی، هشدار به خانواده رضا شاه پهلوی برای رعایت حرمت حرم حضرت معصومه؟عها؟ و به دنبال آن شکنجه، حبس و تبعیدش در عصر ستم رضا خانی، از نکته هایتأمل برانگیز در مورد این شخصیت مبارز است. آیت الله محمدتقی بافقی، تحصیلات علوم دینی خود را در یزد و نجف اشرف ادامه داد و برای تأمین معاش، در حین تحصیل در نجف، مغازه عطاریباز کرد.

شیخ محمدتقی بافقی با رحلت مرجع تشیع، حاج سید محمدکاظم یزدی، در سال ۱۳۳۷ ه . ق به قم آمد و یار و همکار حاج

عبدالکریم حائرییزدی، مؤسس حوزه علمیه قم شد. وی در تأسیس حوزه علمیه قم و رونق بخشی به مسجد مقدس

ص: ۱۰۰

جمکران، نقش مهمیداشته است.این روحانی مبارز در واقعه کشف حجاب به وسیله رضاخان، رهبری مردم را در نوروز سال ۱۳۰۷ خورشیدی بر عهده داشت.

وی در اعتراض به بدحجابی زن و دختران شاه در حرم حضرت معصومه؟عها؟ فریاد می زد:«دفع حجاب حرام است، خاصه در حرم دختر پیامبر.» شیخ محمدتقی بافقی در جریان کشف حجاب، در حرم حضرت معصومه؟عها؟ با رضا شاه درگیر شد و رضاخان پس از ضرب و شتم آن بزرگوار، وی را به شهر ری تبعید کرد.

آیت الله شیخ محمدتقی بافقی در سال ۱۳۶۱ ه . قبرابر با ۱۳۲۱ خورشیدیدر شهر ری وفات یافت و پیکر مطهرش را در کنار قبر حاج عبدالقاسم کبیر و مرحوم اشرفی، در مسجد جوار حضرت معصومه؟عها؟ به خاک سپردند.

ب) سیره

ب) سیره

این مرد بزرگ در مدت ۶۹ سال عمرش، جز لباس کرباس و قدک اصفهان و یزد، لباس دیگری نپوشید، حتی عمامه اش هم کرباس بود. هرگز از ظروف چینی و بلور استفاده نکرد و در خانه اش ظرفی جز از جنس مس و سفالین پیدا نمی شد و از آن دسته غذایی که از خارج وارد می شد، نخورد. (۱)

ج) پیام

ج) پیام

شیخ محمدتقی بافقی که پیشتاز مبارزه با تهاجم فرهنگی رضا خانی بود، در حوزه معیشت و زندگی اقتصادی خود نیز با ورود و استفاده از لوازم بیگانه، مقابله کرد و از تولیدات داخلی بهره گرفت.

۱- محمد رازی، مجاهد شهید آیت الله حاج شیخ محمد بافقی، ص ۱۵۴.

ص: ۱۰۱

۱۳. آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی

اشاره

۱۳. آیت الله حاج آقا حسین طباطبایی قمی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آیت الله العظمی قمی، در سال ۱۲۸۲ ه . ق متولد شد و تحصیلات ابتدایی خود را در قم شروع کرد و تا اوان بلوغ، در قم تحصیل کرد و سپس برای تکمیل تحصیلات راهی تهران شد و درس های دوره سطح مانند معالم، قوانین، شرح لمعه و رسائل و مکاسب را نزد استادان آن حوزه خواند. او در ۲۲ سالگی عازم مکه و مدینه شد.

در بازگشت، وارد نجف اشرف گردید و پس از زیارت، راهی سامرا شد و در جلسه درس آیت الله میرزا محمدحسن شیرازی شرکت کرد و پس از دو سال اقامت، در سال ۱۳۰۶ ه . ق بار دیگر به تهران بازگشت. این بار در تهران از محضر استادان بزرگی همچون آقا علی مدرس، میرزا ابوالحسن جلوه، میرزا علی اکبر حکمییزدی، میرزا هاشم رشتی، شیخ علی نوری، میرزا ابوالحسن کرمانشاهی، میرزا محمود قمی، شیخ عبدالمحسن مدرس ریاضی، شیخ فضل الله نوری و میرزا محمدحسن آشتیانی کسب فیض کرد و پس از پنج سال تحصیل، به عراق رفت.

حاج آقا حسین در شهر مقدس نجف اشرف، از محفل درس استادانی چون میرزا حبیب الله رشتی، حاج آقا رضا همدانی، آخوند ملا علی نهاوندی، آخوند محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم یزدی و دیگر بزرگان بهره برد. سپس در سال ۱۳۲۱ه . ق وارد سامرا شد و در درس های آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی شرکت جست و مراتب عالی علمی را یکی پس از دیگری پشت سر نهاد. استاد بزرگوارش نیز عنایت خاصی به وی داشت و مقلدان خود را در مسائل احتیاطی، به ایشان ارجاع میداد که نشان می دهد آیت الله قمی پس از میرزا، اعلم مجتهدان آن زمان است.

ص: ۱۰۲

از آنجایی که مرحوم حاج آقا حسین در برابر اقدامات ضد مذهبی رضاخان همیشه موضع سختی می گرفت، پس از قیام خونین مسجد گوهرشاد، رژیم ستم شاهی پهلوی، مدتی ایشان را در تهران توقیف و سرانجام، در سال ۱۳۵۴ ه . ق به عراق تبعید کرد. از این سال به بعد، مرجعیت ایشان به کربلا منتقل شد. پس از درگذشت آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، مرحوم قمی نیز کربلا را پس از یازده سال اقامت، ترک کرد و به نجف اشرف منتقل شد. علما و مجتهدان نجف اشرف با از دست دادن آیت الله اصفهانی، در پی مرجع عام دیگری، برای سپردن مرجعیت عامه و سرپرستی حوزه نجف اشرف به او بودند و تنها، شخصیت ارزنده و والامقام حضرت آیت الله قمی را لایق این مسئولیت میدانستند. پس از اصرار فراوان، ایشان چاره‌ای جز پذیرش آن نداشت و این امر را برعهده گرفت. حضرت آیت الله العظمی قمی چند ماه پس از فوت آیت الله اصفهانی، در چهاردهم ربیع الاول سال ۱۳۶۶ه . ق در نجف از دنیا رفت و در جوار مرقد حضرت مولی الموحدین علی(ع) به خاک سپرده شد.

ب) سیره

ب) سیره

پس از سقوط رضاخان و ۱۰ سال دوری از وطن، مرحوم قمی در اولین فرصت به قصد زیارت مرقد مطهر حضرت علی بن موسی الرضا(ع) به ایران آمد. استقبال بی مانندی از آن بزرگوار در سراسر ایران به عمل آمد. از قصرشیرین تا همدان و تا مشهد، همه جا چراغانی شد. همه بزرگان و علما و سران قبیله ها و مسئولان امور دولتی و مردم به دیدار آقا می شتافتند. هرجا که کاروان آقا می رسید، تقریباً شهر به حالت تعطیل در می آمد. می توان گفت ایران با این مسافرت، تکان خورد. آیت الله

ص: ۱۰۳

قمی در بازگشت، به هنگام توقف در تهران، پیشنهادهای معروفی به دولت وقت ارائه دادکه مهم ترین آنها در پنج عنوان زیر می گنجد:

یک _دولت ایران، زنان را در انتخاب حجاب آزاد بگذارد و اجباری در کشف حجاب نباشد؛

دو _مدارس مختلط که به دستور رضاخان ایجاد شده بود، منحل و مدارس پسرانه و دخترانه، مجزا و نماز در مدارس برقرار شود؛

سه _تعلیم قرآن و دروس دینی، جزو برنامه درسی دبستان ها و دبیرستان ها قرارگیرد؛

چهار _حوزه علمیه قم و مشهد و غیره آزاد باشند. علاوه برآن، مدرسین و محصلین علوم دینیه، به هنگام تحصیل، از رفتن به خدمت نظام وظیفه معاف باشند؛

پنج _موضوع اقتصاد و تجارت، تحت نظر متخصصین اداره شود، به طوری که توازن صادرات و واردات حتی الامکان حفظ گردد و کمبود موادغذایی و خواربارکه فشارش به دوش طبقه ضعیف است، از بین برود.

پیشنهادهای داده شده را به تدریج عموم ملت به رژیم قبولاندند. بدین ترتیب، آن مرجع والامقام که ۱۰ سال پیش در حرم حضرت عبدالعظیم، در باغی زندانی شده بود و مردم را از دیدار با او منع می کردند که چرا با کشف حجاب اجباری مخالفت دارد، نه فقط در میان استقبال ملت مسلمان ایران، به وطن بازگشت، افزون بر قضیه لغو کشف حجاب اجباری، چندین راه کار شرعی و اجتماعی دیگر را نیز به دولت دیکته کرد. (۱)

۱- سید نعمت الله حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج ۱، ص ۳۰۱.

ص: ۱۰۴

ج) پیام

ج) پیام

صبر و مقاومت حاج آقا حسین قمی، موجب شد دولت وقت ایران راه کارهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی وی را بپذیرد که به بالاً رفتن توان اقتصادی مردم ایران می انجامد.

۱۴. آیت الله سید محمدتقی خوانساری

اشاره

۱۴. آیت الله سید محمدتقی خوانساری

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

در اردیبهشت سال ۱۲۶۷ ه . ق در شهر خوانسار، در خانه سید اسدالله، نورسیده ای پای در حیات نهاد که نام او را محمدتقیگذاشتند. سید محمدتقی در تیزهوشی گوی سبقت از همگان ربود و در مکتب خانه، خط را به خوبی آموخت و قرآنی را به خط خود نوشت و آن را وقف مسجد کرد. درآن زمان، حوزه خوانسار رونق خوبی داشت.او تا هفده سالگی رسید توانست ادبیات عرب و دیگر پایه های مقدماتی علوم اسلامی را فرا بگیرد و در همین مدت، قسمت هایینیز از فقه و اصول دوره سطح را خواند. سید با مشورت هایی که با پدر کرد، برای تکمیل اندوخته ها رهسپار حوزه نجف شد. او در نجف، در درس محققان بزرگی همچون آیت الله آخوند خراسانی، آیت الله سید محمدکاظم طباطباییزدی حاضر گشت. پس از ارتحال این دو بزرگوار، او از درس های اصول آیت الله نائینی و آیت الله آقا ضیاء عراقی استفاده کرد. با شروع جنگ جهانی، آقای خوانساری، کرسی درس و تحقیق را رها کرد و در صف رهسپاران جهاد قرار گرفت.

آیت الله خوانساری پس از بازگشت از عراق، به زادگاهش خوانسار و در حوزه سلطان آباد اراک، به احترام آیت الله حائری، در درس آن بزرگوار شرکت جست. او

ص: ۱۰۵

خود نیز جداگانه به تدریس فقه و اصول و حکمت پرداخت و در شکل گیری حوزه علمیه قم نقش مؤثریایفا کرد و مشوقی در هجرت آیت الله حائری به قم بود. آیت الله خوانساری همگام با آیت الله حاج آقا حسین قمی، پیشگام مبارزه علیه کشف حجاب، در این مبارزه شرکت کرد. او در آن جوّ پر اختناق، در فتوای روشنگرانه، بر ضروری بودن حجاب پای فشرد.

با شروع شکل گیری توطئه اشغال فلسطین، آیت الله خوانساری در فتوایی، فداکاری و کمک مسلمانان را در قضیه فلسطین و جنگ صهیونیسم واجب شمرد. وی همچنین با فتوایی سرنوشت ساز، ملی شدن نفت را اعلام کرد و قطع دست غارتگران را از این سرمایه خداداد خواهان شد.

سرانجام در سال ۱۳۳۱ خورشیدی علما و مردم شهر همدان که از حال نامساعد آیت الله خوانساری با خبر بودند، از او خواستند تابستان را در هواییلاقی همدان سپری کند. آیت الله خوانساریبا پذیرش این درخواست با همراهانش راهی آنجا شد.

او در استقبالی پرشور وارد شهر شد و مردم شهر برای غنیمت شمردن از انفاس قدسی اش، از ویخواستند در مسجد جامع نماز جماعت بخواند. در یکی از آن روزها که او برای برپایی نماز به مسجد می رفت، در میان راه دچار حمله قلبیشد و سرانجام نزدیکظهر روز هفتم ذی الحجه ۱۳۷۱ ه . ق درگذشت.

ب) سیره

ب) سیره

شهید محراب، اشرفی اصفهانی درباره ایشان چنین می گوید:

آیت الله العظمی سید محمدتقی خوانساری، وارسته فردی بود که

ص: ۱۰۶

اگرچه می توانست از امکانات فراوانی در زندگانی برخوردار باشد و با توجه به نحوه زندگی و مریدان زیادش، هرچند برایش مهیا بود، اما وی در اوج پرهیز و عدم وابستگی بود. مثلاً، در زندگی وی آورده اند استکانی که با آن چای می خورد، از جنس گل بود که شاگردان و همراهان وی گفتند: آقا، استکان و نعلبکی که آنقدر گران نیست که شما از اینها استفاده می کنید! (۱)

وی با این کار به ظاهر کوچکش، بزرگی شخصیت خود را به نمایش گذاشت.

ج) پیام

ج) پیام

آیت الله سید محمدتقی خوانساری، با خدای خود آن چنان ندار بود که دعای وی در نماز باران را استجابت کرد. وی در زندگی شخصی خود هرگز پا را از زهد فراتر نگذاشت و اجازه نداد زندگی وی، به مال دنیا و تجملات آن آلوده شود.

۱۵. آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی

اشاره

۱۵. آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

میرزا محمدتقی شیرازی در سال ۱۲۵۸ه . ق در شیراز به دنیا آمد. پدرش عالم صالح و عارف کامل، میرزا محب علی شیرازی است.(۲) او دوران کودکی را در زادگاهش گذراند و آن گاه پدرش او را برای فراگیری علوم دینی به کربلا برد. محمدتقی، مقدمات علوم دینی را نزد مدرسان بزرگ کربلا همچون سید علی

۱- سیمای فرزانگان، ص ۴۶۴.

۲- آقابزرگ تهرانی، نقباء البشر، ج ۱، ص ۲۶۳.

ص: ۱۰۷

نقی طباطبایی (درگذشته ۱۲۴۸ه . ق) آموخت. پس از آن به درس آیت الله فاضل اردکانی (درگذشته۱۳۰۲ ه . ق) از استوانه های علم اصول در آمـد. سـپس به همراه رفیق درس و بحث خود، آیت الله فشـارکی اصـفهانی، به سـامرا رفت و در درس آیت الله میرزا محمدحسن شـیرازی (میرزای بزرگ) شرکت کرد و پس از چندی در شمار فاضل ترین شاگردان میرزای بزرگ قرار گرفت و خود نیز به تـدریس پرداخت. پس از درگذشت آیت الله میرزا محمدحسن شـیرازی به سال ۱۳۱۲ه . ق جمع زیادی از شاگردانش جـذب حوزه درسی او شد و از دانش وی بهره می جستند.(۱) در همین دوره بود که وی به میرزای دوم شهرت یافت.

پس از وفات آیت الله سـید محمدکاظم یزدی، آیت الله میرزا محمدتقی شـیرازی، مرجع تقلید شـیعیان جهان شد. محل سکونت این پیشوایبزرگ، در شـهر سامرا بود و از آنجا در جمادی الاول ۱۳۳۷ ه . قبه کربلا رفت و چون به کربلا رسـید، مردم شهر، پیشواز بی مانندی از وی کردند.

با آنکه میرزا در دوره پیری (۸۸ سالگی) بود، ولیروحیه ای بسیار عالی داشت و آشکارا علیه انگلستان موضع می گرفت.

کارگزاران انگلیسـی نیز به خوبی می دانستند که روش مبارزاتی میرزا، تند و صریح و قاطعانه است و او را به عنوان سدی استوار در برابر اهـدافشان می دانسـتند. ازاین رو، همه تلاش و دسـیسه خود را برای سـکوت و سازش وی به کار بردنـد، ولی هرگز در این راه توفیق نیافتند و سرانجام، ضربه هایشکننده ای از این پرچمدار اسلام، در عراق بر پیکر استعمارگر پیر انگلیس وارد آمد. انقلاب سال ۱۹۲۰ م. عراق بر ضد انگلستان، مرهون مبارزه ها و

۱- محمدعلی مدرسی، ریحانه الادب، ج ۴، صص ۳۴۰ و ۳۴۱.

ص: ۱۰۸

فتواهای کوبنده میرزا محمدتقی شیرازی است. میرزا با وجود سن بالا و فعالیت هایسیاسی و اجتماعی، هیچ گاه دست از تحقیق و برگزاریجلسه های درس و بحث برنمی داشت و از امور طلاب و حوزه علمیه غافل نبود. او می کوشید جریان مبارزه و این گونه امور، فاصله ای میان وی و طلاب علوم دینی به وجود نیاورد.

ب) سیره

ب) سیره

آیت الله میرزا محمدتقی شیرازی در زمینه خوراک و پوشاک و مسکن خویش، بسیار قانع و زاهد بود. با وجود اموال فراوانی که از افریقا، ایران، عراق، عربستان، شیخ نشین های خلیج و دیگر نقاط به دستش می رسید، خانه ای استیجاری داشت.

یکی از علما می گوید: وقتی دیدم پیراهن میرزا وصله های زیادی دارد، به فرزندش میرزا عبدالحسین گفتم: چرا پیراهن وی این گونه است، با اینکه او زعیم و قائد بی نظیر انقلاب عراق است و با موفقیت وی، هیچ تناسبی ندارد؟ او در پاسخ گفت: پدرم در شیراز مزرعه ای دارد که از اجدادش به او رسیده است. درآمد سالانه این مزرعه، چیزی نزدیک صد تومان است. پدرم خرج زن و بچه و دیگر مخارج خود را که شامل خوراک و پوشاک و اجاره خانه می شود، تنها از این راه تأمین می کند و چون این مبلغ، نیازمندی های ضروری خانواده را برآورده نمی سازد، پدرم به لباسی کهنه بسنده می کند و چیز دیگری را جای گزین آن نمی کند تا از همان صد تومان، همه هزینه های خانواده را بپردازد.(۱)

۱- جمعی از پژوهشگران، گلشن ابرار، ص ۴۵۳.

ص: ۱۰۹

ج) پیام

ج) پیام

میرزا محمدتقی شیرازی، بزرگ انقلابی قرن بیستم، در عراق هم پرچم مقابله با انگلستان استعمارگر را برافراشت و هم در تأمین زندگی خویش، رویه ای اقتصادی و خودکفایی در پیش گرفت.

۱۶. آیت الله حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری

اشاره

۱۶. آیت الله حاج شیخ محمد کوهستانی بهشهری

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آیت الله محمد کوهستانی در سال ۱۳۰۸ ه . ق‌در روستای کوهستان، از توابع شهرستان بهشهر، چشم به جهان گشود. پدرش محمدمهدی، از عالمان وارسته و صاحب نام بوده است که در فضل کم مانند بود.

مرحوم آیت الله کوهستانی، در خردسالی از سایه پدر محروم ماند و سرپرستی او را مادر عفیفه و صالحش بر عهده گرفت. او در نوجوانی پس از فراگیری قرآن و ادبیات فارسی، به حوزه علمیه بهشهر رفت که در آن زمان نیز فعال و پر رونق بود و در آنجا علوم پایه همچون صرف ونحو و منطق را نیز فرا گرفت.

چند ماهیهم در حوزه علمیه بابل، در مدرسه کاظم بیک نزد استاداآن سامان به تحصیل پرداخت. وی پس از سپری کردن دوره پایه و فراگیری دروس عرب، عازم مشهد شد و از محضرآیت الله حاج آقا حسین قمی و میرزامحمد کفایی، فرزند آخوند خراسانی بهره گرفت. آیت الله کوهستانیپس از اقامت طولانی در جوار حضرت رضا(ع)، جهت تحکیم مبانی اجتهاد و رسیدن به مدارج عالی علمی، نزدیک به سال ۱۳۴۰ ه . ق رهسپار حوزه علمیه نجف اشرف شد.

استادان وی در نجف، آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی، آیت الله ضیاء عراقی

ص: ۱۱۰

و آیت الله میرزا محمدحسین نائینی بوده اند. آیت الله کوهستانیپس از فراگیری علوم دینی در نجف اشرف وکسب درجه اجتهاد، به زادگاهش روستای کوهستان در بهشهر بازگشت و گویا از سال ۱۳۱۲ خورشیدی جهت تشکیل حوزه به گردآوری و تربیت طلاب علوم دینیکوشید. در ابتدا که هنوز بناییبرای درس دادن ساخته نشده بود، حسینیه خویش را در اختیار طلاب گذاشت. به مرور زمان، علاقه مندان دانش، از شهرهای اطراف، گرد ایشان حلقه زدند. در سال ۱۳۲۱ خورشیدی که آمار طلاب و شیفتگان علم فزونییافت، اتاق هایی در حاشیه بیرونیساختند و به تدریس علوم دینی به طلاب و تشنگان علم و معرفت پرداختند و بزرگانی همچون حضرات آیات شهید سید عبد الکریم هاشمی نژاد، میر(سید) تقی نصیری، حسین محمدی لائینی، سید صابر جباری متکازینی، شیخ محمد فاضل استرآبادی، شیخ ابوالقاسم رحمانی خلیلی، سیدعلی جباری، اسدالله ربانی و ابوالحسن ایازی، در محضر این استاد فرزانه کسب فیض کردند. سرانجام این عالم وارسته در ساعت یك پس از نیمه شب ۱۴ ربیع الاول، مصادف با هشت ماه ۱۳۵۱ بر اثر بیماری و کهولت سن درگذشت و در جوار بارگاه امام رضا(ع)در مشهد مقدس آرام گرفت و به دیدار معشوق شتافت.

ب) سیره

ب) سیره

آیت الله کوهستانی با اینکه می توانست وسایل زندگی بهتری برای خود فراهم سازد، در کمال سادگی و بدون آلایش به سر می برد. از اتاق مسکونی و پذیرایی وی تا امروز همان حصیر خشن بافت مازندران فرش است. چندین بار، مردان خیراندیش پیشنهاد کردند که برای اتاق های مهمانی، فرش های بهتر تهیه

ص: ۱۱۱

کنند، ایشان زیر بار نرفت. حتی بعضی از آنان، فرش گرانبهایی از نوع قالی به خانه اش فرستادند، ولی گویا آنها را نپذیرفت و فرش ها را برای حسینیه ای که در کوهستان بود، می فرستاد. همیشه برای خود و مهمانانش، غذای ساده ای، مانند نان و آش که آن روزها متعارف ترین غذای خانه های مستمندان مازندران بود، تدارک می دید. نوع لباسش از کرباس های سفید دست بافت زنان مازندران بود و ظروف خانه، حتی برای مهمانان، از همان کاسه و بشقاب سفالین محلی بود که در قدیم در مازندران تهیه می شد و امروز استفاده نمی شود. عبای مخصوص نماز آن بزرگوار از کرباس سفید بود که آن را زنان مازندرانی می بافتند و ایشان بافت آن را به خانواده ای معروف و باتقوا سفارش داده بود. عبای معمولی وی از جنس عبای دست بافت روستاییخکش هزارجریب بود و لباس دیگری داشت که لباس ساده و معمولی از دست بافت زنان مازندران بوده است.

ج) پیام

ج) پیام

مرحوم کوهستانی از عالمان والامقامی بود که در محدوده فعالیت اجتماعی خویش، از مصنوعات و منسوجات وطنی استفاده می کرد. بیشتر لباس های او، دوخت داخلی و دست بافت محلی بود.

۱۷. حضرت آیت الله مرعشی نجفی

اشاره

۱۷. حضرت آیت الله مرعشی نجفی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

حضرت آیت الله مرعشی نجفی در سال ۱۳۱۵ ه . ق در نجف به دنیا آمد. پدرش سید شمس الدین محمود مرعشی، از بزرگان فقهای دوران خود بود. سید

ص: ۱۱۲

شهاب الـدین پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی در نجف، در درس خارج فقه و اصول آقا ضیاء عراقی و شیخ احمد کاشف الغطا حاضر شد و از محضر آنان بهره های فراوان برد. او در ۲۷ سالگی به درجه اجتهاد رسید. مرعشی نجفی در نجف، کاظمین، کربلاء، سامرا، قم، تهران و کرمانشاه تحصیل کرد و از محضر استادانی چون حاج شیخ عبدالکریم حائرییزدی استفاده برد. او از برخی از مراجع عظام تقلید، همچون آقا ضیاء عراقی، سید ابوالحسن اصفهانی، شیخ عبدالکریم حائرییزدی و علامی کرمانشاهی(از شاگردان آخوند خراسانی) اجازه اجتهاد دریافت کردند.

عالم فرزانه و عارف زاهد، حضرت آیت الله مرعشی نجفی که عمری را در راه دین مقدس اسلام و مذهب جعفری قلم و قدم زده بود و نزدیک به هشتاد سال به تدریس و تربیت شاگردان اهل بیت؟عهم؟، تألیف و تصنیف و نیایش گذرانده و آثار خیر فراوانی پدید آورده بود، سرانجام در هفتم صفر ۱۴۱۱ ه . ق پس از ادای نماز جماعت مغرب و عشا، دیده از جهان فرو بست و به ملکوت اعلی پیوست.

ب) سیره

ب) سیره

حجت الاسلام والمسلمین سید محمود مرعشی نجفی، پسر ارشد آیت الله العظمی مرعشی نجفی که نزدیک به پنجاه سال از عمر بابرکت پدر را درک کرده است، در گفت وگویی با مرکز خبر حوزه های علمیه، ناگفته های زیادی را از زندگی زاهدانه این عالم ربانیشرح داد. وی گفته است: «پدرم هیچ وقت لباس خارجی به تن نمی کرد و از خیاط می خواست با پارچه های تولید داخل برایش لباس بدوزند. آن موقع در ایران دکمه تولید نمی شد و خیاط از دکمه خارجی استفاده کرده بود.

ص: ۱۱۳

علامه از خیاط خواسته بودکه با قیطان، دکمه درست کند. نمونه ای از لباس ایشان در کتاب خانه محفوظ است که با این طریق تهیه شده است».(۱)

ج) پیام

ج) پیام

بزرگ میراث دار جهان تشیع و مرزبان ارجمند جامعه شیعی، در سراسر عمر خویش از لباس تولید داخل استفاده کرد و حتی در جزئی ترین وسیله لباسش (مثل دکمه)، قیطانی به جای آن فراهم ساخت.

۱۸. علامه سید محمدحسین طباطبایی

اشاره

۱۸. علامه سید محمدحسین طباطبایی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

سیدمحمدحسین طباطبایی در سال ۱۲۸۱ خورشیدی (۲۹ ذی الحجه سال ۱۳۲۱ ه . ق) در تبریز دیده به جهان گشود. در کودکی والدینش را از دست داد. در نه سالگی به مکتب رفت. در مدت هشت سال، ادبیات عرب، کلام، فقه و اصول را در زادگاه خود خواند. پس از آن راهی نجف اشرف شد و دوره های عالی علوم مختلف اسلامی را از والاترین استادانآن عصر فراگرفت. فقه و اصول را تا اجتهاد، نزد آیت الله نائینی، آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی و آیت الله محمدحسین اصفهانی آموخت. ریاضیات را از سیدابوالقاسم خوانساری فراگرفت. در فلسفه از فیلسوف عصر خود، سیدحسین بادکوبه ای (۱۲۹۳ - ۱۳۵۸ه .ق) بهره برد که از شاگردان میرزاهاشم اشکوری، ابوالحسن جلوه و ملاعلی مدرس زنوزنی بود، در عرفان و سلوک معنوی، از نعمت استادی چون میرزاعلی قاضی برخوردار شد.

۱- www.shia-news.com

ص: ۱۱۴

علامه طباطبایی در سال ۱۳۱۴ خورشیدی با گنجینه ای از دانش و خرد به زادگاهش بازگشت و نزدیک به ۱۰ سال در آن دیار اقامت گزید و ضمن کار کشاورزی برای تأمین معاش، به تأمل و مراقبه و البته تألیف آثاری چند پرداخت. در سال ۱۳۲۵ در پی ناآرامی ها و ناامنی هایی که بر اثر جنگ دوم جهانی در آذربایجان رخ داده بود، رهسپار حوزه علمیه قم شد و مرحله ای نو و پربرکت و هرچند دشواراز زندگی را با تدریس و تحقیق و تألیف آغاز کرد و تا پایان عمرش ادامه یافت.

علامه طباطبایی در هیجدهم محرّم سال ۱۴۰۲ ه . قبرابر با ۲۴ آبان ۱۳۶۰ خورشیدی در قم چشم از جهان خاکی فرو بست، درحالی که میراثی گرانقدر از خود بر جای گذاشت. مهم ترین این میراث، عبارتند از تألیفات، خدمات و اصلاحات، اندیشه ها و شاگردانآثار قلمی علامه، متعدد و متنوع است و حوزه هایگوناگون علوم و معارف اسلامی، همچون فلسفه و کلام و تفسیر و عرفان و فقه و حدیث را دربرمی گیرد، اما مهم ترین و اثرگذارترین آثار او، در باب تفسیر قرآن و فلسفه اسلامینگاشته شده است. بی شک گرانقدر ترین اثر علامه طباطبایی و به اعتقاد برخیباارزش ترین اثر شیعی در قرن چهارده ه . ق، کتاب بیست جلدیالمیزانفی تفسیرالقرآناست که گنجینه ای از علوم و معارف گوناگون عقلی، نقلی و معنویرا در خود دارد. بسیاری از اندیشه های فلسفی و الهیاتی علامه را باید در همین کتاب جست وجو کرد.المیزان، هم در روش تفسیر، بدیع است و هم در محتوا و آرای تفسیری، نوآوری های بسیاردارد. مهم ترین آثار فلسفی علامه عبارتند از: حواشی بر اسفار ملاصدرا؛اصول فلسفه و روش رئالیسم وبدایه الحکمه و نهایه الحکمه. افزون بر این، ویرساله های

ص: ۱۱۵

فراوانی در مسائل فلسفی، منطقی، عرفانی و کلامی دارد که شماری از آنها فارسی و برخی نیز عربیهستند.

ورود علامه طباطبایی را به حوزه علمیه قم، می توان نقطه عطفی در این حوزه شیعیدانست. با همکاریعلامه طباطبایی، حوزه علمیه قم، حیات و نشاط جدیدیافت. او با تربیت شاگردانیعالم و تألیف آثاری بدیع، رویکردی جدید را در حوزه بنیان نهاد که به تدریج دامنه تأثیرش فراگیر شد. علامه طباطبایی به دلیل برخورداری از ویژگی هایمنحصر به فرد علمی و عملی، از شخصیت هایی است که گستره اثرگذاری اش فراتر از زمان و مکانی است که در آن می زیست. برخی از اثرگذاری های او ماندگار و عام است و محدود به شاگردان خاص او نیست، بلکه کم وبیش نهادینه و به سنتی قوی تبدیل شده است. در این باره یکی از شاگردان علامه می نویسد: «سال ها بلکه قرن ها باید بگذرد تا به طور کامل، ابعاد وجودی او شناختهو درباره تأثیرات عظیمی که در جامعه ما به جای گذاشته، تحقیق و بررسی شود.(۱)

در زمان ورود علامه طباطبایی به قم، فلسفه در موقعیت مطلوب و مناسبی نبود. دیدگاه حاکم در حوزه، نظر مثبتی به فلسفه نداشت و جز در حلقه های محدود و ناشناس، فلسفه، مجال عرض اندام نمی یافت. علامه با وجود مخالفت ها و مزاحمت های بسیار، کوشید فلسفه را احیا و فضلای حوزه را با فلسفه آشنا کند. او طی چند دهه فعالیت خستگی ناپذیر، موفق شد جمعی چشمگیر از فیلسوفان متفکر را بپرورد و توجه نسل جدید حوزه را به فلسفه جلب کند.

۱- یادنامه مفسر کبیر استاد علامه طباطبایی، ص ۱۸۹.

ص: ۱۱۶

پیش از ورود علامه به قم، امام خمینی قدس سره از معدود مدرسان ماهر فلسفه و عرفان در قم بودو بسیاری از شاگردانی که در دروس علامه شرکت می کردند، از شاگردان امام بودند. علامه طباطبایی از پیشگامان فلسفه تطبیقی است. او از نخستین فیلسوفان اسلامی است که با برخی فلسفه های جدید غرب، مقابله علمی و آنها را نقد و بررسیکرده است. در نیمه نخست قرن ۱۴ خورشیدی، به ویژه نزدیک به دهه سی، فلسفه مارکسیسم در ایران از طریق حزب توده منتشر می شد و توجه بسیاری از روشنفکران را به خود جلب کرده بود که به انتشارات حزب توده و به ویژه آثار تقی ارانی در این زمینه، می توان اشاره کرد.

اندیشه های فیلسوفان کلاسیک غرب، همچون دکارت و کانت نیز اندک اندک در محافل دانشگاهی و در میان تحصیل کردگان غربی مطرح می شد. علامه طباطبایی که با این اندیشه ها از طریق آثار و ترجمه های فارسی و عربی آشنا بود، نخستین واکنش را با تشکیل جلسه هایدرسینشان داد که حاصل آن، تألیف کتاب اصول فلسفهاست. وی در این کتاب، ضمن نقد فلسفه مارکسیسم، تقریری نو از فلسفه اسلامی ارائه داد. این اثر هم از جهت در برگیری آرای نو، هم از نظر روش طرح بحث و تبویب (یعنی باب، باب کردن کتاب و نوشتن، تقسیم کردن کتاب به فصول) مباحث فلسفی و هم از نظر ادبیات فلسفی، بدیع و بی سابقه بود. این نخستین بار بود که فیلسوفی اسلامی از نظریه معرفت به صورتی جدید و ابتکاری سخن می گفت و مباحث مابعدالطبیعی در باب هستی، حرکت، زمان و الهیات فلسفی را نیز در قالبی نو و ناظر به پرسش های فلسفی معاصر طرح می کرد. بیشترفیلسوفان معاصر ایران، از شاگردان علامه طباطبایی هستند.

ص: ۱۱۷

ب) سیره

ب) سیره

یکی از شاگردان علامه، درباره وضع معیشت ایشان می نویسد:

ممر معاش ایشان و برادرشان از کودکی، منحصر بود به یک قطعه زمین زراعی در قریه شاد آباد تبریز که از نیاکان، به عنوان ارث منتقل شده بود. علامه می فرمودند: این ملک، ۲۷۰ سال است ملک مطلق آبا و اجداد ما بوده است و یگانه وسیله ارتزاق از راه کشاورزی است و اگر مورد غضب و تعدی واقع می شد، به کلی رشته معاش ایشان گسسته می شد و در مضیقه واقع می شدند. ایشان به هیچ وجه سهم امام قبول نمی کردند و معلوم است که در صورت فقدان منافع فلاحت و زراعت که عایدشان می شد، وضع معیشت وی از یک طلبه ساده هم پایین تر می بود؛ چون آن طلبه، اگرچه از وطنش برایش مقرری نرسد، لااقل از سهم امام استفاده می کند. تازه آن منافع کشاورزی هم، در صورت وصول، فقط به اندازه تأمین احتیاجات ضروری زندگی، با نهایت صرفه جویی و قناعت بود.(۱)

ج) پیام

ج) پیام

علامه طباطبایی قله ای درخشان در آسمان حوزه های علمیه بود که در عین تسلط بر جنبه های گوناگون از معارف اسلامی و پرورش شاگردان فراوان، در زندگی شخصی خود نیز از دسترنج خویش بهره مند می شد و مستقل و بی نیاز از دیگران بود.

۱- رضا مختاری، سیمای فرزانگان، ص ۴۳۵.

ص: ۱۱۸

۱۹. آیت الله العظمی امام خمینی؟ره؟

اشاره

۱۹. آیت الله العظمی امام خمینی قدس سره

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

امام خمینی قدس سرهدر روز ۲۰ جمادی الثانی ۱۳۲۰ ه . قبرابر با اول مهرماه ۱۲۸۱ خورشیدی همزمان با سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا؟عها؟در شهرستان خمین، از توابع استان مرکزی، در خانواده ای اهل علم و هجرت و جهاد و در خاندانی از سلاله زهرای اطهر؟عها؟به دنیا آمد.

پدر بزرگوار ایشان، مرحوم آیت الله سید مصطفی موسوی، از معاصران آیت الله العظمی میرزای شیرازی رحمه الله بود و درحالی که تنها پنج ماه از ولادت امام می گذشت، به دست طاغوتیان و خان های حمایت شده به وسیله کارگزاران حکومت وقت، به دلیل سر دادن ندای حق طلبی، به شهادت رسید.

امام خمینی قدس سره دوران کودکی و نوجوانی را به سرپرستی مادر مؤمنش، بانو هاجرو عمه بزرگوارش، صاحبه خانم گذراند. قسمتی از معارف متداول روز و علوم مقدماتی و سطح را نزد معلمان و علمای منطقه فرا گرفت و در سال ۱۲۹۸ خورشیدی، عازم حوزه علمیه اراک شدو در سال ۱۳۰۰ خورشیدی، اندکی پس از هجرت آیت الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائرییزدی به قم، رهسپار حوزه علمیه قم شد و به ادامه تحصیل علوم حوزوی پرداخت.

هم زمان با فراگیری فقه و اصول، ریاضیات، هیئت فلسفه، عروض، قوافی و فلسفه اسلامی و غرب و عالی ترین سطوح عرفان نظری و عملی پرداخت. او طی سال های طولانی در حوزه علمیه قم، چندین دوره فقه، اصول، فلسفه و عرفان و اخلاق اسلامی تدریس کرد. در سال ۱۳۴۰ و ۱۳۴۱ ماجرای«انجمن های ایالتی و ولایتی» موجب شد وی رهبری نهضت اسلامی مردم

ص: ۱۱۹

ایران را به عهده گیرد که با تلاش های خستگی ناپذیر او این نهضت در سال ۱۳۵۷ به پیروزی رسیدو سرانجام در ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ پس از عمری تلاش و مجاهده، به ملکوت اعلی پیوست.

به امر امام، سازمان ها و نهادهای مختلفی شکل گرفتکه هر یک سهم در حفظ انقلاب و دست آوردهای آن در بازسازی کشور و دستگیری از مستمندان و گروه های آسیب پذیر داشتکه برخیاز آنها چنین اند:

۱. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی؛

۲. جهاد سازندگی؛

۳. بنیاد شهید؛

۴. بنیاد ۱۵ خرداد؛

۵. بنیاد جانبازان و مستضعفان؛

۶. نهضت سوادآموزی؛

۷. دادگاه ویژه روحانیت؛

۸. مجمع تشخیص مصلحت نظام.

ب) سیره

اشاره

ب) سیره

زیر فصل ها

یک _سیره عملی

دو _سیره کلامی

یک _سیره عملی

یک _سیره عملی

امام به آنچه داشت، قانع بود و چشمداشتی به مال دیگران نداشت و به درآمد مختصری که از املاک موروثی به دست می آمد، قناعت می کرد. او در یکی از محله های قدیمی و دور افتاده قم، در خانه ای با کمترین اجاره زندگی می کرد و در همین حال، از کمک به محرومان غافل نبود. پس از رحلت وی، با توجه به

ص: ۱۲۰

وصیت نامه ایشان معلوم شد که در مدت ۱۰ سال پس از انقلاب نیز در وجوه شرعی هیچ تصرفی نکرده بود. (۱)

دو _سیره کلامی

دو _سیره کلامی

بدون تردید انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام؟ره؟ سرآغاز تحولی بنیادین در بینش مسلمانان جهان درباره دین و مفاهیم دینی بود. این تحول پس از گذشت زمانی نه چندان طولانی، انوار و جلوه های بیداری و آگاهی ملت های مسلمان به ویژه محرومان زیر ستم را در دورترین نقاط گیتی نمایان کرد و به همان میزان نیز مستکبران و قدرتمندان را به وحشت انداخت، به گونه ای که درصدد برآمدند تا این انوار الهی را در همان مراحل آغازین خاموش کنند، غافل از آنکه «اللّهُ مُتِمّ نُورِهِ وَ لَوْ کَرِهَ الْکافِرُونَ» (صف: ۸)امروز اما انقلاب اسلامی، در مرحله سازندگی و توسعه در عرصه های گوناگون - به ویژه اقتصاد - قرار دارد.بنابراین، مطالعه و بررسی گفتار، رفتار و نوشتار امام راحل و برگرفتن نکته ها و رهنمودهاییاز آنها که بتواند در ترویج حمایت از تولیدات داخلی، موجب یاری رساندن تولیدکنندهومصرف کننده شود وکشور را به استقلال وخودکفایی برساند، ضروری و سودمند می نماید.

امام خمینی قدس سره، ترویج فرهنگ مصرف را نقشه حساب شده استعمارگران برای چپاول ثروت های مسلمانان می داند. ویبا آگاهی از شرایط اقتصادی دنیای معاصر، یکی از علت های توسعه نیافتگی جوامع مسلمان را وابستگی اقتصادی آنان می داند و برای رهایی مسلمانان از این بند و بحران ذلت آور،

۱- غلام علی رجایی، برداشت هایی از سیره امام خمینی قدس سره، ج ۲، ص ۴۲.

ص: ۱۲۱

عمل به آموزه های اسلامی را که متضمن زندگی شرافتمندانه است، چاره ساز می خواند.امام راحل معتقد بود:

از جمله نقشه ها که مع الأسف تأثیر بزرگی در کشورها و کشور عزیزمان گذاشت و آثار آن، باز تا حد زیادی به جا مانده، بیگانه نمودن کشورهای استعمارزده از خویش و غرب زده و شرق زده نمودن آنان است. قصه این امر غم انگیز طولانی و ضربه هایی که از آن خورده و اکنون نیز می خوریم، کُشنده و کوبنده استو غم انگیزتر اینکه آنان، ملت های ستم دیده زیرسلطه را در همه چیز عقب نگه داشته و کشورهایی مصرفی بار آوردند.

وارد کردن کالاها از هر قماش و سرگرم کردن بانوان و مردان، خصوصاً طبقه جوان، به اقسام اجناس وارداتی، از قبیل ابزار آرایش و تزئینات و تجملات و بازی های کودکانه و به مسابقه کشاندن خانواده ها و مصرفی بار آوردن هر چه بیشتر، که خود داستان های غم انگیز دارد و سرگرم کردن و به تباهی کشاندن جوان ها، که عضو فعال هستند... و ده ها از این مصائب حساب شده، برای عقب نگه داشتن کشورهاست.(۱)

وی همچنین اسلام را تنها راه نجات از فرهنگ مصرف زدگی و ستم پذیریمی داند:

وصیت مشفقانه می کنم که از اسلام، که یگانه استقلال و آزادی خواهی است و خداوند متعال همه را با نور هدایت آن به مقام والای انسانی دعوت می کند، چنانچه امروز وفادارید، در

۱- وصیت نامه موضوعی امام خمینی قدس سره، ص۲۸.

ص: ۱۲۲

وفاداری استقامت کنید، که شما را و کشور و ملت شما را از ننگ وابستگی ها و پیوستگی ها به قدرت هایی که شما را جز برای بردگی خویش نمی خواهند و کشور و ملت عزیزتان را عقب مانده و در بازار مصرف و زیر بار ننگین ستم پذیری نگه می دارند، نجات می دهد و زندگی انسانی شرافتمندانه را، ولو با مشکلات، بر زندگانی ننگین اجانب، ولو با رفاه حیوانی، ترجیح دهید و بدانید مادام که در احتیاجات صنایع پیشرفته، دست خود را پیش دیگران دراز کنید و به دریوزگی عمر را بگذرانید، قدرت ابتکار و پیشرفت در اختراعات در شما شکوفا نخواهد شد و به خوبی و عینیت دیدید که در این مدت کوتاه پس از تحریم اقتصادی، در همان ها که از ساختن هر چیز، خود را عاجز می دیدند و از راه انداختن کارخانه ها آنان را مأیوس می نمودند، افکار خود را به کار بستند و بسیاری از احتیاجات ارتش و کارخانه ها را خود رفع نمودند.(۱)

از نظر امام خمینی قدس سرهوظیفه جوانان و دولت ها در برابر فرهنگ مصرف زدگی چنین بود:

بر دولت ها و همه دست اندرکاران است، چه در نسل حاضر و چه در نسل های آینده، که از متخصصین خود قدردانی کنند و آنان را با کمک های مادی و معنوی تشویق به کار نمایند و از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایند و به آنچه دارند، بسازند تا خود همه چیز بسازند.و از جوانان، دختران و پسران، می خواهم که

۱- وصیت نامه موضوعی امام خمینی قدس سره، ص ۴۰.

ص: ۱۲۳

استقلال و آزادی و ارزش های انسانی را، ولو با تحمل زحمت و رنج، فدای تجملات و عشرت ها و بی بندوباری ها و حضور در مراکز فحشا، که از طرف غرب و عمّال بی وطن به شما عرضه می شود، نکنند؛ که آنان، چنان که تجربه نشان داده، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما و به بند استعمار و وابستگی کشیدنتان و مصرفی نمودن ملت و کشورتان، به چیز دیگر فکر نمی کنند و می خواهند با این وسایل و امثال آن، شما را عقب مانده و به اصطلاح آنان «نیمه وحشی» نگه دارند.(۱)

اکنون بازارهای کشورهای اسلامی، مراکز رقابت کالاهای غرب و شرق شده استو سیل کالاهای تزیینی مبتذل و اسباب بازی ها و اجناس مصرفی، به سوی آنها سرازیر شده است. همه ملت ها را آنچنان مصرفی بار آورده اند که گمان می کنند بدون این اجناس امریکایی و اروپایی و ژاپنی و دیگر کشورها زندگی نمی توان کرد. مع الأسف، مکه معظمه و جده و مشاهد مشرّفه حجاز، ... مملو از کالاهای بیگانگان و بازار برای دشمنان اسلام و پیامبر بزرگ شده است.(۲)

ما می خواهیم زندگی فقیرانه داشته باشیم، ولی آزاد و مستقل باشیم. ما این پیشرفت و تمدنی که دستمان پیش اجانب دراز باشد را نمی خواهیم.(۳)

۱- وصیت نامه موضوعی امام خمینی قدس سره، صص ۳۰ و ۳۱.

۲- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۳۴۴.

۳- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۲۰۹.

ص: ۱۲۴

من مطمئنم که ملت عزیز ایران، یک لحظه استقلال و عزت خود را با هزار سال زندگی در ناز و نعمت، ولو وابسته به اجانب و بیگانگان معاوضه نمی کند.(۱)

مردم باید تصمیم خود را بگیرند، یا رفاه و مصرف گراییا تحمل سختی و استقلال و این مسئله ممکن است چند سالی طول بکشد، ولی مردم ما یقیناً دومین راه را که استقلال و شرافت و کرامت است، انتخاب خواهند کرد.(۲)

ج) پیام

ج) پیام

امام خمینی قدس سره از شخصیت های کم مانند و بنام جهان اسلام بود که پس از سال ها مجاهده و مبارزه، در پرتو پیروزی انقلاب اسلامی، توانست مبانی نظری و فکری تمدن بزرگ اسلامی را در سخنان و نوشتار خود، در مقام رهبری نظام مستقل سیاسی و اقتصادی، تبیین کند.

۲۰. حضرت آیت الله سید علی حسینی خامنه ای

اشاره

۲۰. حضرت آیت الله سید علی حسینی خامنه ای

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

بیست و چهارم تیر ماه ۱۳۱۸ خورشیدی، برابر با ۲۸ صفر ۱۳۵۸ ه . ق دومین پسر حاج سید جواد حسینی خامنه ای، در مشهد مقدس چشم به جهان گشود. علی نامی بود که برای او برگزیدند.

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۵۶.

۲- صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۷۱

ص: ۱۲۵

سید علی خامنه ای از دوران کودکی در خانواده ای روحانی و روحانی پرور و پاک و صمیمی پرورش یافت و از چهار سالگی به همراه برادر بزرگ سید محمد، به مکتب سپرده شدند و در کنار هم دیگر دوران تحصیل ابتدایی را در مدرسه تازه تأسیس اسلامی «دارالتعلیم دیانتی» گذراندند.

پس از دوران دبیرستان، وی با انگیزه ای که خود آن را راه نورانی روحانیت پدر و تشویق های مادر عنوان کرده است، وارد حوزه علمیه شد. او دوره مقدمات و سطح را به طور کم سابقه و شگفت انگیزی در پنج سال و نیم به پایان رساندند. پدر، مرحوم سید جواد، در همه این مراحل نقش مهمی در پیشرفت این فرزند برومند داشت.

آیت الله خامنه ای از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۴۳ در حوزه علمیه قم به تحصیلات عالی در فقه و اصول و فلسفه مشغول شد و از محضر بزرگانی چون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، امام خمینی قدس سره، شیخ مرتضی حائرییزدی و علامه طباطبایی استفاده کرد.

در سال ۱۳۴۳، از نامه نگاری هایی که رهبر انقلاب با پدرش داشت، متوجه شد که یک چشم پدرش به علت بیماری آب مروارید نابینا شده است. بنابراین، بسیار غمگین شد و میان ماندن در قم و ادامه تحصیل در حوزه عظیم آن و رفتن به مشهد و مواظبت از پدر، مخیر ماند.

آیت الله خامنه ای به این نتیجه رسید که به خاطر خدا از قم به مشهد برود و از پدرش مواظبت کند. ایشان در مشهد از ادامه درس بازنماند و جز روزهای تعطیل یا مبارزه و زندان و مسافرت، به طور رسمی تحصیلات فقهی و اصول خود را تا سال ۱۳۴۷ در محضر استادان بزرگ حوزه مشهد به ویژه آیت الله میلانی ادامه داد.

ص: ۱۲۶

همچنین از سال ۱۳۴۳ که در مشـهد ماندگار شد و در کنار تحصیل و مراقبت از پدر پیر و بیمار، به تدریس کتاب های فقه و اصول و معارف دینی به طلاب جوان و دانشجویان نیز پرداخت.

آیت الله خـامنه ای به گفته خویش، «از شـاگردان فقهی، اصولی، سیاسـی و انقلابی امام خمینی قـدس سـره است»، اما نخستین جرقه های سیاسی و مبارزاتی و دشمنی با طاغوت را مجاهد بزرگ و شهید راه اسلام، شهید سید مجتبی نوّاب صفوی، در ذهن ایشان زده است.

هنگامی که نواب صفوی با عده ای از فداییان اسلام، در سال ۱۳۳۱ به مشهد رفت، در مدرسه سلیمان خان، سخنرانی بیدارکننده ای دربـاره موضوع احیـای اسـلام و حـاکمیت احکـام الهی و فریب و نیرنـگ شاه و انگلیسـی ها و دروغگویی آنان به ملت ایران، ایراد کرده بود. آیت الله خامنه ای که آن روزها از طلاب جوان مـدرسه سـلیمان خان بود، به شدت تحت تأثیر سـخنان نواب قرار گرفت، به گونه ای که برای وی نخستین جرقه های سیاسی و مبارزاتی با طاغوت زده شد.

آیت الله خـامنه ای از سـال ۱۳۴۱ که در قم حضـور داشت و حرکت انقلابی و اعـتراض آمیز امـام خمینی علیه سـیاست هـای ضـد اسـلامی و امریکاپسند محمدرضا شاه پهلوی آغاز گشت، وارد میدان مبارزات سیاسی شد و شانزده سال، با وجود فراز و نشیب های فراوان و شکنجه ها و تبعیدها و زندان ها مبارزه کرد و در این مسیر از هیچ خطری نترسید.

رژیم جنایتکـار پهلوی در اواخر سال ۱۳۵۶، آیت الله خامنه ای را دسـتگیر و برای مـدت سه سال به ایرانشـهر تبعید کرد. در اواسـط سال ۱۳۵۷ با اوج گیری مبارزه های عموم مردم مسلمان و انقلابی ایران، وی از تبعیدگاه آزاد شد و به مشهد مقدس

ص: ۱۲۷

بازگشت و در صفوف مقدم مبارزه های مردمی علیه رژیم پهلوی قرار گرفت. پس از پانزده سال مبارزه مردانه و مجاهده و مقاومت در راه خدا و تحمل سختی و تلخی نیز ثمره شیرین قیام، یعنی پیروزی انقلاب اسلامی ایران و سقوط خفت بار حکومتِ سراسر ننگ و ظالمانه پهلوی، برقراری حاکمیت اسلام در این سرزمین را چشید.

پایه گذاری حزب جمهوری اسلامی، معاونت وزارت دفاع، سرپرستی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، امام جمعه تهران، نماینده امام خمینی در شورای عالی دفاع، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، حضور فعال و مخلصانه در لباس رزم در جبهه های دفاع مقدس، کسب ریاست جمهوری با رأی بیش از شانزده میلیون نفر، ریاست شورای انقلاب فرهنگی، ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام و ریاست شورای بازنگری قانون اساسی، از مهم ترین فعالیت ها و سمت هایی است که رهبر انقلاب اسلامی بر عهده داشته است.

آیت الله خامنه ای در چهاردهم خرداد ماه ۱۳۶۸، پس از رهبر کبیر انقلاب، امام خمینی قدس سره، به وسیله مجلس خبرگان به مقام رهبری و ولایت امت انتخاب شد تا پس از رحلت امام، با شایستگی تمام، امت مسلمان ایران رهبری کند.

ب) سیره

ب) سیره

(۱) پیام به ملت ایران در تجلیل از امام راحل

۱۸/۳/۱۳۶۸

بیان و اندیشه

پیام

در این برهه حساس که دشمنان بیش از همیشه به خراب کاری در نظام جمهوری اسلامی می اندیشند، لازم است که به هوشیاری عمومی ملت، این توطئه نیز خنثی

ص: ۱۲۸

گردد. امروز بایـد علی رغم خواست دشـمن، چرخ هـای نظام جمهوری اسـلامی، بهتر و روان تر از همیشه حرکت کنـد. بایـد روند تولید داخلی، اعم از تولیدات کشاورزی و صنعتی شتاب گیرد و دستگاه های اداری و دولتی و نهادهای انقلابی، حوزه های علمیه و دانشگا ه ها و مراکز تحقیقاتی، مؤسـسات فرهنگی و هنری، روند حرکت خودکفایی در ارتش و سپاه و سایر مراکز تولیدی، مراکز کسب و پیشه وری و دیگر بخش هـای دولـتی و غیردولتی که به نحوی در اداره امور کشور و تـأمین نیازهـای حـال و آینـده جـامعه نقش دارند، با همتی بلندتر و انگیزه ای بیشتر از گذشته، به کار مشغول باشند.

لزوم شتاب در گسترش تولید داخلی

(۲) مراسم بیعت وزیر، معلمان و جمعی از دانش آموزان

۲۶/۳/۱۳۶۸

در صـحنه تولیدی، تولیدگران باید تا جایی که توان دارند، تولید کشور را بالا ببرند. بخش های اداری و دولتی باید با حسن عمل و جلب اعتماد مردم و با ارائه خـدمات مخلصانه به آنها، برکیفیت کارشان بیفزایـد و کسانی که در زمینه های فرهنگی برای مردم منبع الهام و ارشاد هستند، تلاش خود را اضافه کنند.

بایدهای تولیدگران

(۳) پیام به ملت ایران در اربعین ارتحال امام

۲۳/۴/۱۳۶۸

کـارگران و عناصـر فنی، کیفیت صـنعتی را تـا آنجـا که به دقت و دلسوزی در کار مربوط است، بالا برده، با روح ابتکار و اعتماد به نفس، نیاز کشور به محصولات و دانش فنی بیگانگان را کاهش دهند و پایه های صنعت اصیل ملی را

ص: ۱۲۹

استوار سازند و موجب شوند که مصرف کنندگان به محصولات داخلی اطمینان و علاقه پیدا کنند. همچنین راه به سمت صنعت پیشرفته و پیچیده را باز کنند و نشان دهند که استعداد و ابتکار ایرانی قادر است کشور را – حتی در صنایع پیشرفته – از دیگران بی نیاز سازد.

لزوم افزایش تولید ملی و دست یابی به محصولات داخلی

(۴) در دیدار با ائمه جمعه، مسئولان و اقشار مختلف

۱/۹/۱۳۶۸

ما باید از لحاظ اقتصادی هم خودمان را به طور کامل از زیر نفوذ قدرت ها خارج کنیم. یعنی ملت ما باید بتواند بنابر تشخیص و مصلحت خود، آن صنعت و کالا ـ و متاعی را که احتیاج دارد، در داخل کشور و با استفاده از منابع و امکانات موجود تولید کند. البته امروز ما هنوز برای این کار مشکلاتی داریم و ملت به آن حد نرسیده است که بتواند تمام نیاز های خود را در داخل بر آورده کند؛ زیرا در گذشته همه چیز این ملت به گونه ای بنا شده بود که همان قدرت ها وابسته باشد. صنعت دقیق ما که جای خود دارد، حتی کشاورزی ما را وابسته کردند و بیگانگان و قدرت های حاکم و رژیم منحط پهلوی و قبلی ها، کاری کردند که کشاورزی ما با پیشرفت های علمی دنیا ناآشنا باشد.

تأمین نیاز های داخلی

(۵) پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی قدس سره

۰۱/۰۳/۱۳۶۹

امروز آبروی اسلام در گروی آن است که ایران اسلامی به کشوری آباد تبدیل شود، کار و ابتکار در آن همه گیر شود،

ص: ۱۳۰

زنـدگی مردم سـر و سامـان یابـد، فقر و محرومیت ریشه کن شود، تولیـد داخلی با نیاز های مردم متعادل گردد، کشور در صـنعت و کشاورزی به خودکفایی برسـد، دشـمن از طریق احتیاجات زنـدگی مردم، راهی به اعمال فشار نداشـته باشد و خلاصه دین در کنار معنویت، زندگی مادی مردم را نیز سامان بخشد.

خودکفایی در صنعت و کشاورزی

(۶) سخنرانی در اولین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمه الله

۱۴/۳/۱۳۶۹

دومین نقطه ای که دشـمن به آن چشم دوخته، این است که ایران اسلامی نتواند به طور شایسته سازندگی کشور را انجام بدهد. این هم مایه امیـد دشـمنان است. آنها مایلنـد که دولت جمهوری اسـلامی نتوانـد در داخل کشور سازنـدگی را پیش ببرد، وضع زندگی مردم را سـرو سامان بدهد، تولید داخلی را افزایش بدهد، اتکای به خارج از کشور را کم کند و مردمان پا برهنه و مستضعف و فقیر را به سـر و سامان زندگی لازم اسـلامی برساند. آنها می خواهند دولت اسلامی توفیق این وظایف بزرگ را به دست نیاورد و نتواند این کارها را انجام دهد؛ به این آرزو چشم دوخته اند. اگر کشور اسـلامی با همت شـما مردم و با پیوند مستحکمی که بحمدالله بین شما و دولت هست، به وضع درخشانی نایل بیاید، اسـتعمار امریکا، دشمنان دل باخته ساده لوحی که چشم به دهان آنها دوخته اند و بعضی از گروه ها و جریان های داخلی، خلع سلاح خواهند شد.

تلاش دشمن در پیش گیری از افزایش تولید داخلی

ص: ۱۳۱

(۷) سخنرانی در دیدار با وزیر و جمعی از مسئولان و کارشناسان وزارت نفت

۱۲/۹/۱۳۷۰

بعـد از انقلاب، انقلاب و معلم انقلاب که امام بزرگوار ما بود، به ما ملت تفهیم کردنـد که ما می توانیم خودمان کار کنیم. خودمان تلاش کنیم، خودمان بسازیم، خودمان قاعـده سازنـدگی و تولیـد و مصـرف را که همان فرهنگ ماست، بنیان گـذاری کنیم. ما باید این را در همین دوران سازندگی هم به کار بگیریم. ما هرگز به داشته های دیگران پشت نمی کنیم. هر کسی هر چه دارد؛ چه علم؛ چه امکانات؛ چه تکنولوژی و موجودی فنی او وقتی که ناگزیر باشـیم، اگر بتوانیم همه آنها را در خـدمت هـدف های خودمان قرار بـدهیم، لحظه ای دریغ نخواهیم کرد. مـا همه اینهـا را بایستی وسـیله و پلی برای جوشانـدن اسـتعداد سازنـدگی از درون کشور قرار بدهیم. هر جا که می توانیم در داخل کشور تولید کنیم، بایستی این را بر اسـتفاده از مصنوعات خارجی ترجیح بدهیم. هر چیزی که در داخل کشور تولید می شود، برای ما مبارک تر از مشابه خارجی آن است؛ حتی اندکی بهتر از آنکه از دست گیری و دروازه ای از دروازه های کشور وارد بشود.

ترجیح ارزش تولیدات داخلی بر محصولات خارجی

(۸) سخنرانی در دیدار با جمعی از روحانیان ائمه جماعات و وُعاظ

۱۴/۱۲/۱۳۷۰

مردم ایران نمی دانند که مرحوم شیخ الشریعه اصفهانی – مرجع تقلید بزرگ ساکن نجف– فتوا داد که استعمال اجناس مصنوعی در داخل کشور لازم است و مردم باید از

ص: ۱۳۲

استفاده از مصنوعات خارجی اجتناب کنند، تا به این ترتیب دیگر در داخل کشور نفوذ نکنند. همه می دانند که در ژاپن، حدود صد سال پیش از این گفته اند که مردم حق ندارند از مصنوعات خارجی استفاده کنند، تا در داخل آن کشور چرخ اقتصاد به کار بیفتد، اما نمی دانند که در همان زمان، بلکه زودتر از آن، عین همین پیشنهاد و فتوا، از طرف مراجع و علمای شیعه صادر شد، منتها متأسفانه در داخل کشور، هیچ کس از سرجنبان ها و اهل قلم و اهل سیاست و روشن فکران کمکشان نکرد! فتوای میرزای شیرازی دوم- مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی- در مقابله با انگلیسی ها و فتوای تحریم انتخابات قلابی انگلیسی ها در عراق، نمونه ای دیگر از حضور علما در صحنه سیاست است. آن روز مرحوم شریعت اصفهانی فتوا داد که شرکت در انتخابات قلابی انگلیسی ها حرام است؛ کار سیاسی ازاین روشن تر، از این قوی تر، ازاین روشن بینانه تر؟ امروز مسئله آن انتخابات یواش یواش دارد از لا به لای کتاب ها خارج می شود! آن علما و مراجع، سلف صالح شما هستند. این است معنای آن مطلبی که امام بزرگوار ما مکرر می فرمودند که علما پیشوایان نهضت مردم علیه ظلم و استبداد در طول سالیان متمادی بوده اند و اینهاست که به شخصیت هایی مثل مرحوم سید حسن مدرس و مرحوم آیت الله کاشانی منتهی شد؛ اینها طلبه های همان مدرسه و شاگردان همان اساتید بودند که این طور در ایران درخشیدند.

توصیه علما به استفاده از تولیدات داخلی

ص: ۱۳۳

(۹) سخنان مقام معظم رهبری در دیدار کارگران و فرهنگیان کشور

۱۵/۲/۱۳۷۲

شرط دیگر این است که در محیط کار و تلاش اقتصادی کشور، ابتکار وجود داشته باشد. من عرض می کنم چه خوب است کارخانه هایی که در کشور ما وجود دارد؛ چه آنهایی که در اختیار دولت است و چه آنهایی که در اختیار مردم است.

امروز تعداد زیادی از واحد های تولیدی در اختیار مردم و مال خود مردم است، یک مقدار از درآمدشان را برای تحقیق، برای پیشبرد کار و برای کیفیت بخشیدن به کالای تولیدی شان صرف کنند. چرا ما باید بنشینیم که دیگری در اروپا، یا در یک گوشه دیگر دنیا تحقیقی بکند و ما از او یاد بگیریم؟! مگر ما کمتر از آنها هستیم؟! مگر ما کمتر می فهمیم؟! پس باید تحقیقات کنند، ابتکار کنند، تولید را جلو ببرند، صنعت را جلو ببرند، تولید را از لحاظ کیفیت و کمیت بالا ببرند، این هم یک شرط؛ ابتکار داشتن و نوآوری.

همراهی تولید با تحقیق

(۱۰) ابلاغ سیاست های کلی برنامه دوم توسعه

۱۸/۸/۱۳۷۲

گسترش تولید داخلی، به ویژه در زمینه کشاورزی و تأمین نیاز های اساسی جامعه و کاهش واردات اجناس مصرفی و غیر ضروری، همراه با افزایش کیفیت فرآورده ها در کشور و توسعه صادرات غیر نفتی.

لزوم گسترش تولید داخلی

ص: ۱۳۴

(۱۱) سخنان مقام معظم رهبری در دیدار کارگران و معلمان

۱۳/۲/۱۳۷۳

امروز که شما نگاه کنید، می بینید مصنوعات داخلی ما در موارد بسیاری، بهتر از مصنوعات خارجی است. البته آدم های اهل سود، یعنی کسانی که فقط به فکر جیب و سود خود هستند و هیچ غیرت ملی و دینی و ارزش اجتماعی ملت ایران در دنیا توجه نمی کنند، بر بعضی از مصنوعات داخلی ما مارک کارخانجات یا فروشگاه های معروف دنیا را می زنند و آنها را در بازار های اروپایی به معرض فروش می گذارند. آنها از این کاسبی فقط به پولی که می توانند به دست آورند، فکر می کنند؛ درحالی که این اجناس در کشور ما با سرانگشتان ظریف هنرمند ایرانی، چشم تیزبین ایرانی، مغز تیز ایرانی و استعداد والای ایرانی به وجود آمده است.

تولیدات داخلی با دقت ایرانی

(۱۲) رهنمودهای مقام معظم رهبری در دیدار با رئیس جمهور و هیئت وزیران

۸/۶/۱۳۷۴

تکیه بر توان و امکانات داخلی نیز از همین مقوله است. تا آنجا که بتوانیم، باید کشور را از مسئله نفت جدا کنیم که البته این هم محسوس است. آن طور که من در آمار ها دیدم، به نظرم رشد صادرات غیر نفتی ما در سال ۷۳ از رشدی حدود بیست درصد برخوردار بوده است که رشد خیلی بالایی است. در همین جهت پیش بروید و کاری کنید که ما بتوانیم از تنوع در تولید اقتصادی و صادرات و

ص: ۱۳۵

استفاده داخلی کشور برخوردار باشیم و ان شاءالله از همه ظرفیت های کشور استفاده کنیم.

لزوم تنوع در تولید داخلی

(۱۳) سخنان رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با مردم مشهد

۴/۱/۱۳۷۵

ما ثروت، منابع طبیعی و تولیـدات داخلی زیاد داریم، امکانات تولید ثروت در داخل کشور، خیلی زیاد است. روزی به خاطر جنگ، این کـار هـای عملی نبود، بحمـدالله امروز عملی است؛ بایـد هم انجـام گیرد و انجام دهنـد. دولت هم این کار را می کنـد، بایـد هم بکنـد. مـا هم اخیراً اعلاـم و ابلاـغ کرده ایم که این کـار شـروع شود و مقـدمات کار، در حال انجام است. ممکن است این طرح در مـدت یـک سـال، دو سـال، سه سـال یا پنـج سال نتیجه بدهـد. اگر به فضل پروردگار، چنین شود، بسـیاری از مشـکلات این کشور کاهش پیـدا خواهـد کرد. به شـرط اینکه همه ملت، همه کسانی که بازوی توانا، فکر و قلم فعال، زبان گویا و دل بیدار دارد، پشـت در پشت، با همین وحدتی که امروز در میان این ملت است، تلاش کنند و نگذارند مردم تقسیم شوند.

لزوم همراهی دولت وملت در افزایش تولیدات و کاهش مشکلات

(۱۴) سخنرانی رهبری در دیدار کارگران و معلمان

۱۰/۲/۱۳۷۶

اروپا خیال نکند که ما به او احتیاج داریم؛ ابداً. ما به اروپا هیچ احتیاجی نداریم. ما کشور خودمان را می توانیم بدون اروپا هم اداره کنیم. حالاـ فرض کنیـد، اگر چهـار قلم کالاـی لوکس و تجملاـتی از فلاـن جا می آیـد، می شود و اگر هم چیزی باشـد که ما لازم داشته باشیم، خیلی از کشور ها هستند که

ص: ۱۳۶

صف کشیده اند به ما بفروشند. چه نیازی به این دولت کشور اروپایی است که خیال می کنند صاحب دنیا هستند؟!

توانایی اداره کشور با تولیدات داخلی

(۱۵) ابلاغ سیاست های کلی برنامه پنج ساله سوم

۳۰/۲/۱۳۷۸

فراهم ساختن امنیت قضایی و خودکفایی در کالا های اساسی، به وسیله افزایش تولید داخلی به ویژه در زمینه کشاورزی

افزایش تولید داخلی، زمینه امنیت قضایی

(۱۶) رهنمودهای رهبری در خطبه های نماز جمعه تهران

۹/۷/۱۳۷۸

اخلاق های پیش برنده یک ملت، امید و تحرک و جدیت است. ملتی که ناامید باشد، ملتی که از آینده خود مأیوس باشد، ملتی که خود را تحقیر کند، پیشرفت نخواهد کرد. هر جنسی که گفته می شد در داخل تولید شده است، خود این داخلی بودن، معنایش این بود که ارزشی ندارد! خود افراد، تحصیل کرده ها، دیگران، به هم می گفتند که ایران یک لولهنگ آن آفتابه های گلی قدیمی هم نمی تواند بسازد! یعنی نسل پیشرفته علمی هم نسبت به آینده علمی این کشور نا امید بود. این، آن مشکل اخلاقی است.

بی اخلاقی، منشاء بی توجهی به تولید داخلی

(۱۷) دیدار با مسئولان وزارت خانه های صنایع و بازرگانی

۱۰/۴/۱۳۸۰

جنس قاچاق، تولید داخلی را تضعیف، اشتغال ناسالم را ترویج و اشتغال سالم را محدود می کند. بخش بازرگانی و بخش تولید و صنعت می توانند به هم کمک کنند. بازرگانی کشور می تواند در خدمت ترویج تولیدات داخلی قرار گیرد. ما بحمد الله در بخش های مختلف اقتصادی و در اصناف مختلف، انسان های مؤمن، خدوم، علاقه مند و دلسوز زیاد

ص: ۱۳۷

داریم؛ چرا باید به این انگیزه های پاک و مطهر بدبین بود؟ همین اصناف و بازار، کسانی بودند که در دوران اختناق به این نهضت کمک کردند. امام فرمود، اصناف بازوی قدرت مند نهضتند؛ همین طور هم بود. اینها تلاش و مجاهدت کردند. تاجر و کاسب بازاری، سرمایه خودش را در معرض تطاول مأموران بی انصاف رژیم سفاک گذشته قرارداد، برای اینکه به مرجع تقلید و به دین خود و نهضت اسلامی کمک کند. اینها را نباید فراموش کرد.

قرار گرفتن بازرگانی در خدمت تولید داخلی

(۱۸) در دیدار با کارگزاران نظام

۱۵/۵/۱۳۸۲

پیوستن به سازمان تجارت جهانی، از نظر من کاری است مثبت، اما هنگامی که ما زیرساخت های لازم را برای این کار داشته باشیم، که الان این را نداریم. ا لان برداشتن تعرفه ها و رفتن داخل سازمان تجارت جهانی، یعنی هضم شدن در یک اقتصاد برتر، بدون امکان رقابت، یعنی کم شدن و غرق شدن؛ یعنی همین تولید داخلی را هم که تا امروز با زحمت و خون دل فراهم شده، از دست دادن و نابود کردن.

لزوم حفظ تولید داخلی در تجارت جهانی

(۱۹) سخنرانی رهبری در اجتماع بزرگ مردان همدان

۱۵/۴/۱۳۸۳

ضلع سوم این است که مناسبات اقتصادی و اجتماعی سلامت پیدا کند. این هم برعهده مسئولان است - بر عهده دولت، قوه قضاییه و مجلس شورای اسلامی - و هم بر عهده آحاد مردم است. مناسبات اقتصادی و اجتماعی غلط، یعنی چه؟ یعنی رواج قاچاق، رباخواری، مصرف گرایی افراطی و گرایش به تفاخر در استفاده از

ص: ۱۳۸

مصنوعات خارجی، در مقابل نمونه های داخلی، که معنایش این است که کارگر ایرانی را به نفع کارگر خارجی بی کار می کند. باید افتخار به استفاده از مصنوعات داخلی در مردم و مسئولان بیدار شود. در درجه اول خود مسئولان و دستگاه های دولتی و قوای سه گانه و در درجه بعد، آحاد مردم به این نکته توجه کنند و اهمیت دهند.

افتخار به تولیدات داخلی

(۲۰) در دیدار با پیشکسوتان جهاد وشهادت

۳۱/۶/۱۳۸۴

شما می دانید در دوره پهلوی یکی از رایج ترین تبلیغات، «نمی توانیم» بود، همه ما از بچگی این طور بار آمده بودیم که جنس ایرانی، مساوی است با بد بودن، پست بودن و نامرغوب بودن. ایرانی مساوی است با ناتوانی در تولید جنس خوب در همه زمینه ها. اصلاً این فرهنگ را در ذهن ملت ما نهادینه کرده بودند. این در حالی است که این موضوع ۱۸۰ درجه با واقعیت فرق دارد. این ملت، ملتی است که از همه جهت می تواند، می تواند تولید کند؛ می تواند رشد بدهد؛ می تواند ابتکار کند و می تواند مرزهای علم و فن آوری را بشکند و جلو برود.

غیر واقعی بودن شعار ناتوانی ایرانی

(۲۱) سخنرانی رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی

۱/۱/۱۳۸۵

تولید یعنی چه؟ مقصودم فقط تولید کالا نیست، تولید در یک گستره وسیع، باید شعار ملت باشد. تولید کار، تولید علم، تولید فن آوری، تولید ثروت، تولید معرفت، تولید فرصت، تولید عزت و منزلت، تولید کالا و تولید

ص: ۱۳۹

انسان های کار آمد، اینها همه تولید است. رمز سعادت ملت ما در این است که در این گستره وسیع، هم دولت و هم ملت، براین تولید همت بگماریم. این تأمین کننده امنیت ملی و اقتدار و پیشرفت کشور است؛ این یک جهاد است.

من امروز به شما عرض می کنم، هم به مسئولان و مأموران دولتی و هم به آحاد مردم، به خصوص به شما جوان ها، این یک جهاد است. امروز تولید علم، تولید کار، تولید ابتکار، تولید کالا؛ کالای مورد نیاز مردم، تولید انسان کارآمد، تولید فرصت و تولید عزت، هرکدام از اینها یک جهاد است. مجاهد فی سبیل الله، تولیدکننده است. باید هم علم را بیاموزیم و هم علم را تولید کنیم. ما باید یک کشور عالم بشویم. در یک روایتی از امیرالمؤمنین نقل شده است که فرمود: «اَلعلمُ سلطان، مَنْ وَجَدَهُ صالَ ومَنْ لَمْ یجدهُ صیل علیه»، یعنی علم اقتدار است، علم مساوی است با قدرت؛ هر کسی که علم را پیدا کند، می تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که عالم باشد، می تواند فرمانروایی کند؛ هر ملتی که دستش از علم تهی باشد، باید خود را آماده کند که دیگران بر او فرمانروایی کنند. ما باید علم را با همه معنای کامل آن به عنوان یک جهاد دنبال کنیم. این را من به جوان ها، استادان و دانشگاه ها می گویم. علاوه بر این، علم مجرد و به تنهایی هم کافی نیست؛ علم را باید وصل کنیم به فن آوری؛

ص: ۱۴۰

فن آوری را باید وصل کنیم به صنعت و صنعت را باید وصل کنیم به توسعه کشور. صنعتی که مایه توسعه و پیشرفت کشور نباشد، برای ما مفید نیست. علمی که به فن آوری تولید نشود، فایده ندارد و نافع نیست. وظیفه دانشگاه ها سنگین است، و ظیفه آموزش و پرورش سنگین است؛ وظیفه مراکز تحقیقاتی و مراکز پژوهشی سنگین است.

تولیدات داخلی در همه عرصه ها، زمینه ساز اقتدار کشور

(۲۲) سخنرانی رهبری در دیدار با کارگزاران نظام

۲۹/۳/۱۳۸۵

ما احتیاج داریم که از سرمایه گذاری حمایت بشود؛ کار آفرینی بشود؛ تولید داخلی ترویج بشود؛ با قاچاق و فساد مجدانه مبارزه بشود؛ اشتغال به عنوان یک مبنای اصلی و یک هدف مهم دنبال بشود؛ ثبات و شفافیت و انسجام سیاست ها و مقررات اقتصادی انجام بشود. مقررات اقتصادی ای که امروز یک چیز بگوییم، فردا عوضش بکنیم، فایده ای ندارد. مقررات اقتصادی و قوانین ما باید هم ثبات داشته باشند که مردم بتوانند روی آن برنامه ریزی کنند، هم باید منسجم باشد و با هم بخواند و شفاف باشد. بازار یابی جهانی، یکی از مهم ترین وظایف برای رونق اقتصادی کشور است - که جزو کارهایی است که ما نکرده ایم و جزو کم کاری های ماست - و اطلاع رسانی کامل از فعالیت ها و برنامه ها، ما بایستی اینها را در نظر داشته باشیم. البته برنامه های راهبردی اساسی کشور نباید از نظر دور بماند.

احتیاج کشور به حمایت از سرمایه گذاری و تولیدات داخلی

ص: ۱۴۱

(۲۳) سخنرانی رهبری در دیدار با جمعی از معلمان، پرستاران و کارگران

۹/۲/۱۳۸۸

ما بایـد فرهنـگ کشور خودمان را به سـمت ترویـج تولیـد داخلی تنسـیق و تنظیم کنیم و پیش ببریم. این خیلی چیز مهمی است. در گذشـته، سـال هـای متمـادی این فرهنگ به ملت ما تزریق شـده است که به دنبال مصـنوعات و ساخته های بیگانه و خارجی برونـد. وقتی گفته می شـد این جنس خـارجی است، این یـک استـدلال تـام و تمامی بود برای بهتر بودن و مرغوب تر بودن این جنس. این فرهنـگ بایـد عوض شود. البته کیفیت تولیـد داخـل در این مؤثر است. تبلیغ نکردن بی جا و بی رویه تولیـدات خارجی در این مؤثر است. تشویق کارآفرینی داخلی در این مؤثر است. وجـدان کاری در کننـده کار - چه کارگر ساده یا کارگر مجرب یا مهندس کار - در این مؤثر است، دولت نقش دارد؛ مسئولین نقش دارند؛ خود کارگر نقش دارد؛ کارآفرین نقش دارد و تاجر واردکننده کالای خارجی نقش دارد. همه بایـد دست به دست هم بدهنـد تا تولیـد داخل رجحان پیدا کند؛ ارزش پیدا کند و فرهنگی برجامعه ما و بر ذهن های ما حاکم شود که مصـرف کردن تولید داخلی را ارزش بدانیم. ما به قیمت به کار واداشـتن یک کارگر بیگانه که تولید او را مصـرف می کنیم، یک کارگر داخل کشور را بی کار می کنیم. همه مسـئولین کشور، سـیاست گذاران کشور، مسـئولان تبلیغات کشور، خود کارآفرینان، خود کارگران، دولت،

ص: ۱۴۲

بخش های مربوطه به این نکته باید اهمیت بدهند.

امروز، خوشبختانه بسیاری از محصولات و مصنوعات داخل کشور برتر و گاهی بسیار برتر از مشابه های بیرونی و خارجی است. چرا ما باید نسبت به مصنوعات خودمان بی اعتنا باشیم؟ گذشت آن روزی که وابستگان به دستگاه قدرت، به دست خودشان، با بیانات زهرآگین خودشان تلقین می کردند که ایرانی قادر به تولید و ساخت نیست. آنها ایران را عقب انداختند. آنها به روح ابتکار و شوق کار، در کشور لطمه زدند. انقلاب آمد، وضع را عوض کرد. امروز جوانان ما پیچیده ترین کارها را دارند انجام می دهند. این همه زیرساخت در کشور به وجود آمده است برای کارهای بزرگ؛ این همه کارهای پیچیده فنی با ذهن و ابتکارات جوان ایرانی دارد انجام می گیرد. مسئولین دنبال این کارند. امروز باید رو بیاورند همه به سمت مصنوعات و تولیدات داخلی؛ این باید یک فرهنگ شود.

تلاش در تغییر فرهنگ پذیرش کالای خارجی و کوشش در تبلیغ محصول داخلی

(۲۴) رهنمودهای رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم رضوی

۱/۱/۱۳۸۹

همت مضاعف و کار بیشتر، در کیفیت بخشیدن به تولیدات داخلی، یکی از کارهای اساسی ایران است. ما امروز تولیدات داخلی زیادی داریم. هم در زمینه صنعت، هم در زمینه کشاورزی، باید به کیفیت اینها اهمیت بدهیم؛ کیفیت اینها را بالا ببریم. باید جوری باشد که مصرف کننده احساس کند آنچه در کشورش تولید می شود،

ص: ۱۴۳

به دست کارگر ایرانی تولید می شود، از لحاظ کیفیت یا بهتر از نوع خارجی است یا لااقل هم سطح آن است.

همت و تلاش در افزایش کیفیت کالای داخلی

(۲۵) سخنرانی رهبری در دیدار با کارگزاران نظام

۲۷/۵/۱۳۸۹

ما بایـد تولیـد ملی را افزایش دهیم؛ تقویت کنیم. به مصـرف تولیـدات داخلی عادت کنیم؛ به بالا بردن کیفیت تولیـدات داخلی، که البته در این مورد مسئولین دولتی و همچنین قانون گذاران وظایف سنگینی دارند. من نسبت به مسئله مدیریت واردات، به دولتی ها سفارش کردم، الان هم تأکیـد می کنم: من نمی گویم واردات متوقف بشود؛ چون یک جاهایی لازم است که واردات انجام گیرد، امـا واردات بایـد مـدیریت شود؛ یـک جـایی واردات مطلقـاً نبایـد بشود، یک جاهایی بایـد انجام بگیرد. با مـدیریت، واردات انجام بگیرد. البته مسئولین محترم دولـتی به من گفتنـد که قـوانینی که در مجلس تصـویب کرده، به مـا اجـازه نمی دهـد جلو واردات را بگیریم. من خـواهش می کنم این قضـیه را حـل کننـد. اگر واقعاً قـانونی وجـود دارد که دولت را ممنـوع می کنـد از جلوگیری از واردات، این قانون را اصلاح کنند؛ جوری باشد که مدیریت بشود. باید تولید ملی را بالا برد.

مدیریت واردات، برای بالا رفتن تولید ملی

(۲۶) در دیدار با کارگران سراسر کشور

۷/۲/۱۳۹۰

مـا بایـد کـاری کنیم که کالاـی ایرانی به عنوان یک کالای محکم، مطلوب، زیبا، همراه با سـلیقه و بادوام، در ذهن مصـرف کننـده ایرانی و غیر ایرانی باقی بماند. این باید

ص: ۱۴۴

همت مجموعه کارآفرینی و کارگری و متصدیان این امر باشد. البته این کار، پیش نیازهایی دارد. ممکن است آموزش مهارت های لازم، دوره های ایجاد مهارت لازم باشد – که اینها کار دستگاه های دولتی و امثال دولتی است – لیکن باید هدف این باشد. کارگر ایرانی آنجایی که ذوق خود را به کار می برد، سلیقه خود را به کار می برد و سرپنجه ماهر خود را به کار می برد، کار جالب و تماشایی از آب در می آید.

همت در دست یابی به تولید کالای مطلوب

(۲۷) ابلاغ سیاست های کلی اشتغال

۲۸/۴/۱۳۹۰

ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی و استفاده از تولیدات داخلی، به عنوان ارزش اسلامی و ملی، با بهره وری از نظام آموزشی و تبلیغی کشور.

لزوم ترویج فرهنگ کار و تولید

(۲۸) بیانات رهبری در تحویل سال ۱۳۹۱

۱/۱/۱۳۹۱

امسال را سال رونق تولید داخلی قرار بدهند. بنابراین، شعار امسال، «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» است. ما باید بتوانیم از کارِ کارگر ایرانی حمایت کنیم، از سرمایه سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم و این فقط با تقویت تولید ملی امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران، تقویت چرخه تولید و اتقان در کار تولید است و سهم مردم ــ که به نظر من از همه اینها مهم تر است ــ مصرف تولیدات داخلی است. ما باید عادت کنیم، برای خودمان فرهنگ کنیم، برای خودمان

ص: ۱۴۵

یـک فریضه بـدانیم که هر کالا-یی که مشـابه داخلی آن وجود دارد و تولیـد داخلی متوجه به آن است، آن کالا- را از تولیـد داخلی مصـرف کنیم و از مصرف تولیدات خارجی به جد پرهیز کنیم؛ در همه زمینه ها: زمینه های مصارف روزمره و زمینه های عمده تر و مهـم تر. بنـابراین، مـا امیـدوار هسـتیم کـه بـا این گرایش، بـا این جهت گیری و رویکرد، ملت ایران در سـال ۹۱ هم بتوانـد بر توطئه دشمنان، بر کید و مکر بدخواهان در زمینه اقتصادی فائق بیاید.

سهم دولت، سرمایه دار و مردم در افزایش و رونق تولید داخلی

ص: ۱۴۶

دوم:نخبگان ملی

اشاره

دوم:نخبگان ملی

نخبگـان جوامع، انسـان هـایی برگزیـده و زبـده در جوامع هسـتند کـه در زمینه هـای گونـاگون یـا در عرصه ای خـاص و محـدود اثرگذارند و می توانند همه جامعه یا بخشی از آن را در سمت وسوی مشخص هدایت کنند. به دیگر سخن، هدایت گران هر جامعه را می توان «نخبه» نامیـد. هر چنـد زبـدگان و اثرگـذارانییافت می شونـد که سـعادت ملت را فـدای امیال شخصـی می کنند، نباید از معـدودنخبگان و سـرآمدانی گذشت که هستی، آبرو، مال و دارایی خود را در راه احیای جامعه روی دست می گیرند. اینان اگرچه در اقلیت به سر می برند، هرزمان که زمینه فراهم باشد، وارد عرصه عمل می شوند و فعالیت ها و اقداماتی انجام می دهند که نه تنها در زمان خود و به صورت کوتاه مـدت، که گاه تا سال ها و دهه های بعـد، نسل های پی درپی از آن بهره منـد می شونـد. آنچه در این بخش آمـده، نگـاهی است کوتـاه و گـذرا به زنـدگی و سـیره برخی از آنـان که تلاش مانـدگارشان بر خودکفایی ایران و خود باوری ایرانیان اثرگذاشـته است. بدیهی است نخبگان ملی ایران، بسـیار فراوان تر از این معدودند و پرهیزاز به درازا کشـیدن سـخن، موجب بسـنده کردن به اینان گردید. افزون بر آن، معرفی وتبیین سیره نخبگان ملی، به صورت طبیعی، بیان گر پذیرش تمام عیار آن شخصـیت و خالی از نقص وعیب دانسـتن او نیست. به هرحال، بایـد دانست زبـدگان جوامع به ویژه در جامعه اسـلامی می توانند به فراخورحال خویش، سعادت جامعه را رقم زنند.

۱. رشیدالدین فضل الله همدانی

اشاره

۱. رشیدالدین فضل الله همدانی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

رشیدالدین فضل الله همدانی، معروف به رشیدالدین طبیب، پزشک، تاریخ نویس، حکیم و وزیر دربار ایلخانان در سده های هفتم و هشتم ه . ق است.

ص: ۱۴۷

او در سال ۶۴۸ه . ق در همـدان به دنیا آمـد. جـد بزرگ و پدران او همگی به شـغل عطاری و طبابت مشـغول بودند. پدر بزرگش، موفق الدوله، به همراه جمعی از پزشکان و دانشمندان، نزد حاکمان اسماعیلی کوهستان، در قلعه الموت زندگی می کردند. همزمان با فتح قلعه الموت، موفق الدوله نیز به همراه دیگر دانشمندان، به خدمت هلاکوخان مغول در آمد.(۱)

او علم طب را نزد خـانواده خویش در همـدان فرا گرفت و نخستین بـار به عنوان طبیب، به دربـار آباقاخـان پیوست. در عهـد ارغون خان وگیخاتوخان، به مدارج بالایی مانند وزارت رسید. این دانشمند ایرانی در قرن هفتم و هشتم ه . ق طی سال های ۶۹۷ تا ۷۱۸ه . ق وزیر سه ایلخـان مغول، غـازان خان، الجایتو و ابوسـعید بوده است. در سال ۷۱۶ه . ق ابوسـعید، فرزند دوازده ساله اولجایتو، بنا به وصـیت پدر به سـلطنت رسـید. خواجه رشید با فرستادن فرزندش به پیشواز ابوسعید، تلاش کرد به او و امیر چوپان نزدیک شود و تا حـد زیـادی هم موفق شـد. این موضوع، تاج الـدین علی شاه را بیمناک کرد و او پیوسـته می کوشـید که قـدرت رقیب را کم کنـد. دشـمنیمیان دو وزیر، مـوجب ایجـاد اختلاـل در کارهـای دیوانی شـد. سـرانجام، گروهی از بزرگـان و اشـخاص بـا نفوذ دسـتگاه، با یکـدیگر متحـد شدنـد که یکی از آن دو را از میان بردارند. ابتدا نزد خواجه رشـید رفتند و او را بر ضد وزیر دیگر تحریک کردند. خواجه رشـید زیر بار این توطئه نرفت. سپس پیش تاج الدین علی شاه رفتند و خواستار آن شدند که به اتفاق، رشیدالدین را از میان بردارند و او نیز پذیرفت و توطئه کارگر افتاد. خواجه در سال ۷۱۷ ه . ق از مقام وزارت عزل شد و از سـلطانیه به تبریز رفت، اما بعد از مدتی، امیر چوپان با اصرار، او را به مقام وزارت دعوت کرد. این

۱– عباس اقبال آشتیانی، تاریخ مفصل ایران از استیلای مغول تا اعلان مشروطیت، ص ۴۸۸.

ص: ۱۴۸

موضوع موجب وحشت تاج الدین علی شاه و هم دستانش شد. بنابراین، او را متهم ساختند که با کمک فرزندش ابراهیم _شربتدار اولجایتو _ سلطان را به قتل رسانده است. چندین شاهد را نیز به رشوه فریفتند تا بر این موضوع نزد سلطان شهادت دادند. سلطان ابوسعید نیز فرمان قتل خواجه و فرزندش را صادر کرد. بدین ترتیب، در جمادی الاول سال ۷۱۸ه . ق در قریه خشکذر، حوالی تبریز، ابتدا فرزند را پیش پدر گردن زدند و سپس جلاد، خواجه را به رسم مغولان از وسط به دو نیم کرد.(۱)

ب) سیره

ب) سیره

در مشی عملی رشیدالدین در اداره مملکت، مهم تر از همه توجه او به بهبود وضع مردم و رفاه خلق است.هدف او از اجرای این سیاست، بیش از هر چیز پیشرفت اقتصادی وآبادانی مملکت و بالاتر از آن، تثبیت وضع حکومت و تأمین دوام دولت بود. خواجه در نامه های خود به منصوبانش، در باب اصلاح امورِ مردم، سفارش می کند و مضمون عموم نامه های وی که بیشترشان جنبه حکومتی دارند، همین موضوع است و این را سبب عمده آبادانی ولایت و حفظ رعیت و دوام دولت می داند.

بنابراین، آبادانی و عمران در کنار دادگری، عامل بقای ملک و دوام سلطان است. خواجه نیز از این نظر در تاریخ ممتاز است که هم به وجه نظری و هم وجه عملیاین امور اهتمام داشت.

به نظر می رسد که خواجه رشیدالدین در زمان خود، اقتصاددان بزرگیبود و توانست در دوران وزارتش اوضاع نابسامان اقتصادی ایران را تا حدودی بسامان

۱- شیرین بیانی، دین و دولت در ایران عهد مغول، صص ۵۰۶ و ۵۰۷.

ص: ۱۴۹

کند و تجارت و تولید را رونقی دوباره بخشد. اصلاحات و فعالیت های اقتصادی خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، جنبه ها و آثار مختلف و گسترده ایداشته است. توسعه کشاورزی و زراعت، تنظیم و اصلاح نظام مالیاتی، علاقه به آبادانی روستاها، توسعه سیستم آبیاری، تنظیم قوانین برای جلوگیری از ستم به رعایا، توسعه وقف و ایجاد موقوفات بسیار برای امور عام المنفعه، توسعه و رونق شهرها، توجه بیشتر به حال رعایا برای اقامت در آبادی ها و زراعت و کشاورزی، ایجاد اصلاحات اساسی در نظام اقطاع در دوره غازان خان، تأسیس ربع رشیدی با ابعاد بسیار مهم اقتصادی، تأسیس دیوان هایهمیشگی مالیات و ایجاد امنیت در شهرها و روستاها و راه ها برای بازرگانی، برخیاز آثار مهم برنامه های اقتصادی خواجه رشیدالدین بود که به گفته خود رشیدالدین و وصاف الحضره (یکی از مورخان دوران مغول است که تاریخ وصاف الحضره، تألیف وياست»، (۱) همه این اصلاحات، موفقیت آمیز بوده است و توانست تا حدی آثار وحشتناک ایلغار مغولان را برطرف سازد.

خواجه رشیدالدین فضل الله به کشاورزی و زراعت علاقه زیادی داشت و دلیل آن هم، عایدات کشاورزی بوده است. از وقف نامه ربع رشیدی و نامه های او معلوم می شود که به علم کشاورزی هم علاقه خاصی نشان داده و ایلچیانی به چین و هند روانه کرده است تا تخم محصولاتی را که مخصوص آنها بوده، به تبریز آورند و در این شهر از همه سرزمین ها، انواع درختان میوه دار و ریاحین و حبوبات، نهال و شاخ آنها را پیوند زده و به زور، آنها را به وجود آورده است.(۲)رشیدالدین ضمن توسعه دادن به

۱- آن، لمپتون، تاریخ میانه ایران، ترجمه: یعقوب آژند، فصول چهارم تا هفتم.

۲- آن، لمپتون، تاریخ میانه ایران، ترجمه: یعقوب آژند، فصول چهارم تا هفتم.ص ۱۹۷.

ص: ۱۵۰

بعضی از شهرها، مناطق کشاورزی و روستاهای زیادی به وجود آورد. در هویزه، کردها و اعراب و لرها را اسکان داد و آبادانی را بدان ناحیه ها بازگرداند. همچنین با تلاش وی، دولت به سنت های کهن کشاورزی به عنوان پایه سعادت مملکت، روی آورد. وی تلاش کرد تا معیشت کشاورزی و زراعی را بر معیشت خانه به دوش مسلط کند و چادرنشینان را به نظارت و کنترل خود در بیاورد.(۱)

خواجه رشیدالدین همچنین از هرج و مرج و فساد دستگاه مالیات و اهمال کاریوزرا و والیان محلیو همکاری شان برای فریب حکومت، پیش از اصلاحات دوران غازان، تصویر روشنی ارائه داده که عامل بدبختی رعایا و فرار آنان بوده اند. وی برای اصلاح این وضعیت تلاش زیادی انجام داد و تا حدود زیادی هم موفق بوده است. درباره تأثیر اصلاحات رشیدالدین در دوران غازان خان باید گفت که با اصلاحات دولت، تا حدی در روستاها امنیت برقرار و اسکان به سرعت عملی شد و ارزش زمین ها وبناهای کشاورزیگویا به ۱۰برابر رسید.

بار دیگر وصول مالیات ها به صندوق دولت مرتب و تنظیم شد و وضع مالی دولت، به طرز بی سابقه ای بهبود یافت، ولی مرگ ناگهانی غازان خان، مانع از تحقق بسیاری از اصلاحات شد و در سال های نخست سلطنت ابوسعید که رشیدالدین هم به قتل رسیده بود، اوضاع به وضع پیشین بازگشت.(۲)

سرانجام، حلقه مکمل این جهت گیری سیاسی، سفارش به پیروی از عقل و علم است. در سیاست نامه ها به طور عام، راز سعادت، عقل و اطاعت از احکام عقلانی است که این سفارش به عقل، همراه با پیشنهاد به فراگیریعلم داده می شود.

۱- آن، لمپتون، تاریخ میانه ایران، ترجمه: یعقوب آژند، فصول چهارم تا هفتم.ص ۲۰۱.

۲- بارتولد اشپولر، تاریخ مغول در ایران، ترجمه: محمود میرآفتاب، ص ۳۲۰.

ص: ۱۵۱

خواجه رشیدالدین که بینش علمی فوق العاده ای دارد، بر این موضوع تأکید کرده است:«هرکه را علمِ خلیل و دانشِ دلیل و حلمِ وزیر و عقلِ سمیر باشد، هرگز مملکتِ ضمیر او فتور نگیرد». (۱)

در جای دیگر درباره رابطه عقل و علم می گوید:«باری عز شأنه، عقل را از چهار چیز آفرید و آن، قدرت، علم، نور و مشیت است».(۲)

چهار عنصر یاد شده، اجزای مهم فکر سیاسی در آن روزگاران خوانده می شد، اما همه اینها تنها به دست یک وزیر با کفایت، عملی است. اگر شاه در کانون سیاست قرار دارد، اداره امور به دست وزیر باکفایت و درایت ممکن می شود و این نشان دهنده جایگاه والایوزیر در حفظ قدرت و سلطنت و تنظیم و پیش بردن درست امور است.

بر این موضوع، هم در سیاست نامه خواجه نظام الملک به شدت تأکید و هم در آثار خواجه رشیدالدین بر آن تصریح شده است. خواجه نظام الملک هر فرصتی را غنیمت می شمرد و اهمیت داشتن وزیری کاردان را به سلطان یادآور می شود و رسم ملوک عجم را در این زمینه بارها تذکر می دهد.(۳)

از دید خواجه رشیدالدین نیز وزیر، در امر حکومت و حفظ نظم و سامان سیاسی، جایگاهی بس عظیم دارد. درواقع، دستِ باتدبیر وزیر، می تواند مایه دوام مَلِک و بقای مُلْک باشد. در این زمینه خواجه با حکایت های متعدد در مورد نقش وزیر در هدایت شاه به فرمانروایی‌درست، به این مسئله توجه کرده است. یکیاز آن حکایت ها، حکایت زیر است:«پادشاهی بود که از مقطع شفق تا مقطع فلق،

۱- خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، مکاتبات، به سعی و اهتمام: محمد شفیع، ص ۳۲۹.

۲- خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، مکاتبات، به سعی و اهتمام: محمد شفیع، ص ۳۲۸.

۳- جواد طباطبایی، درآمدی فلسفی بر تاریخ اندیشه سیاسی در ایران، ص ۶۴.

ص: ۱۵۲

باده نوشیدی... وزیری داشت کافی و عاقل، زمام ایام در قبضه او بود؛ به متانت رأی معروف زمان گشته».(۱)

نمونه این حکایت ها در جامع التواریخ خواجه رشیدالدین بسیار است که درواقع، هم بر سیاق سیاست نامه هاست و هم برایادآور شدن جایگاه خطیر خود.

چنان که پیش تر هم گفته شد، در دوران ایلخانی نیزخاندان خواجه رشید، در کسوت وزارت وی، به نام ایلخان، قدرت و حکومت را در دست داشتند و فرزندان بسیار خواجه در گوشه و کنار ایران، به والی گری وحکومت مشغول بودند که این امر، از نامه هایخواجه رشید کاملاً مشخص است.

البته خواجه رشیدالدین فضل الله، موضوع را یک سویه مطرح نمی کند و این از مصلحت بینی اوست که در عین حال، وزارت ایلخانان را افتخار عظیم برای خود می داند: «حق در مرکز خود قرار گیرد و آفتاب نصفت از اوج معدلت بتابد و چون ما را بندگی حضرت خاقانی، ولیعهد مملکت و پشتوان سلطنت خود ساخته، باید که به عروه الوثقی عقل و حبل متین عدل، متمسک باشیم».(۲)

البته بی درنگ باز نقش خود را به طور حیرت انگیزی گوشزد می کند: «رغبت رعیت، در مطاوعت و متابعت اوامر و نواهی خود زیادت گردانیم... و زمام اقتدار و توسن تیزرفتار چرخ دوار را رام سازیم، بر اصناف رعایت درباره رعیت مبذول داریم».(۳)

یکی از درخشان ترین اقدامات خواجه، در اوایل وزارتش در دوران غازان خان، احداث شهرکی اداری ودانشگاهی به نام ربع رشیدی، در تبریزبود. این شهرک

۱- مکاتبات، ص ۶۴.

۲- مکاتبات، ص ۳۰۵.

۳- مکاتبات، ص ۳۱۷.

ص: ۱۵۳

شامل ۲۴کاروانسرای وسیع، ۱۵۰۰دکان، ۳۰۰۰۰خانه و تعـدادی حمام و باغ وکارخانه های پارچه بافی و کاغذسازی و دارالضـرب وتولیـدرنگ و مانند آن بوده است.(۱) دردرون این شـهرک، یک مجتمع بزرگ فرهنگی، مـذهبی و آموزشـی ساخته شده بود که این مرکز، بزرگ ترین مجتمع آموزشـی در دوران ایلخانان مغول و حتی چند قرن بعد از آن بود. خواجه رشیدالدین برای رسیدن به هـدف خود، در این مجموعه، واحـدهای گونـاگونی همچون مسـجد، خانقاه، مـدرسه، دارالایتام، دارالضـیافه و کتاب خانه بنا کرد. همچنیـن در ایـن مجمـوعه، بیمارسـتانی سـاخته بـود کـه حکم یـک دانشـکده پزشـکی را داشت و او آن را زیرنظر شخصـی به نـام محمدبن النبیل قرار داده بود.

مجموعه ربع رشـیدی و به خصوص دارالشـفا، از هر لحاظ و حتی از نظر معماری نیز از نمونه هایی پیشـین خودش ممتاز بود. از نظر تشـکیلات بیمارسـتان، گرچه اطلاعـات زیادی در منابع به جای نمانـده، خوشـبختانه به دلیل اهتمام و اهمیتی که خواجه برای طب و طبـابت قائـل بـود، می توان از خلال وقف نـامه و همچنین نامههـایی که رشـیدالدین به پسـران و کـارگزاران خود نوشـته، برخی از اطلاعـات سودمنـد را در این بـاره به دست آورد. در نامه شـماره ۵۲ از کتـاب سوانـح الافکـار، که خواجه آن را خطـاب به یکی از پسـرانش نوشـته است، ضـمن ابراز افتخار به دانش دوستی و فرهنگ پروری خودش و زحماتی که در این زمینه کشیده، به توصیف ربع رشـیدی نمی پردازد و قسـمتهای مختلف آن را تشـریح می کند. سـپس در تشـریح دارالشفا می نویسد که برای اداره امور آنجا پنجاه پزشک حاذق از سرزمین های چین، هند، مصر، سوریه و

۱- سیریل الگود (Cyrl Elgood)، تاریخ پزشکی ایران و سرزمین های خلافت شرقی، ترجمه: دکتر باهر فرقانی، ص ۳۵۵.

ص: ۱۵۴

دیگر مملکت ها، دعوت کرده است. در ضمن جنبه آموزشی را هم در نظر گرفته و هر یک از این پزشکان باید ۱۰ نفر دستیار آموزشی داشته باشند تا در خلال تحصیل عملی طب، به آنها در انجام دادن امور بیمارستان کمک بکنند و هر یک، وظایف خاصی در بیمارستان به عهده بگیرند. در بیمارستان شاخه های دیگر پزشکی هم در نظر گرفته بودند و در آنجا شماری پزشک جراح و کحال ــ چشم پزشک ــ و شکسته بند هم انجام وظیفه می کردند و هر یک از آنها نیز موظف به برگزیدن پنج نفر دستیار برای خود بودند. به این ترتیب، سالانه ۲۵۰ نفر به عنوان دانشجوی پزشکی جدید پذیرفته می شد که با در نظر گرفتن پنج سال توقف، در مجموع، ۱۲۵۰ نفر دانشجو همواره در آنجا حضور داشتند.(۱)

این گروه پزشکان و دستیاران را همگی در محلی به نام کوچه معالجان، واقع در پشت بیمارستان و نزدیک باغات و درختستان های رشیدآباد اسکان داده بودند. البته یادآوری می شود که اینها پزشکان نیمه وقت بودند و جدا از پزشکانی به شمار می آمدند که به صورت تمام وقت در استخدام دارالشفا کار می کردند. پزشکان تمام وقت، در استخدام همیشگی دارالشفا بودند و حق کار در خارج از آنجا را بدون مجوز سرپرست نداشتند. آنها بر خلاف پزشکان نیمه وقت که در دارالشفا اتاق مخصوص نداشتند، هر یک داراییک اتاق ویژه و محله سکونت آنها «محله صالحیه» بود.

پزشکان، مداوای کارکنان و مسافران ربع رشیدی را به عهده داشتند و افزون بر آن در روزهای دوشنبه و پنج شنبه هر هفته، می باید مراجعان خارج از ربع و بیماران شهر تبریز را مداوا می کردند. در روزهای دیگر هفته، به جز روزهای

۱- حسن تاج بخش، تاریخ بیمارستان های ایران از آغاز تا عصر حاضر، ص ۱۴۲.

ص: ۱۵۵

تعطیل، این پزشکان باید به آموزش دانشجویان می پرداختند. دانشجویان باید به مدت پنج سال در دارالشفا آموزش می دیدند و پس از این مدت، اگر می توانستند بیماران را معالجه کنند، به آنها مجوز طبابت داده می شد و اگر در امتحان مردود می شدند، باید برای همیشه از کار طبابت صرف نظر می کردند. این دانشجویان به صورت شبانه روزی در آنجا حضور داشتند و کلیه نیازمندی های آنها را بیمارستان تأمین می کرد و در صورت بی لیاقتی، ضمن محروم شدن از این مزایا، امکان اخراج آنها نیز وجود داشت.(۱)

قسمت های مختلف بیمارستان، براساس اصول علمی، از هم جدا شده بود و بیماران مبتلا به مرض های واگیردار را در قسمتی جدا قرار می دادند. پزشکان، همه بیماران سرپایی را روبه روی داروخانه ویزیت می کردند و سپس داروها را مسئول داروخانه تحویل بیمار می داد و در برابر آن، هیچ گونه پولی دریافت نمی کرد. پس از ویزیت اولیه، در صورتی که بیمار نیاز به بستری داشت، او را به قسمت مربوطه می بردند و پرستاران یا «خادم المرضی» آن گونه که در وقف نامه آمده، کار پرستاری از بیماران را به عهده می گرفتند.(۲) از خلال نوشته های وقف نامه و نامه های رشیدالدین، می توان فهمید که داروخانه بیمارستان، مجموعه بزرگ و با امکاناتی بود و صدها خمره و ظرف کوچک و بزرگ در آنجا وجود داشت که داروهای زیادی در آنها نگه داری می شد. از میزان این داروها چنین برداشت می شود که رشیدالدین در مورد داروهای مصرفی بیمارستان، دچار حساسیت بالا و آینده نگری بود و همواره تلاش می کرد که ذخیره داروها در حد مطلوب باشد.

۱- بهمن کریمی، رشیدالدین فضل الله الوزیر بن عمادالدوله ابی الخیر بن موفق الدوله علی(جامع التواریخ)، ج ۱، ص ۷.

۲- بروشکی م، روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، ص ۱۳۴.

ص: ۱۵۶

رشید الدین در یکی از نامه ها(۱) که به نام خواجه علاء الدین محمد هندو نوشته، صورت درخواست داروها و روغن های مورد نیاز رئیس بیمارستان – محمدالنبیل – را به او گوشزد می کند. در این نامه شرح درخواست به روشنی و کامل بیان شده و مشخص می کند هر روغنی را از کجا و به چه مقدار و به چه کیفیتی تهیه می کند و چگونه بفرستد و از آنجا که هر یک از موارد درخواستی، باید از نقطه ای از کشور تهیه شود، برای پرهیز از هر گونه دیرکرد، دستور می دهد که برای هر یک، پیکی جداگانه روانه شود.

در نامه شماره ۲۱ خطاب به پسرش، جلال الدین حاکم روم، از او درخواست می کند که از داروهای نام برده هر یک به میزان پنجاه تا صد من به صورت سالانه برای مصرف بیمارستان بفرستد.(۲) چنین میزانی نشان می دهد که بیمارستان، مراجعان فراوانی داشته و دارای عظمت و شکوه بالایی بوده است.

متأسفانه پس از قتل خواجه رشیدالدین، در زمان ایلخان ابوسعید، گروهی از سپاهیان و اشرار به ربع رشیدی ریختند و ضمن خرابی و چپاول آنجا، مراکز فرهنگی را نابود کردند. به نظر می رسد که در همین زمان، بیمارستان هم دستخوش دستبرد و خرابی شد و پس از آن، به کلی از بین رفت یا اگر با بی رمقی به حیاتش ادامه داد، از آن بی خبر هستیم. البته مؤلف کتاب تاریخ بیمارستان ها، بدون ذکر منبع، اعتقاد دارد که بیمارستان تا اوایل دوران صفویه فعال بوده است.(۳)

۱- محمدتقی، دانش پژوه، رشیدالدین فضل الله همدانی(سوانح الافکار رشیدی)، ص ۱۹.
۲- تخم بادیان، سماروق، غاریقون، مصطکی، کندر رومی، اسطوخودوس، کشوت، افتیمون و قورت اودی.
۳- تاریخ بیمارستان های ایران از آغاز تا عصرحاضر، ص ۱۴۲.

ص: ۱۵۷

نتیجه اینکه سال ها بود سیر رویدادهای پرشتاب و تاخت و تاز ترکان آسیای میانه به ایران، از دوره طلایی ترجمه و عصر زرین فرهنگ، جز خاطره و نامی باقی نگذاشته و در دوره ثبات و آرامش حکم فرمایی سلجوقیان بزرگ نیز به عرصه دانش تجربی، آن گونه که شایستگی آن را داشت، توجه نشده بود. علم پزشکی نیز به همین دلایل و برخی موارد دیگر همچون تعصب شماری از متشرعان اهل تسنن و پیش گیری آنان از تشریح و تدریس آناتومی مصور و برخی دیگر از مواد علم طب، به قهقرا افتاد یا با قضاوتی خوش بینانه، در حال رکورد قرار گرفت. گرچه نفوذ فرهنگ ترکان و مغولان، عرصه علم و دانش و طبابت را دستخوش جولان خرافه ها و سحر و جادو کرد، فضای باز و ثبات پایدار نسبی که در زمان ایلخانان مغول به خصوص از غازان خان به بعد ایجاد شده بود، همچنان کمرنگ شد. تسلط نفوذ علمای اهل تسنن و پررنگ تر شدن نقش علمای شیعه، همه از عواملی بود که به همراه یک همت عالی و تدبیر جامع، می توانست شاخه های مختلف علوم به ویژه علم پزشکی را بار دیگر به پویایی وادارد.

همت عالی و سیاست روشن بینانه خواجه به همراه اندیشه های بزرگی که برای احیای عظمت پیشین داشت، بار دیگر موجب شد تا بارقه امید بر دل اهل علم بتابد و با تشویق اهل علم به تکاپو و تأسیس مراکز دانشگاهی و درمانی همچون مجتمع ربع رشیدی، فضای مناسبی برای برخورداری از داشته های علمی دیگر ملل و پرورش علم و تولید ایجاد شود. با این همه افسوس که متکی به شخص بودن چنین حرکتی، سبب شد تا با مرگ دردناک خواجه، همه تلاش های او به هدر رود و کارهای سامان شده، به همان مجرای نابسامان گذشته باز گردد.(۱)

۱- مسعود کثیری و مرتضی دهقان نژاد، ویژه نامه مجله اخلاق و تاریخ پزشکی، زمستان ۱۳۸۸.

ص: ۱۵۸

ج) پیام

ج) پیام

رشیدالدین فضل الله، از اندیشمندان و عالمان عرصه عمل است. او طبیب و حکیمی بود که تلاش کرد برای پیشرفت و استقلال جامعه، نسخه و راه کارهایی تهیه کند. بنابراین، در کنار کشاورزی و زراعت، به حیطه نظریه پردازی نیز به صورت جدی وارد شد و اندیشه های خود درباره آبادانی و آموزش و تربیت متخصصان داخلی را به دلیل لزوم مدیریت صحیح برای خودکفایی و استقلال، تبیین کرد.

۲. امیر علیشیر نوایی

اشاره

۲. امیر علیشیر نوایی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج)پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

امیرعلیشیر نوایی، اندیشمند بزرگ، شاعر، ادیب و نویسنده چیره دست روزگار، مرد دین و سیاست، شخصیت بنام و شناخته شده جهانی، به تاریخ هفدهم رمضان ۸۴۴ ه . قدر هرات، در خانواده ای متدین و روشنفکر چشم به جهان گشود. پدرش، امیر غیاث الدین، از امرای ترکان جغتایی بود که مانند اجداد خود، به شاهان تیموری خدمت می کرد. امیر علیشیر نوایی در چهار سالگی تحصیلات ابتدایی خویش را آغاز و در ۱۰ سالگی شروع به شعرگویی کرد. امیر علیشیر نوایی، ذواللسانین بود و به زبان های ترکی و فارسیشعرها و داستان های زیادی را نگاشته است. امیر علیشیر، پس از مرگ پدرش، مدتی در هرات همراه و همنشین سلطان ابوسعید بود. پس از درگذشت ابوسعید میرزا، سلطان حسین بایقرا در هرات بر تخت سلطنت نشست و علیشیر را نزد خود خواند و در ابتدا، به او منصب مُهرداری سلطنت را سپرد. در سال ۸۷۶ ه . ق به

ص: ۱۵۹

سبب کفایت و درایتی که در امیر علیشیر دید، او را «امیر» لقب داد و به وزارت خود منصوب کرد. پس از مدتی، امیر علیشیر چنان مقامییافت که برادران و فرزندان سلطان همراهی او را مایه شرف و افتخار خود می دانستند. علیشیر نوایی شخص کریم و بخشنده ای بود و از دانشمندان، فضلا و شاعران قدردانیمی کرد. پرفسور براون او را به مالیناس سیلینوف رومی تشبیه کرده است؛ زیرا علما و دانشمندان، بر گردش حلقه می زدند. علیشیر نواییکی از ارادتمندان خاص مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی نیز بود. جامی بیشتر نوشته هایش را به درخواست علیشیر نوایینگاشته است. وی سرانجام در جمادی الاول۹۰۶ ه .ق در هرات درگذشت.

ب) سیره

ب) سیره

علیشیر نواییدر آبادانی و شکوفایی کشور نقش سازنده و عمده ای را ایفا کرد. مکتب ها، مدرسه ها، مساجد، بیمارستان ها و پل ها ساخت که شمارش از ۳۷۰ عدد بیشتر است. این حقیقت مسلّم و انکارناپذیر تاریخیرا باید در نظر داشت که علیشیر نوایی در خراسان و ترکستان به دلیل راه اندازیمراکز خیریه، شخصیت کم مانندیشناخته شده است. او در این باره و همچنین در زمینه تجدید و احیای تمدن و فرهنگ اصیل و ناب اسلامی و انسانی، از نویسنده های بزرگ جهان و مورخان ممتاز چون دولت شاه سمرقندی و خواندمیر و دیگران، دانسته های مستند و موثق به دست آورد. از دیباچه موقوفات امیرعلیشیر که ترجمه آن در مقدمه مجالس النفایس چاپ شده است، می توان دریافت که او زراعت می کرد و از آن راه، دارایی در خور توجهی اندوخته بود. او در هرات

ص: ۱۶۰

زمین هـا، خـانه ها، دکان ها و باغ های زیادی داشت. (۱) وی بـا بهره گیری از این دارایی ها، نسـبت به عالمان و هنروران بخشـش های فراوانی روا می داشت و از برخی حکایت ها در می یابیم به کسانی که در رشـته های مختلف علمی و هنری تلاش می کردند، وظیفه و مقرری ماهانه می داد.

ج)پیام

ج)پیام

در تاریـخ سیاسـی ایران مردانی بوده اند که گرچه نمی توان آنها را کاملاً انسانی های سالم و مؤمن و پاک دانست، نباید جنبه های مثبت موجود در زنـد گی اجتمـاعی و سیاسـی آنهـا را نیز نادیـده گرفت و امیرعلیشـیر نوایی از زمره آنهـاست که عملکرد وی، نشان دهنده گرایش او به استقلال اقتصادی و رفاه جامعه است.

۳. کریم خان زند

اشاره

۳. کریم خان زند

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

کریم خان زند (زاده ۱۱۱۹ ه . ق در روسـتای پری، از توابع بخش زندِ ملایر- درگذشـته ۱۱۹۳ ه . ق در شـیراز) فرمانروای ایران از ۱۱۷۹ تا ۱۱۹۳ ه . ق و بنیان گـذار دودمان زندیه بود. وی در دوران اوج حکومت خود، تقریباً بر سراسـر ایران حکم می راند، اما از تاج گـذارپرهیز می کرد و خود را وکیل الرعایا می خوانـد. وی پیش از به قـدرت رسـیدن، رئیس طایفه زنـد و از فرمانـدهان سـپاه نادرشاه بود. حکومت او دوره ای آرام در تاریخ ایران به شمار می رود.

وی اجازه داد بعضی از اقوام ساکن شمال ایران، مستقل از حکومت باقی

۱– امیرنظام الدین علیشیر نوایی، مجالس النفایس، به کوشش: علی اصغر حکمت، ص ۱۳۴.

ص: ۱۶۱

بمانند و یکی از همان ها به نام طایفه قاجار، با شکست لطف علی خان زند، دودمان زندیه را برانداختند.

کریم خان توانست پس از فروپاشی حکومت نادرشاه افشار، همه بخش های مرکزی، شمالی، غربی و جنوبی ایران را به حکومت خود درآورد. همچنین برادر وی، صادق خان زند نیز موفق شد در سال ۱۱۸۹ ه . ق بصره را از امپراتوری عثمانی جدا کند و به ایران پیوست دهد و از این طریق، نفوذ ایران را بر سراسر اروندرود، بحرین و جزایر جنوبی خلیج فارس مسلّم کرد.

کریم خان را نیکوترین فرمانروا پس از حمله اعراب به ایران دانسته اند. او از طایفه زند بود. پدرش ایناق خان نام داشت و رئیس ایل بود. کریم خان در آغاز، یکی از سربازان سپاه نادرشاه افشار بود که پس از مرگ نادر، به ایلش پیوست. کم کم با سود بردن از فضایبه هم ریخته پس از مرگ نادر، کریم خان نیروییجمع کرد و پس از چندی، با دو خان بختیاری به نام های ابوالفتح خان و علیمردان خان، ائتلافی فراهم ساخت و کسی را به نام ابوتراب میرزا که نصب مادری اشبه خاندان صفویرسید، به شاهی برگزیدند. در این اتحاد، علیمردان خان، نایب السلطنه بود و ابوالفتح خان، حاکم اصفهان و کریم خان نیز سردسته سپاه بود. پس از چندی، علیمردان خان، ابوالفتح خان را کشت و بر دیگر همراهش کریم خان نیز شورید، ولی سرانجام، پیروزی با کریم خان بود. مدتی نیز با محمدحسن خان قاجار، دیگر مدعیحکمرانیایران، درگیر بود که در آخر، سربازانش محمدحسن خان را درحالی که رو به گریز بود، کشتند. او بازمانده افغان های شورشی را نیز یا تار و مار کرد یا آرام ساخت. سرانجام با لقب «وکیل الرعایا» (نماینده مردم) در ۱۷۵۰ م. به فرمانروایی بخش بزرگی از

ص: ۱۶۲

ایران به جز خراسان رسید که آن را به احترام نادرشاه، در دست نوه او شاهرخ میرزا باقی گذاشت.

کریم خان زند، شیراز را پایتخت خود کرد و بناهای بسیار زیبایی در این شهر ساخت که از آن میان می توان به حمام وکیل، بازار وکیل، ارگ کریم خان و مسجد وکیل اشاره کرد.

کریم خان در ۱۱۹۳ ه . ق ۱۷۹۹ م. درگذشت. فرزندان او هفت تن، چهار پسر و سه دختر بودند. پس از مرگش، زکی خان زند به فرمانروایی رسید. وی در موزه پاریس یا عمارت فرنگی واقع در روبه روی زندان کریم خانی (ارگ کریم خانی) ضلع جنوبیکنار حیاط هنرستان صنعتی نمازی شیراز، به خاک سپرده شده است.پس از چیرگی آغامحمدخان قاجار بر شیراز، به خاطر کینه اش، قبر وکیل الرعایا را شکافت و استخوان هایش را به تهران برد و در کاخش، در مکانی به نام خلوت کریم خانی دفن کرد.

ب) سیره

ب) سیره

کریم خان به آرامش و رفاه مردم اهمیت می داد و به دانشمندان ارج می نهاد. وی کارخانه های چینی سازی و شیشه گریرا در ایران راه انداخت. صنایع و بازرگانی، در دوره وی رونق فراوان یافت. با وجود این، غربیان وی را «شاهی بزرگ» نمی دانستند؛ چرا که در دوره زمامداری او به بیگانگان امتیازی داده نشد. البته او نیز چنین ادعایی نداشت و خودش را وکیل الرعایا می خواند. کریم خان با توجه به پیشه اش که سرپرستی ایل بود، از نزدیک با مشکلات مردم آشنایی داشت. بعدها نیز سپاهی گری در ارتش نادری، به او نشان داد

ص: ۱۶۳

که بار جنگ های پیاپی، به دوش خراج مردم است. پس آرامش و دور نگه داشتن کشور از درگیری ها را بیشتر می پسندید تا مبادا آشوب یا جنگی، به کشور و مردم آسیب برساند.

در کتاب تاریخ ایران، تألیف سرپرسی سایکس، مفاد قرارداد ایران با انگلیس که در زمان کریم خان زند بسته شد، آمده است.

در بند سوم آن بیان می شود: «تجار دیگر ملل اروپایی حق وارد کردن پارچه پشمی و اقمشه (را) ندارند.»(۱) مسند کریم خان از زیلو یا نمد دولا بود. در ظروف مسی غذا می خورد. روزی که نمایندگان انگلستان با او درباره صادرات و واردات گفت و گو می کردند، کریم خان بشقاب چینی را که به عنوان پیشکش (هدیه) تقدیمش داشته بودند، زمین زد و بشقاب ریز ریز شد. آن گاه بشقاب مسین کاشان را خواست و به زمین انداخت، بشقاب سالم ماند. کریم خان گفت، صلاح مردم ایران، این است.(۲)

ج) پیام

ج) پیام

کریم خان از شاهان بزرگ ایران بود که با برگزیدن لقب وکیل الرعایا، در حد توان خویش و با امکانات آن زمان، کارگاه های متعددی از ایران بر پا کرد و در قراردادهای بین المللی، حق ورود کالاهایی را که نوع داخلی آن موجود بود، ممنوع خواند.

۱- عبدالحسین نوایی، کریم خان زند، ص ۲۰۹.

۲- عبدالحسین نوایی، کریم خان زند، ص، ۲۲۷.

ص: ۱۶۴

۴. امیرکبیر

اشاره

۴. امیرکبیر

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

میرزامحمدتقی خان امیرکبیر، فرزند کربلایی قربان بیگ فراهانی، در سال ۱۲۲۲ه . ق در هزاوه فراهان از توابع اراک (سلطان آباد پیشین) متولد شد.کربلایی قربان، پدر امیرکبیر، در دستگاه میرزا عیسی (میرزا بزرگ)، پدر میرزا ابوالقاسم قائم مقام، سمت آشپزی داشت. مادر امیرکبیر، فاطمه سلطان، دختر استاد شاه محمد بنا، از اهالی فراهان بود. میرزا محمدتقی خان به دلیل هوش و استعداد کم مانندش، از همان دوران نوجوانی توجه میرزابزرگ و سپس قائم مقام فراهانی را به خود جلب کرد و به ترتیب به سمت منشی گری آن دو دست یافت. پس از آن نیز به سرعت توجه و علاقه قائم مقام و عباس میرزا نایب السلطنه را به خود برانگیخت.

اولین تجربه سیاسی میرزا محمدتقی خان، همراهی خسرو میرزا، فرزند نایب السلطنه و هیئت همراه او در سفرش به روسیه تزاری بود. این سفر به دنبال قتل گریبایدوف، وزیر مختار روسیه در تهران و در شوال ۱۲۴۴ ه . ق و به منظور عذرخواهی از واقعه قتل گریبایدوف صورت گرفت. میرزاتقی خان طی سال های بعدی، بیش از پیش در انجام دادن امور دیوانی، شایستگی نشان داد و در اواخر دوران حکومت فتح علی شاه، در دستگاه محمدخان زنگنه، امیرنظام و پیشکار آذربایجان، وارد خدمت شد.

چند سال بعد و در ۱۲۵۳ ه . ق میرزا محمدتقی، وزیر نظام آذربایجان گردید. میرزا محمدتقی که اینک به امیرنظام ملقب شده بود، در ۱۶ شوال ۱۲۵۳ ه . قبه همراه ناصرالدین میرزا ولیعهد، عازم روسیه شد و در ارمنستان (ایروان) با نیکلای اول، تزار روسیه، دیدار کرد. از مهم ترین مأموریت های سیاسی

ص: ۱۶۵

امیرنظـام در دوران محمـد شاه، ریاست نماینـدگی دولت ایران در کمیسـیون صـلح «ارزنه الروم» بود که به عنوان وکیل تام الاختیار ایران، در ماه صفر ۱۲۵۹ ه . ق آغاز شد و با وجود همه مشکلاتی که بروز کرد، پس از چهار سال که از اقامت امیرکبیر در عثمانی سپری می شد، قرارداد صلح مطلوبی با عثمانی به امضا رسید. پس از عقد قرارداد صلح در ۱۶ جمادی الثانی ۱۲۶۳ه . ق، محمدشاه، امیرنظام را ستود.

امیرنظام که از پیش با ناصـرالدین میرزا الفت و نزدیکی پیدا کرده بود، پس از فوت محمد شاه، مقتدرانه مقدمات و اسـباب بر تخت نشسـتن ناصرالدین شاه را فراهم آورد. وی با آغاز حکومت ناصرالدین شاه، منصب صدر اعظمییافته بود. در ۲۲ ذی القعده ۱۲۶۴ه . ق افزون بر لقب امیرنظامی، به لقب های امیرکبیر و اتابک اعظم دست یافت. وی سپس با توطئه اطرافیان شاه، از مقام خود بر کنار و به کاشان تبعیـد شـد و در حمام فین کاشان به دسـتور ناصـرالدین شاه به قتل رسـید و پیکرش را به کربلا منتقل کردند و در آنجا به خاک سپردند.

ب) سیره

اشاره

ب) سیره

سیاست امیرکبیر، بر پایه ایجاد صـنعت جدیـد، پیشـرفت کشاورزی و توسـعه بازرگانی داخلی و خارجی بنا شده بود. نظر عمومی او بیشتر بر سـاخت وضع اقتصادی جامعه ای بود که نظام اقتصادی کشاورزی آن، عقب افتاده بود، از صـنعت جدیـد بهره ای نـداشت، ذخیره طلای آن به خـارج روان بود و کالای بی مصـرف فرنگی را مصـرف می کرد. چنین جـامعه ای تـازه می خواست جلو سـیر شکست اقتصادی خود را ببندد؛ صنعت کوچکی که فراخور حال آن باشد،

ص: ۱۶۶

تأسیس کند؛ کشاورزی خود را رشد دهد؛ از وارداتش بکاهد و بر صادراتش بیفزاید و به گفته امیرکبیر، از فرار شمش های طلا جلوگیری کند.

سیاست اقتصادی او پرداخته همین عناصر بود و مجموع آنها تحرکی تازه به اقتصاد ایران بخشید؛ در حالت رکود کشاورزی، تحولی به وجود آورد و زمینه فعالیت اقتصادی جدیدی را آماده کرد. از این نظر، میرزا تقی خان، نماینده طبقه متوسطی بود که تازه می خواست در ایران به وجود آید.

برای اقتصاد سالم و مستقل، آن هم در زمانی که انقلاب صنعتی، اروپا را در راه پیشرفت بی سابقه انداخته بود، داشتن صنعت، لازم و واجب بود و این امر از نگاه تیزبین و فکر نکته سنج امیرکبیر مخفینماند. او برایبهره گیری از صنعت جدید اروپا، عده ای از استادکاران باهوش و خوش ذوق ایرانی را انتخاب کرد و به پطرزبورگ فرستاد تا رشته های مختلف صنعت جدید را بیاموزند. این افراد پس از فراگرفتن صنایع در نظر، به ایران بازگشتند و کارخانه های بلورسازی تهران، کاغذسازی اصفهان و کارگاه های چدن ریزی و نساجی و چند کارخانه و کارگاه دیگر را با سبک جدید به راه انداختند.

برخی از اقدامات امیرکبیر در عرصه تولید ملی و حمایت از آن عبارت است از:

یک_حمایت از صنایع دستی

یک_حمایت از صنایع دستی

امیرکبیر دانست که بنابر اقتضایسرمایه داری جدید و صنعت ماشینی، که ابتکار آن به دست دولت های استعمارگر بود، آنان تلاش خواهند کرد برای رواج بازار مصنوعات و محصولات صنعتی خویش و تضعیف بنیه مالی ملت های عقب افتاده، صنایع دستی و ملی این کشورها را نابود کنند.

ص: ۱۶۷

ازاین رو، با هدایت کشور به راه صنعت ماشینی، تلاش های فراوانی را نیز برای توسعه و تکمیل صنایع داخلیکرد. امیر دستور داد لباس نظامیان از شال چوخاپیشمین مازندرانی تهیه شود و کیفیت شال های دستی کرمانی را چنان بالا برد که با شال های کشمیری رقابت می کرد و به همین خاطر معروف به شال امیری شد.

سردوشی نظامیان تا آن زمان از اتریش وارد می شد، تا اینکه روزی امیر سردوشی زیبا و جالبی را که خانمی به نام بانوخورشید دوخته بود، دید و آن زن را بسیار تشویق کرد و دستور داد امتیاز تهیه سردوشی را برای مدت پنج سال به او واگذار کنند که با کارگاه مجهز و شاگردان زیاد، سردوشی مورد نیاز ارتش را تهیه کند.(۱) او معتقد بود، اگر از آنچه می توان آن را در داخل کشور تولید کرد، استفاده نشود، بلکه از خارج وارد گردد، خیانت به ملت و کشور است. از همین رو، هرگونه سهل انگاری در مسیر صنعتی شدن کشور را نمی پسندید.

وی حمایت از صنایع ملی را در مقابل حمله و هجوم صنایع غرب، به جایی رساند که انتقاد و خرده گیری برخی نویسندگان غربیرا در پی داشت. برای مثال، بی نینگ، تاریخ نگار مشهور انگلیسی، با بغض و ناراحتی نوشت: «امیرکبیر علاقه مخصوصی دارد که با تشویق صنایع ملی، تمام صنایع خارجی را از ایران بیرون کند. این سیاست ناشی از کوته بینی، به هیچ وجه کمک به پیشرفت تجارت و مدنیت نمی کند».(۲)

۱- روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۲.

۲- روزنامه وقایع اتفاقیه، ش ۲.

ص: ۱۶۸

دو_معادن

دو_معادن

امیرکبیر خوب می دانست که صنعتی شدن کشور، بدون استخراج معادن ممکن نیست و ازسوی دیگر، کم وبیش به ارزش و عظمت معادن بیکران ایران - که به قول دکتر پلاک:«می تواند از لحاظ معادن فلزات با جهان برابری کند»، -آگاه بود. بنابراین، برای بهره برداری از این معادن، برنامه دقیق و گسترده ای را به اجرا گذاشت. بدین منظور در درجه نخست براياستخراج معادن براساس اصول علمی و فنی جدید، مسیو جان داوود را برای استخدام کارشناسان و استادان علوم و فنون جدید، به اتریش فرستاد و به او سفارش کرد: «درباب انتخاب معدنچی، اهتمام نمایید که از جمیع فلزات خصوصاً از طلا و نقره، سررشته کامل داشته باشد». دوم برای اینکه در این رکن مهم اقتصاد و رشته اساسی حیات اقتصادی، بیگانگان رخنه نکنند، کاملاً مواظب بود که استخراج، با سرمایه ایرانی انجام شود. امیر با سرمایه گذاری خارجی که در بیشتر موارد، نقطه آشکار و آغازین نفوذ استعمارگران بود، مخالفت جدیمی کرد و برای همین منظور، فرمانیداد که در آن به شدت تأکید می کرد سپردن امتیاز استخراج معادن به بیگانگان، ممنوع است. در پناه این سیاست عاقلانه و مدبرانه، نهضت وسیعی برای استخراج معادن و بهره گیری از ذخایر کشور، شروع و قدم های بلندی برداشته شد و در همان مدت کوتاه، نتایج درخشانیهم به دست آمد».(۱)

سه_کشاورزی

سه_کشاورزی

امیرکبیر در امور زراعینیز با ایجاد امنیت و رعایت حقوق کشاورزان، با ساختن سدها و آب بندهای متعدد، تحولی اساسی بنیاد نهاد. ساختن سدهایی بر روی

۱- علی اکبر هاشمی رفسنجانی، امیرکبیر، قهرمان مبارزه با استعمار، ص ۸۴.

ص: ۱۶۹

رودخانه های کرخه (سد ناصری) و گرگان رود، انتقال آب از رودخانه کرج به تهران، تجدید بنای پل شوشتر و بازکردن هفت چشمه آن، ترویج کشت پنبه امریکایی و نیشکر، برخیاز اقداماتی بود که امیر در این زمینه انجام داد.

استعمارگران به عنوان حربه ای قدیمی، همواره تلاش می کردند کشورهای ضعیف را به یک محصول خاص، مانند نفت، نیشکر، پای بند و به قول معروف، اقتصاد تک محصولی را بر آنها اعمال کنند تا در زمان لازم، با ایجاد مانع بر سر راه صدور و مصرف این محصول، به این کشورها فشار آورند و در جهت خواسته های خود، آنها را در تنگنا قرار دهند.

بدین ترتیب امیر دستور داد آن دسته از بذرهای کشاورزی را که در ایران نبود، از خارج وارد کردند و از این طریق، به اصلاح بذر و نهال های کشاورزی موجود در ایران پرداخت.

فهرستی از اقدامات امیرکبیر در زمینه کشاورزی را می توان چنین برشمرد:

اول_ساختن سد عظیم «ناصری» بر روی رودخانه کرخه که داستان تاریخی مفصلی دارد؛

دوم_ترویج کشت نیشکر در خوزستان، در دو منطقه عقلی و شوشتر، که جالب است بدانیم، چندسال پیش، دولت ایران فکر آن روز امیرکبیر را به مرحله اجرا درآورد؛

سوم_تجدید بنای پل عظیم شوشتر و هفت چشمه آن؛

چهارم_ساختن یک سد بزرگ بر روی رودخانه معروف گرگان رود که زیر نظر مهندس میرزاحسن و با همکاری هزار کارگر، در مدتی کمتر از یک سال بنای آن به پایان رسید و دشت وسیع استرآباد، به زیر کشت درآمد؛

ص: ۱۷۰

پنجم_بنایيک سد بزرگ در نقطه اتصال دو رود قره چای و انار رود، در شهرستان قم و بستن پل معروف «دلاک» بر روی آن؛

ششم_اتمام کار نهر عظیمی که آب رود کرج را به تهران منتقل کرد و تهران را از بی آبی شدید رهانید؛

هفتم_شروع کار انتقال آب از شمیران به تهران، که ناتمام ماند.

سفیر وقت انگلیس که در سفر ناصرالدین شاه و امیرکبیر در سال ۱۲۶۷ ه . ق به اصفهان، همراه آنها بود، در خاطرات خود می نویسد:

در اراضی اطراف اصفهان، تا چشم کار می کرد، فرسنگ درفرسنگ، کشت و کار بود و نباید فراموش کرد که تا همین اواخر، خطه اصفهان را آشوب فراگرفته بود. این تحول شگفت در این مدت کوتاه، در خور ستودن است و آن نیست، جز اثر روش عادلانه نائب الحکومه اصفهان، چراغعلی خان زنگنه که پیش از این نوکر شخصی امیرنظام بود. البته در شهر، حالت ویرانه عمومی مملکت به چشم می خورد، اما از برزگران هیچ شکایتی راجع به زورگویی دیوان شنیده نمی شد. برتری دولت کنونی ایران بر سلطنت سابق، مورد اعتراف همگی است.(۱)

این اذعان فردی انگلیسی، دلالت بر این نکته دارد که چگونه امید بر امنیت شغلی کشاورزان و محصولات آنان، به عنوان عامل اصلی ابزار تولید، توجه خاص داشته است و نیز اصلاحات او را در جامعه، عموم مردم پذیرفته بودند.

۱- منوچهر کدیور، اصلاح طلبان ناکام، ص ۱۳۸.

ص: ۱۷۱

چهار _ساخت کارخانه

چهار _ساخت کارخانه

امیرکبیر برای رونق بخشیدن به اقتصاد ایران، کارخانه های پارچه بافی، شکرریزی، چینی و بلورسازی، کاغذ سازی، چدن ریزی و فلزکاری و دو کارخانه شکرریزی در ساری و بارفروش(بابل) که شکر مازندران را تصفیه کردند و قند و شکر سفید در آوردند، تأسیس کرد. وی برای ارتقا بخشیدن به تولید داخلی، شال کرمانی را به خاطر مرغوب نبودن، ممنوع کرد تا اینکه خوب بافته شود. وقتی نمونه های آن را به صندوق خانه آوردند، چنان خوب بافته شده بود که باید بسیار دقت می کردند تا بفهمند که شال کرمانی است یا کشمیری. پس در همان مجلس، شال فروشان خبره در تمیز دادن آن درماندند و شال کرمانی را به جای شال کشمیری گرفتند و یک طاقه آن را هشتاد تومان قیمت کرده بودند. (۱)

پنج _آموزش

پنج _آموزش

امیرکبیر برای افزایش تولید معادن، برای مدرسه دارالفنون، استاد معدن شناس که از همه فلزات سررشته داشته باشد، از اتریش استخدام کرد و نیز درصدد برآمد دو نفر معدنچی که در معادن کار بکنند، از اروپا بیاورد. وی همچنین برای پیشرفت در تولید پارچه های پشمی، اقدام به خریداری ماشین های جدید و استخدام چهار استاد این فن کرد و در تکمیل رواج صنعت در سال ۱۲۶۷ شش تن از صنعت کاران ایرانی را برای رشته های گوناکون به روسیه و دو نفر را به عثمانی فرستاد. گروهی که روانه روسیه شدند، با توجه به فن هر یک، عبارت

۱- وقایع اتفاقیه ش ۱، ص ۶.

ص: ۱۷۲

بودنداز : آقا رحیم اصفهانی در کاغذسازی؛ کربلایی عباس در بلورسازی؛ کربلایی صادق در چدن ریزی؛ کربلایی احمد در تصفیه شکر و قندسازی؛ مشهدی علی در نجاری و اسباب چرخ سازی و آقا عبدالله در شماعی. سرپرستی این دسته به حاجی میرزا محمدتاجر تبریزی سپرده شد و مقصود این بود که در خانه های روسیه کار کنند و هر یک، فن خود را تکمیل سازند. (۱)

نتیجه: دولت استعمارگر انگلیس، فقط خواهان گسترش بازار کالای خود در ایران بود و حاضر به فرستادن اهل فن یا فروش کارخانه نشد. امیرکبیر نیز با آلمان و اتریش روی آورد و به مأمور خود جان داوود نگاشت که ترتیب استخدام دو استاد ماهوت باف را بدهد و اسباب کارخانه ماهوت سازی را بخرد. حقوق سالانه آن دو نفر را هم تا هفت صد تومان مقرر کرد.(۲)

ج) پیام

ج) پیام

امیر کبیر را می توان از بزرگ ترین دولتمردان تاریخ سیاسی ایران دانست که در کنار اصلاحات سیاسی و تلاش در گسترش وارتقای فرهنگ جامعه، برآن بود تا با اقداماتش در زمینه های مختلف، همچون آموزش علم و کشاورزی و معدن، بستر مناسبی برای خودکفایی و استقلال کشور فراهم آورد. سرانجام نیز امیرکبیر، قربانی تلاش در راه تحقق تولید ملی و رهایی از وابستگی شد.

۱- فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۳۹۱.

۲- فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۳۹۱.

ص: ۱۷۳

۵. حاج محمدحسن امین الضرب

اشاره

۵. حاج محمدحسن امین الضرب

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

از سرشناس ترین بازرگانان قرن نوزده ایران و اولین سرمایه گذار صنعتی در ایران، حاج محمدحسن اصفهانی معروف به کمپانی و ملقب به امین دارالضرب_امین الضرب _در سال ۱۲۵۱ه . ق برابر با ۱۲۱۴ خورشیدی و ۱۸۳۵م. در شهر اصفهان به دنیا آمد. پدرش آقا محمدحسین و مادرش بی بی ماه خانم، در اصل از مردم خوی بود.(۱)

محمدحسن خواندن و نوشتن فارسی و خوشنویسی قرآن را در مکتب آموخت.(۲) او پس از فوت پدر برای کسب و کار به تهران آمد و به تجارت پرداخت. سرنوشت محمدحسن هنگامی دگرگون شد که با بازرگانی به نام پَنایوتّی (panayotti) که نماینده شرکتییونانی در تهران بود، مشغول کار شد. بر اساس برخی اسناد، محمدحسن راه و روش بازرگانی داخلی و خارجی را از پانایوتّی آموخت. (۳)

چون درستکار و مردمدار بود، در اندک زمانی، اعتماد همگان را جلب کرد و کارش رونق یافت. به تدریج پذیرش برات بزرگان و رجال، او را به شهرت رساند و با درباریان و شخص شاه ارتباط پیدا کرد.(۴)حاج محمدحسن با کمک علی اصغر خان امین السلطان، کارهای دولتی را نیز به فعالیت های اقتصادی و

۱- اصغر مهدوی و ایرج افشار، یزد در اسناد امین الضرب، ص ۱۵؛ شیرین مهدوی، زندگینامه حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب، ترجمه: منصوره اتحادیه و فرحناز امیرخانی حسینک لو، ص ۴۷.

۲- زندگینامه حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب، ص ۵۵.

۳- نادر مطلبی کاشانی، حدیث عشق ۶ : دکتر اصغر مهدوی از او و با او، ص ۳۳۰.

۴- محمدکاظم موسوی بجنوردی، دائره المعارف بزرگ اسلامی، ج. ۱۰، ص ۹۳.

ص: ۱۷۴

تجاری اش افزود. مسئولیت اداره ضرابخانه و حقوق انحصاری آن و در نتیجه لقب «امین الضرب» به او داده شد.(۱)امین الضرب به جز زمینه های اقتصادی و تجاری، در امور عمومی و عام المنفعه نیز دخیل و فعال بود. برایمثال، چون گروهی از دانشوران عصر مظفری، «انجمن معارف» را برایگسترش مدارس و رواج فرهنگ جدید تشکیل دادند، عضویت آن را پذیرفت.

خدمت دیگر او که نیکنامی برایش به ارمغان آورد، خرید مقدار زیادیگندم در قحطی سال ۱۲۸۸ ه . ق از مازندران و حمل آن به تهران بود که موجب نجات مردم از مرگ حتمی شد. دولتمردان عصر ناصری برای افزایش درآمد خود، به کشورهای بزرگی که در ایران به رقابت تجاری و سیاسی با یکدیگر مشغول بودند، امتیازهایی دادند که به زیان کشور بود و امکان سوء استفاده این کشورها را از وضع موجود بیشتر می کرد.ازاین رو، به سبب مخالفت و اعتراض عمومی و فتوای میرزای شیرازی، دو امتیاز تجاری که به انگلستان داده شده بود؛یعنی امتیاز بهره برداری از معادن به رویتر و امتیاز انحصاری خرید و فروش تنباکو به ماژور تالبوت، لغو شد.

گرچه در مرحله نهایی، تحریم استعمال تنباکو به دستور علما موجب لغو قرارداد شد، نقش تاجران، برای نمونه، امین الضرب را نیز در این جریان نمی توان اندک دانست. او به عنوانیکی از تاجران با نفوذ کشور که با شاه و امین السلطان نیز روابطی نزدیک داشت، رابط میان جامعه بازرگانان و دربار و دولت بود. سیدجمال الدین اسدآبادی در دو سفر خود به ایران، در خانه امین الضرب اقامت

۱- حدیث عشق ۶، دکتر اصغر مهدوی از او با او، صص ۳۳۵ و ۳۳۶ - ۳۴۷.

ص: ۱۷۵

گزید و او را شیفته و مرید خویش کرد. امین الضرب از کمک مالی به سیدجمال هنگام اقامت او در روسیه و حتی پس از آنکه به خواری از ایران رانده شد، کوتاهی نکرد.

دوستی او با سیدجمال الدین و حمایتش از او، ناشی از این باور بود که اسدآبادی به راستی مردی روحانی و مرشدی مذهبی است که هدفی جز پیشبرد اسلام ندارد. هر دو در اعتقاد به ضرورت اصلاحات در جوامع اسلامی به ویژه در ایران، هم رأی بودند. در دید امین الضرب، سید جمال الدین اسدآبادی رهبری مؤثر برای انجام دادن این گونه اصلاحات در جهان اسلام بود. از نشانه هایاعتقادات عمیق مذهبی امین الضرب و اشتیاقش به افزایش سطح آموزش عمومی، اقدام او به تکثیر بحارالانوار در ۲۲ جلد به هزینه شخصی و توزیع رایگان آن بود. وی به ساخت بناها و نهادهای عام المنفعه و ساختن حجره برای طلاب در مکان هایمذهبی نیز علاقه ای مخصوص داشت.(۱) سرانجام، امین الضرب در ۸ شعبان ۱۳۱۶ ه . ق برابر با اول دی ماه ۱۲۷۷ خورشیدیو دسامبر ۱۸۹۸م. درگذشت (۲)و جنازه اش را به نجف بردند و در جنب گلدسته ایوان حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) به خاک سپردند. (۳)

ب) سیره

اشاره

ب) سیره

از میان خدمات امین الضرب به موارد زیر می توان اشاره کرد:

یک_ایجاد خط راه آهن محمود آباد آمل، در سال ۱۳۰۸ ه . ق.(۴)

۱- حدیث عشق ۶، دکتر اصغر مهدوی از او با او، صص ۳۴۴، ۳۴۵ – ۳۴۷.

۲- یزد در اسناد امین الضرب، ص ۱۵.

۳- مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۳، ص ۳۶۲.

۴- محمد حسن خان اعتمادالسلطنه، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، ج ۱، ص ۱۳۰.

ص: ۱۷۶

دو_احداث کارخانه برق.(۱)

سه_احداث کارخانه بلورسازی، در سال ۱۳۰۵ ه . ق.(۲)

چهار_پیشنهاد تأسیس بانک، در سال ۱۲۹۶ ه . ق.(۳)

پنج_پیشنهاد راه اندازیاولین کارخانه ذوب آهن ایران در سال ۱۳۰۴ ه . ق که امتیاز آن را از شاه گرفت، اما موفق به اجرای آن نشد.

شش_تأسیس کارخانه ابریشم بافی در گیلان.(۴)

از دیگر اقدامات امین الضرب، پایه گذاریانجمن تجار در واکنش به اوضاع اقتصادی، سرمایه داری و دخالت بیگانگان در امور تجاری و مالی ایران بود که در پی آن، تاجران به ریاست او خواستند بانکی مخصوص خودشان بر پا کنند که ابتدا در تهران و سپس دیگر شهرستان ها فعالیت داشته باشد.(۵)

ناصرالدین شاه، با عزل نصیرالدوله، وزیر تجارت خود، به میرزا یوسف خان مستوفی الممالک، صدر اعظم، دستور داد که جلسه ای با حضور جامعهتاجران تشکیل دهند و ببینند چه قدم هایی باید برای بهبود تجارت برداشته شود. در این نامه، شاه به اهمیت بازرگانی تأکید کرد و به صدراعظم فرمان داد که به همه تاجران بگوید که او آرزو دارد تجارت پیشرفت کند و از منافع بازرگانان حمایت شود.(۶) تاجران تهران در هفتم شوال ۱۳۰۱ه . ق / ۱۸۸۴ م. تشکیل مجلس وکلای

۱- محمد اسماعیل بانکیان، تاریخ یکصد سال صنعت برق ایران، ص ۵۸.

۲- فریدون، آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون سپهسالار، ص ۳۲۵.

۳- هما ناطق، بازرگانان، ص۳۲.

۴- محمدعلی جمال زاده، گنج شایگان، ص ۱۴۱.

۵- بازرگانان، ص۳۲

۶- فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ص ۳۱۰.

ص: ۱۷۷

تجـار را نیز اعلام کردنـد. آنها از میان خود ۱۰ نماینـده برای این مجلس و بـا همین نـام و همان کارکرد و شـعبه هایی نیز در دیگر ایـالت هـا انتخاب کردنـد. بازرگانان، سـندی را که شامل اهـداف، نظریه ها و حقوق مجلس بود، آماده ساختنـد که پس از دریافت رضایت سلطنتی، این سند، اساسنامه مجلس نام گرفت.(۱)

بازاریان تلاش کردنـد تا نظام اقتصادی و اجتماعی ای را شـکل دهنـد که در پرتو حکم فرمایی قانون، مالکیت خصوصـی و جسم و جـان مردم در امـان باشـد. تـاجران از طریق این مجلس، خواهان تضـمین مالکیت خصوصـی و امنیت جانی همه شـهروندان، توسـط دولت شدند.(۲)

اهداف کلی مجلس وکلای تجار، بدین شرح بود:

اول – امنیت مالی

اول- امنیت مالی

«اراده شـاه به دنبـال آن است که املاک، مال و اعقاب عامه رعیت در امن و امان باشـد و اراده پادشاه این را می طلبـد که مردم، در رفاه باشـند. از آنجایی که شـغل بعضی از مردم این است که با کاغذهای ساختگی و اسناد تقلبی و تناقضی، دست به خرید و فروش املاک و مسـتغلات دیگر مردم بزنند، لازم است چاره ای اندیشه شود و راه چاره این است که خرید و فروش املاک و مسـتغلات و اجاره موقوفات، بایـد دفتر مخصوص در دیوان همایونی داشـته باشد و در این دفتر، اسم و شـرایط معامله مشـخص شود و بهتر اسـت اسم این دفتر، ثبت املاک باشد و مُهر خصوصی از جانب دولت، همراه آن دفتر بوده و هرکس ملکیبا مستغلاتی

۱- زندگینامه حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب، ص ۱۷۲.

۲- محمد امجد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، ترجمه: حسین مفتخری، ص۴۵.

ص: ۱۷۸

خرید و فروش نماید و یا برای اجاره و استجاره، باید در این دفتر، ثبت شود. ایجاد این دفتر، علاوه بر اینکه از تقلب، حیله و تزویر جلوگیری می کند، دولت [نیز] از طریق آن می تواند میزان مالیات را در صورت کم و زیاد شدن، تعدیل کند».(۱)

دوم- ایجاد بانک ایرانی کوچک برای حمایت از تاجران داخلی

دوم- ایجاد بانک ایرانی کوچک برای حمایت از تاجران داخلی

«مجلس وکلای تجار، از شاه درخواست کردند که مجلس وکلا در شهر دارالخلافه، بانکی برقرار سازند که مخصوص اداره تجارت باشد و هر کار تجاری که در مملکت شایع نموده[اند]، ابتدا به صورت آرام و تدریجی و سپس بزرگ و پر منافع کنند که ناصرالدین شاه دستور داد تا خیلی زود ترتیبات آن را داده و بانک ایجاد کنند».(۲)

سوم- حمایت از منافع تاجران محلی در برابر بازرگانان خارجی

سوم- حمایت از منافع تاجران محلی در برابر بازرگانان خارجی

«از آنجایی که اغلب رعایای ایران از وضع معاهدات دولتی خبر نداشته و نیز تجار خارجی، امتعه و پارچه و بلورآلات را که به ایران می آورند، با وعده طولانی و قیمت گزاف به اشخاصی کم بضاعت و بی سرمایه به قرض می دهند و چون این اشخاص سرمایه ندارند، با دادن این اقساط، رفته رفته ورشکست می شوند. بنابراین مال التجاره داخله از بین می رود و تجار خارجی، تمام نفع آن را می برند و برای حفظ اموال تجار ایران و برای اینکه هر کسی نتواند با حیله، مال و سرمایه آنها را به دست آورد، استدعا می شود که این اجازه به مجلس وکلای تجار داده شود که نگذارند

۱- خان بابا بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج۳، ص ۱۴۰.

۲- کتابچه عرایض مجلسی وکلای تجار ممالک محروسه ایران، ۱۳۰۱، پرونده مجلس تجارت، برای مطالعه بیشتر نک: پنجاه سال تاریخ ناصری.

ص: ۱۷۹

احدی، مال التجاره به نسیه و وعده، از تجار خارجی خرید نماید و یا اینکه طبقات پایین دربار، با شیوه های مختلف، از تجار نقد یا جنس می گیرند که در وقت خودش بدهند و چون این نسیه ها را پس نمی دهند، بین آنها نزاع و درگیری روی می دهد و طرفین از اعتبار و زندگی و شغل خود باز می مانند و چنانچه امر فرمایید که هرکس به تجار و کسبه مقروض است، از مواجب او توقیف شود و به موقع در عوض طلب داده شود، این مشکل حل می شود. بنابراین ناصرالدین شاه دستور داد به اطلاع وزیر خارجه و یا تجارت و تجار خارجه برسانند که از این پس، این کار منسوخ و متروک گردد و تا جایی که ممکن است، از تجار خارجی نباید نسیه کاری کنند».(۱)

چهارم – ایجاد و برپا کردن بازار مکاره در ایران

چهارم- ایجاد و برپا کردن بازار مکاره در ایران

«هر ساله از همه ولایات ایران، تجار و بازرگانان، کالای مخصوص مملکت ایران را به بازار مکاره روسیه میبردند که در آنجا مدت ها دست به دست می گشت و اغلب، مال آنها ضایع می شد و یا به بهای کم می دادند و یا در عوض، اجناس و امتعه و بلورآلات و غیره از قبیل چراغ های نفتی، از تجار روسیه و سایر دولت ها گرفته، به ایران می آوردند و یا مجبور می شدند به مسکو و سایر ولایات روسیه برده، سپس مدت ها در آنجا می ماندند تا بتوانند امتعه ایران را به مرور فروخته و در عوض هم برحسب اجبار، مال التجاره و پارچه روسی را با خود به ایران می آوردند. لذا از پادشاه درخواست نمودند در آستارا و یا محل دیگری که سرحد خاک روسیه باشد، بازار مکاره‌ای ایجاد شود که هر سال شصت روز دایر باشد و این موضوع به سایر تجار ممالک ایران و نیز کشورهای خارجی اطلاع داده شود

۱- خان بابا بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج۳، صص ۱۴۱ و ۱۴۲.

ص: ۱۸۰

که در فلان وقت برگزار می شود. پادشاه دستور داد که این امر نیز زود اجرا شود و تجار هرکجا را از قبیل گیلان، انزلی، مازندران و یا آستارا که نزدیک تر است، مشخص نمایند و زودتر، قرار ترویج و ترتیب آن را بدهند».(۱)

پنجم- جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی غیر ضروری خارجی و رواج کالاهای ایرانی در میان مردم

پنجم- جلوگیری از ورود کالاهای مصرفی غیر ضروری خارجی و رواج کالاهای ایرانی در میان مردم

«کالاهای خارجی از قبیل امتعه و اقمشه و غیره به اندازهای در ایران زیاد شده بود که کالاهای نفیس مملکت ایران که از حیث کیفیت و دوام، از کالاهای خارجی بهتر بودند، به علت قیمت پایین کالاهای خارجی، دیگر خریدار نداشتند؛ کارخانجات قدیم تعطیل شده بودند، ارباب صنایع از شغل خود دست کشیده و سرمایه آنها بی فایده گشته بود. تقاضا نمودند که اگر پادشاه حمایت کند، تجار ایرانی متعهد می شوند که در زمانی اندک، در تمام ممالک محروسه ایران، کارخانجات متعددی احداث نمایند و اشخاص بی کار را دارای شغل و کار کنند؛ احتیاجات مردم را به متاع فرنگی خیلی کم کنند و حتی صنایع ایران را نیز به خارج صادر کنند».(۲)

مشکل دیگر این بود که بیشتر کالاهای ایرانیهمچون تریاک، برنج، پنبه و غیره که به خارج صادر می شدند، به خاطر تقلب، از اعتبار آنها کاسته و این موجب پایین آمدن بهای آنها شده بود. بنابراین، از پادشاه خواستند اگر کالای شخصی عیب دار و تقلبی باشد، مباشران دیوان همایون و قونسول های ایرانی مقیم در آنجا، کالای عیب دار را ضبط کند و به دولت خبر دهد تا شخص خطاکار مجازات شود.(۳)

۱- خان بابا بیانی، پنجاه سال تاریخ ناصری، ج۳، صص ۱۴۲ و ۱۴۳.

۲- خسرو معتضد، حاج امین الضرب، ص۵۰۳

۳- پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری، ص ۱۴۳.

ص: ۱۸۱

همچنین اگر امنیت در ایران برقرار می گردید، مردم آزادانه می توانستند برای خرید به هر جای ایران بروند، اما آن دوره بیشتر پول آنها صرف خرید کالاهای بی مصرف خارجی می شد و این امر، سبب تعطیلی کارخانه های داخلی شده بود. بنابراین، از شاه خواستند حکم دهد ارباب صنعت ها و حرفه ها، تولیدات خود را کامل سازند و در ضمن مردم را از استفاده کالاهایخارجی در ظرف مدتی ممنوع کند.(۱) شاه دستور داد برای پیشرفت کارخانه ها و صنایع ایران، همان گونه که تاجران متعهد شده اند، به ولایت ها اعلام کنند کسانی که کالاهای تقلیبتولید می کنند و می فروشند، اموال آنها ضبط شود. در همان زمان مجلس تجارت تهران نیز تأسیس و میرزا عبدالوهاب خان نصیرالدوله، برکنار و علی قلی خان مخبرالدوله، وزیر تجارت شد. مجلس تجارت در شیراز، تبریز، اصفهان، قزوین، کرمان، کردستان، زنجان، کرمانشاه، ساری، بندرلنگه، بندرعباس، ارومیه، بارفروش، خراسان، گیلان، کاشان، همدان و حتی شهرهای بغداد، استانبول و بادکوبه (باکو) تشکیل شد.(۲)

بخش دیگری از کتابچه عرایض مجلس وکلای تجار، شامل جزئیات حقوق قانونی، حقوق گمرکی و مسئولیت مجلس بود، برای سر و سامان دادن به امور تاجران ورشکسته و سامان دادن به مشاجره هاییکه در مورد کالاهای تجاریبا مستغلات، میان بازرگانان با یکدیگر یا میان بازرگانان و دیگر گروه ها، صورت می گرفت.(۳)

برخی از تکلیف های مجلس وکلای تجار چنین بود: «باید اسامی اشخاصی که داخل ایران شغل آنها دلالی بود، ضبط مجلس وکلا باشد و هرکدام اجازه از مجلس

۱- پنجاه سال تاریخ ایران در دوره ناصری، ۱۴۴.

۲- ۴.نک: افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، صص۳۳۲-۳۴۱.

۳- زندگی نامه حاج محمدحسن کمپانی، امین دارالضرب، ص۱۷۳.

ص: ۱۸۲

داشته باشند که در وقت خرید و فروش، به اشخاص غیرمعتبر مال مردم خور، کالایی نفروشند و در هر هفته، صورت خرید و فروش بازار را صحیحاً به مجلس بدهند. تکلیف دیگر آنها این بود تمام مجالس وکلای تجار در هر یک از ولایات، اسکناس و پول چروک و ساغکه محمول است، با کمال جدیت آنها را منسوخ و رواج هر یک را متروک دارند».(۱) در کل، کار آنها نظارت بر تجارت و بازرگانی تاجران در هر ولایت و گسترش کارخانجات و تشویق مردم به مصرف کالای داخلی و جلوگیری از کلاهبرداری در هر سطحی و توسط هر گروهی بوده است.

در ابتدا بر اساس دستور شاه، چرخ های اساسی آن به حرکت در آمد و مجلس تهران به سرپرستی امین الضرب تشکیل شد. سپس شاه به صدراعظم فرمان داد که به همه حاکمان ایالت ها بفرستند و به آنها خبر دهند که باید چنین مجلسی را در قلمروشان برپا کنند و امور مربوط به تجارت و صنف بازرگانان را به آنان ارجاع دهند. تصمیم گیری و نظم دادن به امور با مجلس باشد. حاکمان هم، مجری تصمیم هایآن هیئت و رسیدگی به امور تجارت و مشاجره های میان آنها باشند.(۲)

همزمان امین الضرب به همکاران خود نامه نوشته و از آنان خواست که مجلس محلی را تشکیل دهند. این مجلس به منظور رونق اقتصادی، انجام دادن اقدامات گوناگون را برعهده گرفت. تأسیس کارخانه، راه سازی و استخراج معدن، گسترش تولید ابریشم و ترویج فن ابریشم کشی با ماشین چرخ اروپایی، مراقبت در اصالت کالاهای صادرات به ویژه فرش، متروک داشتن اسکناس

۱- پنجاه سال تاریخ ناصری، صص ۱۴۶ - ۱۴۸.

۲- ۷.. زندگینامه حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب، ص ۱۷۳.

ص: ۱۸۳

های خارجی و پول های فلزی خارجی که مایه پریشانی بازار تجاری و کمیابی پول طلا و نقره می شـد، صدور برات و اعمال شـیوه دفترداری نوین، از اقـدامات آنها بود.(۱)در واقع مجلس وکلای تجار، اولین تشـکیلاتی بود که درخواست هایسیاسـییک گروه مهم اقتصادی را منعکس بازتاب می داد و در حد توان، عملی می کرد. با وجود تلاش هایفراوان صـنف بازرگانان، دست آوردهای این تشـکیلات، پربار نبود و زود تعطیل شد. با این حال، اتحاد صنف تجار از هم نپاشید و از سال ۱۳۰۰ ه . ق شرکت های تجاریتشکیل شد.(۲)

بیشتر شـعبه های مجلس وکلای تجار، طی دو ماه بعـد تأسـیس شـد. در توصـیف وظیفه مجلس، امین الضـرب در نامه ای به یکی از همکاران می نویسـد که پیشـرفت و رفاه کشور، به عملکرد خوب و کارهای این مجلس بسـتگی دارد. اگر موفقیت آمیز باشـد، امید است که آیندگان از آنان به نیکییاد کنند.(۳)در سال اول، مجلس و شـعبه هایش را به کلیشاه حمایت می کرد و این حمایت بدانجا رسـید که وقتی شـکایت هاییبرضـد حـاکم تبریز به آگاهیشـاه رسـید، شـاه در نـامه ایاو را توبیـخ کرد و به این نکته توجه داد که در صورت همکـارینکردن با وکلای تجار، از مقامش عزل خواهـد شـد. گروه هایی که منافعشان در خطر بود، قـدرتی بیشتر از تاجران داشـتند. مهم ترین این افراد، حکما و علما بودنـد. افول مجلس از تبریز آغاز شد و با اینکه ولی عهد کشور، مظفرالدین میرزا، از آن حمایت می کرد، علما آشکارا با اعضای مجلس و تصمیم های آنان درباره

۱- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، صص۳۱۴-۳۱۵

۲- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ص ۳۷۰

۳- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، ص ۳۱۰

ص: ۱۸۴

ورشکستگی، مخالفت می کرد؛زیرا اینجا میدانی بود که در آن، هم حاکمان و هم عالمان سود می بردند و پیش از شکل گیری مجلس وکلای تجار، درگیری هایمربوط به ورشکستگیرا مجتهد و حاکم، حل و فصل می کردند. بدین ترتیب بازرگانان ورشکسته با دادن رشوه به مجتهد و حاکم، می توانستند رأیدلخواه تری برای خود در برابر طلبکاران به دست آورند. براثر مخالفت علما، رئیس مجلس و وکلای تجار تبریز از کار کناره گیریکردند و از اجرای وظایف خود بازماندند. به دنبال آن، مجلس وکلای تجار قزوین نیز تعطیل شد. هنوز مجلس تهران به کار خود ادامه می داد و شاه از آن حمایت می کرد، ولی مخبرالدوله که به تازگی به سمت وزیر بازرگانی منصوب شده بود، ضد مجلس و هم پیمان حکام بود. وزیر جدید در هر ایالت، فردی را به ریاست تجار منصوب می کرد که یا نظامی بود یا از بازرگانیچیزی نمی دانست.(۱)

به دنبال کارهایمستبدانه و نادرست حاکمان، امین الضرب نامه ای محرمانه در سال ۱۳۰۳ه . ق /۱۸۸۵ م. به شاه نوشت و در آن گفت که حکام نمی گذارند شورای تجارتی به کار خود ادامه دهد و آنچه می خواهنداز رعیت بیچاره می گیرند و املاک مردم را نیز مصادره می کنند. در ادامه، پیشنهاد داد بازرس هایی بی طرف از میان انتخاب شوند تا مسائل هر ایالت را تعیین کنند و بدون ترس از تلافی حکام، بتوانند گزارش هایی در مورد امور ایالت ها و شرح کارهای غیر قانونی حکام را منعکس سازند و به طور مستقیم، به شاه خبر دهند.(۲)

این پیشنهادها در واقع چنان حرکت انقلابی بود که شاه حتی با مشورت های

۱- زندگی نامه حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب، ص ۱۷۴.

۲- افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، صص۳۶۷ و ۳۶۸.

ص: ۱۸۵

پیاپی با امین الضرب، باور نمی کرد که بتوان این طرح را به مرحله اجرا در آورد. در نتیجه، امین الضرب دلسرد شد و دو سال پس از تأسیس مجلس وکلای تجار از ریاست کناره گیری کرد. کار مجلس هم به تدریج متوقف شد. البته باید افزود که در کارشکنی های حکام ضد مجلس وکلای تجار، دولت های بیگانه نیز دست داشتند. با اجرای قوانین جدید این شورا، فروش کالاهای دولت های خارجی کاهش می یافت. بنابراین، برایاز بین بردن این مجلس، همه تلاش خود را کردند.(۱)

ج) پیام

ج) پیام

امین الضرب از شخصیت هایی است که در دوره قاجار می زیست. او تاجر بانفوذ و اثرگذاری بود که در راه استقلال و برپای خود ایستادن ایرانیان، کارخانه های متعددی راه اندازی کرد و پیشنهادهای مهم دیگری داد که هر یک می توانست از وابستگی ایران به بیگانگان بکاهد.

۶. برادران علیو حسین همدانیان

اشاره

۶. برادران علیو حسین همدانیان

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

زنده یادها علی وحسین همدانیان به ترتیب در سال های۱۲۸۷ و۱۲۸۹ ه.ش در خانواده ای مذهبی دیده به جهان گشودند. پدر آنها، حاج محمدرضا همدانی از تاجران معتبر اصفهان بود و در حمایت از انقلاب مشروطه نقش بسزایی داشت.مرحوم علی همدانیان دارای روحیه ای پرتلاش، بلندپرواز و کارآفرین و دارای اندیشه های خلاق، تیزبین و آینده نگر بود. وی درسال ۱۳۱۴ در

۱- زندگی نامه حاج محمدحسن کمپانی امین دارالضرب، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

ص: ۱۸۶

۲۷ سالگی با تأسیس «شرکت صنایع پشم اصفهان»، فعالیت صنعتی خود را در سطح وسیعی آغاز کرد.

سپس در سال ۱۳۲۹ با همکاری و همیاری برادرش، حسین با تأسیس شرکت سهامی ریسندگی و بافندگی بافناز (شهناز سابق) فعالیت صنعتی شان وارد مرحله جدیدیشد و با درایت و تلاش خستگی ناپذیر خود توانستند آن کارخانه ها را به عنوان بزرگ ترین کارخانه های نساجی در خاورمیانه اداره کنند.علی همدانیان در سال ۱۳۳۴ به همراه برادر خود به عنوان سهام داران اصلی، چهارمین کارخانه سیمان ایران را با نام «شرکت سهامی سیمان اصفهان» تأسیس و در سال هایبعدی، با افزایش ظرفیت و تولید در این کارخانه، زمینه اشتغال هزاران نفر را فراهم کردند.علی همدانیان در سال ۱۳۴۲ دارفانی را وداع گفت و در مقبره خانوادگی شان واقع در تخت فولاد اصفهان به خاک سپرده شد.

حسین همدانیان پس از فوت برادرش، مسئولیت اداره واحدهای صنعتیاد شده را بر عهده گرفت و در سال ۱۳۴۴ دست به کار بزرگ و بی سابقه ای زد. وی «مؤسسه خیریه علی وحسین همدانیان» را به عنوان بزرگ ترین بنیاد خیریه و نیکوکاری درایران، ایجاد و همه سهام و اموال منقول و غیرمنقول و کارخانه ها را به این مؤسسه واگذار کرد. ویبه مدت چند سال، امور جاری مؤسسه را همراه با دیگر اعضای هیئت امنایاین خیریه اداره می کرد.

حسین همدانیان در سال ۱۳۴۵ بخشی از سهام شرکت قند نقش جهان را خرید و در سال ۱۳۵۴ سرمایه مؤسسه را به میزان ۸ میلیارد ریال به ثبت رساند. ویدر خردادماه ۱۳۵۷ درگذشت و در آرامگاه خانوادگیهمدانیان واقع در تخت فولاد اصفهان در کنار مزار برادر به خاک سپرده شد.

ص: ۱۸۷

ب) سیره

ب) سیره

مؤسس و مدیرعامل شرکت صنایع پشم اصفهان سال ۱۳۱۴؛

تأسیس و مدیریت شرکت صنایع ریسندگی و بافندگی شهناز سال ۱۳۲۹؛

ساخت تأسیسات خط لوله کشی آب آشامیدنی در بخش شمال شرقی اصفهان معروف به محله آب ۲۵۰؛

ساخت کارخانه نساجی بزرگ اصفهان به نام کارخانه شهناز که عامل بسیار مؤثری در کارآفرینیدر زمان خود، در شهرستان اصفهان به شمار می رود؛

صادرات مصنوعات کارخانه هایبافندگی اصفهان به خارج از کشور به ویژه کشورهای عربی و عربستان سعودی؛

تولید و بافت پارچه تترون برای اولین بار در ایران در کارخانه هاینساجی اصفهان؛

کارآفرینی برای۴۲۰۰ کارگر در سال ۱۳۴۲ و تولید و تهیه ۱۲۰ هزار پارچه و هزاران بقچه انواع نخ های مصرفی در صنایع نساجی کشور؛

ساخت چهارمین کارخانه سیمان در کشور سال ۱۳۳۴ که در سال ۱۳۳۷ با یک کوره ۲۰۰تنی به روش مرطوب به بهره برداری رسیده؛

تأسیس کارخانه بافناز (شهناز سابق) در سال ۱۳۲۹ با مشارکت برادر خود، علی همدانیان؛

تأسیس و راه اندازی کارخانه سیمان اصفهان در سال ۱۳۳۴؛

تأسیس و راه اندازییک واحد دام داری و دام پروری بزرگ در منطقه حسن آباد؛

ص: ۱۸۸

خرید بخشی از سهام شرکت قند نقش جهان و فعال سازی آن در سال ۱۳۴۵؛

تأسیس بنیادخیریه علی وحسین همدانیان درسال۱۳۴۲که یکی ازبزرگ ترین بنیادهایخیریه ونیکوکاری در ایران تا زمان تأسیس بوده؛

ریاست هیئت امنای خیریه علی وحسین همدانیان.(۱)

ج) پیام

ج) پیام

حکومت پادشاهی برای بسیاری از ایرانیان ارمغانی به همراه نداشت، اما در گوشه و کنار جامعه شاهنشاهی، بودند مردمانی که با تمام وجود و همه امکانات در راه استقلال و خودکفایی ایرانیان و اشتغال آنان به میدان آمدند و سرمایه گذاری کردند. برادران همدانیان از صفر شروع کردند، ولی باپشتکار و همت بلند خویش توانستند کارخانه ها و مؤسسه های فراوانی برپا کنند که برخی از آنها بعد از گذشت نیم قرن همچنان در عرصه تولید ملی نقش آفرین است.

۷. سیدرضا فیروز آبادی

اشاره

۷. سیدرضا فیروز آبادی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

آیت الله سید رضا فیروزآبادی در سال ۱۲۵۳ ه . ش در روستای فیروزآباد از توابع شهر ری دیده به جهان گشود. وی تحصیلات ابتدایی را در تهران به پایان رسانید. آن گاه برای ادامه وتکمیل دروس خویش عازم نجف اشرف گردید و از محضر بزرگانی چون حضرات آیات آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی وشیخ

۱- www.hamedanian.com.

ص: ۱۸۹

الشریعه اصفهانی بهره جست. وی جزو هیئت علمیه تهران بود و در دوره سوم، ششم، هفتم و چهاردهم مجلس شورای ملی از طرف مردم تهران و شهری به نمایندگی انتخاب شد. وی حقوق نمایندگی خود را صرف ساخت بیمارستان و دیگر مراکز عام المنفعه کرد. وی از هم فکران شهید مدرس بود و در مبارزات سیاسی و پارلمانی و جلوگیری از تسلط بیگانگان نقشی مؤثر داشت. حاج سید رضا فیروزآبادی در سال ۱۳۴۴درگذشت.

ب) سیره

ب) سیره

آیت الله سید رضا فیروزآبادی از مردان بزرگ عرصه دین بود که فعالیت های اجتماعی و سیاسی وی دامنه گسترده تری داشت. ساده زیستی، قناعت، پشتکار و رسیدگی به امور نیازمندان از شاخص ترین ویژگی های اخلاقی و شخصیتی وی بود. وی با همه لوایح دولتی که نیاز به اعتبار مالی داشت، مانند استخدام افراد متخصص خارجی، مخالفت می کرد و معتقد بود راه اصلاحات در صرف درآمدها به نفع مردم و رساندن مخارج به مصرف امور عام المنفعه است. وی در زندگی شخصی خویش با وجود به دوش داشتن مسئولیت اداره خانواده و عشق فراوان به درس و فراگیری علوم دینی، به مدت دوشبانه روز در هفته به زراعت در فیروزآباد می پرداخت. روحیه استقلال طلبی و بی نیازی از دیگران را در موضع گیری های ایشان در مجلس می توان مشاهده کرد. وی در آغاز دوره حکومت پهلوی اول در نطق خودگفت:

بنده بااین ماده که حفر چاه باشد، کاملا موافقم و امیدوارم خیلی از این قبیل لوایح به مجلس بیاید و عملی هم بشود.

ص: ۱۹۰

چرا؟برای اینکه همه مسبوقیم که می گوینـد ایران سـی و پنـج هزار فرسـخ زمین دارد. در صورتی که پنج هزار فرسخ آن بیشتردایر نیست و سـی هزار فرسـخ آن بـایر است و مـا بایـد سـعی کنیم که ان شـاء الله به وسـیله این قبیل کارها همه این اراضـی دایرشود، اما چیزی که در این لایحه ما بایـد در نظر بگیریم، این است که باید اشخاصـی که این قبیل امتیازات را می خواهند، تسـهیلات بدهیم و به قدری باید برای آنها تسهیل فراهم کرد که آنها در ضمن عمل به هیچ مانعی بر نخورند که هم بتوانند کارشان را تمام کنند و هم موجب تشویق آنها و دیگران شونـد.از این جهت، بنـده عقیـده دارم که هرچه ما بتوانیم باید در این ماده و همین طور در سایر موارد تسـهیلات فراهم کنیم و صاحب امتیاز را آزاد بگذاریم. یعنی همین قدر امتیاز بدهیم و دیگر به حال خودش آزادبگذاریم که مانعی پیش نیاید. البته کسـی که خودش را حاضـر برای این کار می کند، می داند که متخصص لازم دارد و باید چاه را در جایی حفرکند و آب بیرون بیاورد که محل مصرف داشته باشد، لابد خودش این قبیل چیزها را می داند. این است که بنده گمان می کنم به واسطه این مواد ممکن است اشکالاتی پیش بیاید.

وی در جایی دیگر نیز گفته است:

عرض می شود ما همیشه باید تشویق کنیم که در این مملکت کارخانجات و موسـسات اقتصادی دایر و افتتاح شود. معادن اسـتخراج شود و روی هم رفته باید طوری کرد که از واردات

ص: ۱۹۱

کاسته و بر صادرات افزوده شود . یک کارخانه صحیحی وارد این مملکت کرده اند. متأسفانه این کارخانه به واسطه نداشتن سرمایه و نداشتن پول از کار افتاده و برای به کار انداختن آن از دولت تقاضای قرضه کرده اند و بیست هزارتومان تقاضا کرده اند که به آنها داده شود تا سرمایه این کارخانه قرار دهند. اگر این کار شود و در مدت ۲۴ساعت این کارخانه کار کند، می تواند ۱۲۰بقچه نخ بدهد که ۴۰۰ و ۵۰۰ تومان قیمت خواهد داشت و از این طرف، دیگر فایده ای که برای ما خواهد داشت، این است که ما مجبور نخواهیم بود پنبه خودمان را ارزان به دیگران بفروشیم و برای صنایع داخلی هم به کارخواهد رفت و از آن طرف، صنایع ما هم تشویق می شود. پس خوب است آقایان موافقت فرمایند که این مساعدت نسبت به این کارخانه بشود تا تکلیف صاحبان آن هم معیّن شود و ان شاءالله کسی در این باب مخالفت نخواهد کرد.(۱)

ج) پیام

ج) پیام

آیت الله سید رضا فیروز آبادی از مردان عرصه دین وسیاست و اجتماع بود که هم در زندگی شخصی خود به خودکفایی اهمیت می دادو هم در عرصه اجتماعی برای بی نیازی جامعه از بیگانگان تلاش می کرد و هم در بعد سیاسی مانع تصویب لوایحی می شد که به استقلال اقتصادی کشور آسیب می زد .

۱- «در نقل ونقد احوال تاریخ سازان معاصر»، روزنامه جوان، ۱۵/۵/ ۱۳۹۱، ۳۷۴۹، ص ۱۱.

ص: ۱۹۲

۸.پرفسور سید محمود حسابی

اشاره

۸.پرفسور سید محمود حسابی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

سید محمود حسابی در سال ۱۲۸۱ خورشیدیاز پدر و مادری تفرشی در تهران زاده شد. پس از سپریکردن چهار سال از دوران کودکی در تهران، به همراهخانواده (پدر، مادر، برادر) عازم شامات شد. در هفت سالگی تحصیلات ابتدایی خود را در بیروت، با تنگدستی و سختی های دور از وطن، در مدرسه کشیش های فرانسوی آغاز کرد و همزمان، مادر فداکار، متدین و فاضل خود (خانم گوهرشاد حسابی)، تعلیمات مذهبی و ادبیات فارسی را به او آموزش داد. سیدمحمود، قرآن کریم را حفظ و به آن اعتقادی ژرف داشت. دیوان حافظ را نیز از بر بود و به بوستان و گلستان سعدی، شاهنامه فردوسی، مثنوی مولوی ومنشات قائم مقام اشراف کامل داشت.

شروع تحصیلات متوسطه او همزمان با آغاز جنگ اولجهانی و تعطیلی مدارس فرانسوی زبان بیروت بود. ازاین رو، پس از دو سال تحصیل در خانه، برای ادامه به کالج امریکایی بیروت رفت و در هفده سالگی لیسانس ادبیات، در نوزده سالگی لیسانس بیولوژی و پس از آن مدرک مهندسی راه و ساختمان را دریافت کرد. در آن زمان با نقشه کشی و راهسازی، به امرار معاش خانواده کمک می کرد. استاد همچنین در رشته های پزشکی، ریاضیات و ستاره شناسی به تحصیلات آکادمیک پرداخت.

شرکت راهسازی فرانسوی که استاد در آن مشغول به کار بود، به پاس قدردانی از زحمت های وی، ایشان را برای ادامه تحصیل به کشور فرانسه اعزام کرد و بدین ترتیب در سال۱۹۲۴م. به مدرسه عالی برق پاریس وارد و در سال ۱۹۲۵ م. فارغ التحصیل شدند.

ص: ۱۹۳

همزمان با تحصیل در رشته معدن، در راه آهن برقی فرانسه مشغول به کار شد و پس از پایان تحصیل در این رشته، کار خود را در معادن آهن شمال فرانسه و معادن زغال سنگ ایالت سار آغاز کرد. سپس به دلیل داشتن روحیه علمی، به تحصیل و تحقیق در دانشگاه سوربن در رشته فیزیک پرداختو در سال ۱۹۲۷ م. در ۲۵ سالگی دانشنامه دکترای فیزیک خود را با ارائه رساله ایبا عنوان «حساسیت سلول های فتوالکتریک» با درجه عالی دریافت کرد.

استاد با شعر و موسیقی سنتی ایران و موسیقی کلاسیک غرب به خوبی آشنایی داشت و در چند رشته ورزشی، موفقیت هاییرسیده بود که از آن میان، می توان به دیپلم نجات غریق در رشته شنا اشاره کرد. پروفسور حسابی به دلیل عشق به میهن و با وجود امکان ادامه تحقیقات در خارج از کشور، به ایران بازگشت و با ایمان و تعهد، به خدمتی خستگی ناپذیر پرداخت تا جوانان ایرانی را با علوم نوین آشنا سازد.

استاد، تنها شاگرد ایرانی پرفسور انیشتین بوده و در طول زندگی، با دانشمندان برتر جهان، همچون شرودینگر، بورن فرمی، دیراک و بوهر و با فلاسفه و ادبایی همچون آندره ژید و برتراند راسل، تبادل نظر داشتهاست.

جامعه علمی جهانی او را در سال ۱۹۹۰ م. به عنوان «مرد اول علمی جهان» برگزید و در کنگره «شصت سال فیزیک ایران» در سال ۱۳۶۶خورشیدی، به «پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران» مشهور شد.

پرفسور حسابی، در ۱۲ شهریور ۱۳۷۱، در بیمارستان دانشگاه ژنو، به هنگام معالجه قلبی، بدرود حیات گفت. مقبره استاد، بنا به خواست ایشان، در زادگاه خانوادگی، در شهر دانشگاهی تفرش قرار دارد. (۱)

۱- ایرج حسابی، استاد عشق نگاهی به زندگی و تلاش های پرفسور سید محمود حسابی، پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران، صص ۱۵و۱۶.

ص: ۱۹۴

ب) سیره

ب) سیره

پرفسور حسابی، در استقلال و خودکفایی ایران، با تلاش در راه دانش افزایی این مرزوبوم، نقش ارزنده ای از خود به یادگار گذاشته است که به نمونه ای از آنها اشاره می کنیم:

یک_راه اندازی اولین آسیاب آبی تولید برق (ژنراتور) در کشور (آشتیان، نزدیک تفرش) به سال ۱۳۰۵ خورشیدی/ ۱۹۲۶ م.

دو_ایجاد اولین کارگاه های تجربی در علوم کاربردی در ایران به سال ۱۳۰۶ خورشیدی/ ۱۹۲۷ م.

سه _تأسیس اولین مدرسه مهندسی وزارت راه و تدریس در آن، به سال ۱۳۰۷ خورشیدی/ ۱۹۲۸ م.

چهار_ایجاد اولین آزمایشگاه علوم پایه در کشور، به سال ۱۳۰۷ خورشیدی/ ۱۹۲۸ م.

پنج_ساخت اولین رادیو در کشور (در دارالمعلمین عالی) سال ۱۳۰۷ خورشیدی/ ۱۹۲۸ م.

شش _تأسیس دانش سرای عالی و تدریس فیزیک و مکانیک در آن، به سال ۱۳۰۸ خورشیدی/ ۱۹۲۹ م.

هفت _تأسیس اولین کارگاه ساخت قطعات دست ساز برای اتومبیل های ایران، به سال ۱۳۰۹ خورشیدی.

هشت _ساخت و راه اندازی اولین آنتن فرستنده در کشور، به سال ۱۳۰۹خورشیدی/ ۱۹۳۰ م.

نه_ایجاد اولین ایستگاه هواشناسی کشور (در ساختمان دانش سرای عالی در نگارستان دانشگاه تهران)، به سال ۱۳۱۰خورشیدی/ ۱۹۳۱م.

ص: ۱۹۵

ده _نصب و راه اندازی اولین دستگاه رادیولوژی در ایران، برای برادر، دکتر محمد حسابی، اولین رادیولوژیست ایران، به سال ۱۳۱۰ خورشیدی/ ۱۹۳۱ م.

یازده _تأسیس اولین بیمارستان خصوصی در ایران؛ بیمارستان گوهرشاد (به نام مادر گرامی شان)، با همکاری برادر، دکتر محمد حسابی، به سال ۱۳۱۲ خورشیدی/ ۱۹۳۳م.

دوازده _تأسیس دانشکده علوم، در سال ۱۳۲۱ خورشیدی و ریاست آن دانشکده به فاصله سال های ۱۳۲۱ - ۱۳۲۷ و ۱۳۳۰ - ۱۳۳۶ خورشیدی تدریس در آن از آغاز تأسیس تا پایان عمر، به سال ۱۳۲۱ خورشیدی/ ۱۹۴۱ م.

سیزده _راه اندازی مرکز عدسی سازی اپتیک کاربردی در دانشکده علوم دانشگاه تهران، به سال ۱۳۲۳ خورشیدی/ ۱۹۴۴ م.

چهارده _ساخت اولین رصدخانه نوین در ایران، به سال ۱۳۲۴ خورشیدی/ ۱۹۴۵ م.

پانزده _راه اندازی اولین مرکز زلزله شناسی کشور، ۱۳۲۸ خورشیدی/ ۱۹۴۹ م.

شانزده _تأسیس و ریاست مؤسسه ژئوفیزیک دانشگاه تهران، به فاصله های سال ۱۳۳۰ - ۱۳۴۴ خورشیدی ۱۹۵۱ - ۱۹۶۵ م.

هفده _پایه گذاری مرکز تحقیقات اتمی دانشگاه تهران، به سال ۱۱۳۰خورشیدی/۱۹۵۱ م.

هجده _راه اندازی اولین مرکز لیزر ایران، به سال ۱۳۴۵ خورشیدی/ ۱۹۶۶ م.

نوزده _تأسیس و راه اندازی رآکتور اتمی دانشگاه تهران و ایجاد سازمان انرژی اتمی ایران، به سال ۱۳۴۹ خورشیدی/ ۱۹۷۰م.

بیست _تدوین آیین نامه کارخانجات نساجی کشور و نگارش رساله چگونگی حمایت دولت در رشد این صنعت

ص: ۱۹۶

بیست و یک _استفاده از انرژی خورشیدی در ایران، به سال ۱۳۶۰ خورشیدی/ ۱۹۸۱ م.

بیست و دو _تدوین اصول اندازه گیری و مقیاس گذاری و ایجاد اداره اوزان و مقیاس ها (مؤسسه استاندارد)، به سال ۱۳۱۱ خورشیدی.(۱)

ج) پیام

ج) پیام

دکتر محمود حسابی، از دانش آموختگان غرب بود که دل در گرو وطن خویش داشت. وی نزدیک به هفتاد سال در زمینه های گوناگون مهندسی و فیزیک فعالیت کرد و به عنوان فرد اول علمی جهان و پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران، فهرستی بلند بالا از اقدامات خود در زمینه تولید داخلی بر جای گذاشت.

۹. دکتر سعید کاظمی آشتیانی

اشاره

۹. دکتر سعید کاظمی آشتیانی

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

زندهیاد دکتر سعید کاظمی آشتیانی، در نخستین روز از فروردین ماه ۱۳۴۰ در تهران به دنیا آمد. آثار نبوغ از همان سنین نوجوانی و جوانی در وی قابل مشاهده بود، به طوری که در سال ۱۳۵۸ در ۱۸ سالگی هم زمان با ورود به دانشگاه، در هنرستان پیام امید به تدریس ادبیات و بینش اسلامی می پرداخت.

وی سال ۱۳۵۸ در رشته فیزیوتراپی دانشگاه علوم پزشکی ایران پذیرفته

۱- ایرج حسابی، استاد عشق نگاهی به زندگی و تلاش های پرفسور سید محمود حسابی، پدر علم فیزیک و مهندسی نوین ایران، صص ۱۶۴ و ۱۶۵.

ص: ۱۹۷

شـد. تعطیلی دانشـگاه هـا به علت آغـاز انقلاب فرهنگی و حضور وی در جبهه های نبرد در آن سال ها سـبب شـد پس از ۱۱ سال، سرانجام در سال ۱۳۶۹ با دریافت مدرک کارشناسی ارشد در رشته فیزیوتراپی از دانشکده علوم توان بخشی فارغ التحصیل شود.

در سال ۱۳۶۱ بـا همکـاری دو تن از همکارانش، جهاد گروه پزشـکی را در دانشـگاه علوم پزشـکی ایران تأسـیس کرد. این گروه، هسته اولیه جهاد دانشگاهی علوم پزشکی ایران بود که در سال ۱۳۶۵ شکل گرفت و دکتر کاظمی تا سال ۱۳۷۰ عهده دار مسئولیت بخش طرح هـا و تحقیقـات آن بود. از سـال ۱۳۷۱ با تغییرات ساختار مـدیریتی جهاد دانشـگاهی به سـمت ریاست جهاد دانشـگاهی واحد علوم پزشکی ایران منصوب شد که این مسئولیت تا پایان دوره حیاتش بر عهده وی بود.

کاظمیـدر طول این سـال هـا، مراکز درمـانی متعـددی، تأسـیس و گروه هـای مختلف پژوهشـی را راه انـدازی کرد که در آن میـان، پژوهشـکده رویان جهاد دانشـگاهی، یکی از مهم ترین این مراکز بود. پژوهشـکده رویان جهاددانشگاهیدر خرداد ۱۳۷۰ با مدیریت دکتر کـاظمی فعالیت خود را آغاز کرد و تاکنون هزاران زوج نابارور با بهره منـدی از خـدمات این مرکز پیشـرفته درمان ناباروری، صاحب فرزند شده اند. دکتر کاظمی در همین دهه و هم زمان با مدیریت جهاد دانشـگاهی علوم پزشکی ایران و پژوهشکده رویان، در دانشـگاه تربیت مـدرس به ادامه تحصـیل در رشـته علوم تشـریح با گرایش جنین شناسـی پرداخت و در سال ۱۳۷۶ بـا رتبه ممتاز موفق به دریافت درجه دکتری شد.

دانش فراوان، هوش سرشار، توان مدیریتی بالا از یک سو و تعهد، اخلاص و

ص: ۱۹۸

ایمـان همیشـگی او به خداونـد متعـال از سویی دیگر سـبب شـد تـا در دوران حیات کوتاهش در دو حوزه مـدیریتش، موفقیت های چشم گیری همچون گسترش روش های پیشـرفته درمان ناباروری، تولید و تکثیر و انجماد سـلول های بنیادی جنینی و همانند سازی (کلونینیگ) حیوانات را رقم بزند.

او در اعتلای نـام جمهوری اسـلامی ایران در عرصه هـای بین المللی نیز بـا ثبت این پیشـرفت ها، حضور در کنگره های متعـدد بین المللی و ابتکار برگزاری جشنواره بین المللی رویان، سهمی از یاد نرفتنی دارد.

غروب چهـاردهم دی ماه ۱۳۸۴، قلب این انسـان والا از تپیـدن ایسـتاد و علاوه بر خانواده و دوسـتانش، جامعه علمی کشور را نیز در سوگ و ماتم فقدانش نشاند.

ب) سیره

اشاره

ب) سیره

پژوهشگاه رویان، هشتم خرداد ۱۳۷۰ به عنوان مرکز جراحی محدود با هدف خدمات رسانیدرمانی به زوج های نابارور و پژوهش و آموزش در زمینه علوم باروری و ناباروریبه دست زنـده یاد دکتر سـعید کاظمی آشتیانی و گروهی از پژوهشـگران و همکارانش در جهاد دانشـگاهی علوم پزشـکی ایران تأسـیس شد. پژوهشـگاه رویان در سال های ۱۳۷۷ و ۱۳۸۷ به ترتیب، مجوز مراکز تحقیقـات علوم سـلولی و مرکز تحقیقـات پزشـکی تولیـد مثـل را از شورای گسترش دانشـگاه هـای علوم پزشـکی وزارت بهـداشت، درمـان و آموزش پزشکی دریافت کرد. در آبان ۱۳۸۸ نیز شورای گسترش آموزش عالی وزارت علوم، تحقیقات و فن آوری با ارتقای آن از پژوهشکده به پژوهشگاه رویان موافقت کرد.

ص: ۱۹۹

فعالیت های پژوهشگاه

فعالیت های پژوهشگاه

این پژوهشگاه، فعالیت های پژوهشی و آموزشی و نیز درمانی خود را در قالب سه پژوهشکده و دو مرکز خدمات تخصصی (مرکز درمان ناباروری و مرکز سلول درمانی) با راهبرد از علم تا کاربرد انجام می دهد.

۱. پژوهشکده زیست شناسی و فن آوری سلول های بنیادی رویان:

این پژوهشکده در زمینه طب پیوند با شناخت مبانی پایه زیست شناسی سلول های بنیادی، توسعه تحقیقات ترجمانی سلول های بنیادی روی حیوانات آزمایشگاهی و انجام کارآزمایی های بالینی فعالیت دارد. این پژوهشکده شامل گروه های پژوهشی سلول های بنیادی و زیست شناسی تکوینی، فن آوری نانو و زیست مواد، زیست پزشکی ترمیمی و سلول درمانی، زیست شناسی سامانه های مولکولی است.

۲. پژوهشکده زیست شناسی و طب تولیدمثل رویان:

این پژوهشکده در زمینه افزایش میزان باروری، سلامت جنین و بهبود سلامت جامعه از طریق تحقیق و درمان ناباروری در حوزه های مختلف تولید مثل فعالیت دارد. این پژوهشکده شامل گروه های پژوهشی ژنتیك تولید مثل، جنین شناسی، اپیدمیولوژی و سلامت باروری، اندوکرینولوژی و ناباروری زنان، آندرولوژی، تصویربرداری تولید مثل است.

۳. پژوهشکده زیست فن آوری جانوری

این پژوهشکده در زمینه تولید دام و محصولات وابسته و مرتبط با زیست فن آوری آن فعالیت دارد. پژوهشکده شامل گروه های پژوهشی مهندسی ژنتیك، زیست شناسی سلول جنسی و گروه زیست فن آوری جانوری است.

ص: ۲۰۰

۲۶ مورد ثبت اختراع

موفقیت در چرخه از تولید علم تا کاربرد آن نظیر پیوند سلول های بنیادی به بیماران سکته قلبی، آسیب های قرنیه، ایسکمی اندام های تحتانی، ویتیلیگو و بهبود این بیماران و ارائه خدمات در بعضی از این حوزه ها

تولید بزهای تراریخت مولد فاکتور انعقادی۹

بلوغ تخمک دام های اهلی (بز، گوسفند و گاو) در محیط آزمایشگاهی، انجام لقاح آزمایشگاهی، انجماد جنین ها به دنبال آن، انتقال به مادران رضاعی و تولید حیوانات سالم

تأثیر فن آورانه نتایج پژوهشی

باروری آزمایشگاهی در انسان

شبیه سازی تولیدمثلی در حیوانات اهلی

انجماد سلول جنسی و جنین انسان

تشخیص ژنتیکی قبل از لانه گزینی

مهندسی بافت

تولید پروتئین های نوترکیب

تولید وجداسازی انواع سلول های بنیادی جنینی بزرگ سالان و بندناف

تولید جنین های دامی

تأثیر اقتصادی نتایج پژوهشی

پژوهشگاه رویان همواره به تأثیر اقتصادی تحقیقات خود همچون جنبه های علمی آن توجه داشته است. درهمین راستا در سال ۱۳۸۷ موفق به تولید فاکتور رشد فیبروبلاستی انسان شد که منجر به صرفه جویی ارزی قابل توجهی

ص: ۲۰۱

گشته است. در همین راستا، تولید دیگر فاکتورهای رشد را نیز در زمینه کاری خود قرارداده است.

ملاحظات دیگر

ملاحظات دیگر

برگزاریازده دوره کنگره بین المللی زیست شناسی وطب تولید مثل رویان

برگزاری شش دوره کنگره بین المللی زیست شناسی و فناوری سلول های بنیادی رویان

برگزاری ۱۰۲ کارگاه داخل کشوری در زمینه تولید مثل و یا سلول بنیادی

برگزاری ۲۷ کارگاه بین المللی در زمینه تولید مثل و یا سلول بنیادی

برگزاری ۱۶ کارگاه علمی در زمینه تولید مثل

افتخارات رویان

افتخارات رویان

پژوهشگاه رویان در زمینه خدمات درمان ناباروری، سلول های بنیادی و زیست فن آوری نیز تا کنون موفقیت های زیادی را به نام خود ثبت کرده است. از آن جمله است:

تولد اولین کودک حاصل از روش باروری آزمایشگاهی IVF در تهران (۱۳۷۱)

تولد اولین کودک حاصل از روش میکرواینجکشن ICSI در کشور (۱۳۷۳)

تولد اولین کودک حاصل از روش تشخیص ژنتیکی قبل از لانه گزینی جنین (PGD) در ایران (۱۳۸۳)

استفاده از سلول های بنیادی برای ترمیم ضایعات قلبی ناشی از سکته

ص: ۲۰۲

برای نخستین بار در کشور (۱۳۸۳)

استفاده از سلول های بنیادی برای ترمیم ضایعات قرنیه چشم برای نخستین بار در کشور (۱۳۸۴)

تأسیس نخستین بانک خصوصی خون بند ناف نوزادان (۱۳۸۴)

تولد نخستین حیوان شبیه سازی شده خاورمیانه (رویانا) (۱۳۸۵)

تولد دو گوساله و سه بزغاله شبیه سازی شده (۱۳۸۸)

تولید سلول های بنیادی پرتوان القایی انسانی (iPS۱۳۸۷) ()

استفاده از سلول درمانی برای بهبود و درمان بیماران ویتیلیگو برای نخستین بار در کشور (۱۳۸۷)

تاسیس نخستین بانک عمومی خون بند ناف (۱۳۸۷)

تولد اولین بزغاله تراریخته حاوی ژن تولید کننده فاکتور۹ انعقادی خون انسان (۱۳۸۸)

تولد اولین بزغاله تراریخته حاوی ژنtPA(Tissue Plasminogen Activator) انسانی (۱۳۸۹)(۱)

ج) پیام

ج) پیام

دکتر سعید کاظمی آشتیانی از چهره های جوان و بااستعدادبود که با بهره گیری از زمینه های فراهم آمده توانست در حیات کوتاه مدت خود، گام هایی بلند و اساسی در عرصه خودکفایی وابتکار با رویکرد پزشکی بردارد .

۱- www.royaninstitute.org/cmsfa.

ص: ۲۰۳

۱۰. شهید حسن تهرانی مقدم

اشاره

۱۰. شهید حسن تهرانی مقدم

زیر فصل ها

الف) زندگی نامه

ب) سیره

ج) پیام

الف) زندگی نامه

الف) زندگی نامه

این بچه محله سرچشـمه، جوانکی لاغرانـدام و سـر به زیر بـا موهای فرفریبود که ماننـد بسـیاری از جوانان نسل انقلاب، پاسـداری از نهضت را تکلیف خود دانست و به صف سـپاهیان روح الله پیوست و سـرباز فرمانـده کل قوا شد. بعد از شـهادت علی (برادرش) در سوسـنگرد که از کودکی انس زیادی با هم داشـتند، عزمش بیش از پیش جزم شـد و با نبوغ بی حـدش، کاری را شـروع کرد که از ساخت خمپاره ۶۰ آغـاز شـد و تا موشک شـهاب ۳ رسـید. جوانی که در دانشـگاه جنگ، فارغ التحصـیل شـد؛ از صـدام تا سـران صهیونیستی و امریکایی برای سرش جایزه گذاشتند و شد کابوس بی پایان لشکریان شیطان و امیر لشکریان خدا.

در محله سرچشمه تهران به سال ۱۳۳۸ متولد شد. پدرش محمود تهرانی مقدم به پیشه خیاطی مشغول بودبه علت شغل پدر (خیاطی) به محله شکوفه وسپس به محله بهارستان نقل مکان کرد و مدارس ابتدایی و دبیرستان را در همین مناطق گذراند.

در مسـجد زینب کبرای سرچشمه زیر نظر آیت الله سید علی لواسانی، امام جماعت و مدیر مسجد، تعلیمات دینی و مقدمات آشنایی با اسـلام را فرا گرفت و به همراه برادرانش در گروه سـرود مسجد شروع به فعالیت کرد. این گروه سرود، هسته اصلی گروه سرودی بود که در روز ۱۲ بهمن ۵۷ در فرودگاه مهرآباد به اجرای برنامه پرداخت.

آیت الله لواسـانی در این بـاره می گویـد:«محـل مـا خیابـان امیرکبیر، کوچه آمیز محمود وزیر است. آنجـا یک مسـجد و یک حوزه علمیه داریم و خانه ما هم کنار

ص: ۲۰۴

مسجد است. وقتی می رفتیم برای نماز، کارهای دیگری هم می کردیم. مثلاـ با نوجوانان کارمی کردیم و برایشان بر نامه داشتیم. یک گروه سرود هم درست کرده بودیم که در روزهای انقلاب برای خودش بروبیایی داشت. مسجد پررونقی بود و بچه های خوبی در آن رفت و آمد می کردند. برخی که نمی آمدند، کسی را می فرستادم ومی گفتم بگویید آقای لواسانی کارتان دارد. به دنبالشان می رفتیم. الحمدالله آن نسل حالا سردار و سرتیپ ومتخصص شده اند و برای خودشان بروبیایی دارند، خدارا شکر.

سه برادر بودند. محمد آقا که خدا حفظشان کند، الان هستند؛ حاج حسن آقا که یگانه بودند و شهید علی، برادر اینها. مادر خوب و متدینی دارند. خداحفظشان کند. اینها راآورد مسجد پیش ما. چقدر این حاج حسن آقا بااخلاص بود. ما با اینها مأنوس بودیم و برایشان کلاس گذاشته بودیم وبرایشان احکام می گفتیم. چه قدر بچه های خوبی بودند»در سال ۱۳۵۶ در رشته صنایع (برش قطعات صنعتی) در دوره کاردانیمدرسه عالی تکنیکیوم نفیسی پذیرفته شد. در سال ۱۳۵۷ هم زمان با اوج گیری فعالیت انقلابی، تحت تأثیر برادرش، محمد به صف انقلابیون پیوست. برادر بزرگ ترش، احمد در این باره می گوید:«در روزهای منجر به پیروزی انقلاب به اتفاق دوستانش، در فعالیت های زیرزمینی، نارنجک های دستی می ساخت که با استفاده از سه راهی لوله آب تولید می شد. شب ۲۲ بهمن در میدان امام حسین (فوزیه سابق) با پرتاب نارنجک دستی، یک خودروی نظامی ارتش را مصادره و سرهنگ سوار بر خودرو را به اسارت درآورد» .

در سال ۱۳۵۸در دوره کارشناسیرشته مهندسی صنایع ادامه تحصیل داد و موفق به دریافت مدرک مهندسی شد.در سال ۱۳۵۹ در واحد اطلاعات منطقه ۳

ص: ۲۰۵

سپاه شمال مشغول به فعالیت شد وتا ۳۱/۷/۱۳۵۹ در این سمت باقی ماند. در زمان شورش های نقاط مرزی که مهم ترین آنها حوادث تجزیه طلبانه در کردستان بود، سپاه به ضرورت تقویت جنبه نظامی پی برد. حداکثر توان رزمی سپاه، تعداد معدودی گردان های رزمی بود که با روش های چریکی وغیر کلاسیک، درگیر مبارزه با اشرار وضد انقلابیون مسلح در کردستان شدند. سنگین ترین سلاحی هم که در اختیار سپاه بود، تعدادی خمپاره انداز، آرپی جی و تیربار، بود در حالی که ضد انقلابیون در کردستان، به توپ خانه هم مسلح بودند. شاید چند هزار تفنگ ژ۳ و کلت و ده ها خمپاره انداز و آرپی جی، همه موجودی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بود در سال ۱۳۵۹، بعد از عملیات ثامن الائمه که منجر به رفع محاصره آبادان شد، ازجمله غنایم به دست آمده از عراق، یک آتش بار توپ خانه ۱۵۵ میلی متری کشش بود که از جانب دشمن در شمال آبادان بین دارخوین و پل مارد مستقر بود. این آتش بار توپ خانه بلافاصله تعمیر و عملیاتی شد و در همان منطقه علیه دشمن به کار گرفته شد. سه ماه بعد در عملیات فتح بستان، یک گردان توپ خانه ۱۳۰ میلیمتری و یک آتش بار ۱۰۵ میلیمتری پرتغالی ارتش عراق را رزمندگان تیپ ۱۴ امام حسین(ع) اصفهان به غنیمت گرفتند. این گردان به دستور حسین خرازی (فرمانده تیپ) سازمان دهی شده بود و در عملیات فتح المبین در پشتیبانی از گردان های مانوری بسیجیفعال بودند.این دواتفاق مبدأ شکل گیریتوپ خانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامیبود سال ۱۳۶۰، که حاج حسن مسئول تطبیق آتش خمپاره ای سپاه در قرارگاه کربلا در عملیات طریق القدس بود، بعد از عملیات ثامن الائمه متوجه ضعف آتش پشتیبانی خودی مستقر در خطوط مقدم جنگ شد، .ویمدت ها روی این موضوع فکر کرد و

ص: ۲۰۶

سرانجام در پاییز ۱۳۶۰ طرح ساماندهی آتش پشتیبانی (خمپاره اندازها) را به صورت سنجیده و مدون تقدیم حسن باقری کرد. محسن رضایی(فرمانده وقت کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) نامه را امضا کرد وتحویل حسن باقری داد و حسن باقری آن را به حسن مقدم داد. حاج حسن نامه تایپ شده را خواند و دید طرح خودش درباره ساماندهی خمپاره اندازها به منظور پشتیبانی از نیروهای پیاده است. نامه خطاب به فرماندهان قرارگاه قدس، نصر، فجروفتح سپاه در جبهه های جنوب بود: «برادر حسن مقدم به عنوان فرمانده پشتبیانی کننده آتش های خمپاره ای سپاه معرفی می شوند. لازم است با او همکاری کنید» بالاخره وی در سال ۱۳۹۰، در پادگان امیرالمؤمنین(ع) و در حال آماده سازی آزمایش موشکی بر اثر انفجار زاغه مهمات، به یارانش، شهید احمد کاظمی، حسن شفیع زاده، حسن غازی، غلام رضا یزدانی، علی رضا ناهیدی و مصطفی تقی خواه پیوست.

ب) سیره

ب) سیره

حسن تهرانی مقدم از فرماندهانی بود که در خودکفایی سپاه در ساخت مجموعه های ادوات، توپ خانه و موشکی سپاه نقش کلیدی و اساسی داشت و در دوران جنگ حضور فعال داشت. وینقش مؤثری در بنیان گذاری فرمان دهی موشکیایفا کرد و تقریبا ۲۵ سال از عمر خود را در ایجاد، توسعه، تولید و خودکفاییاین بخش از توان دفاعیگذراند. وی تا روز آخر عمر هم به عنوان مسئولسازمان جهاد فرمان دهی کل سپاه، برای ایجاد توان علمی و دانشی پایه و زیربنایی، مشغول کارهای علمی و تحقیقاتی بود. مهم ترین فعالیت های این شهید عزیز عبارتند از:

۱. در سال های اخیر، جهاد خودکفایی سپاه به فرمان دهی شهید تهرانی مقدم

ص: ۲۰۷

به پیشرفت های زیادی رسیده بود.

۲. بسیاری از طرح هایی که هم اکنون رونمایی وتولید می شود، محصولات کار، فکر و ایده شهید تهرانی مقدم است، مثل موشک های خلیج فارس و قیام و بسیاری دیگر از این موارد که درمیانه راه است.

۳. یک «های تکنولوژی» با ابداع و فکر خودش به عنوان تکنولوژی بومیکی از دیگر کارهای او بود. او موفق شد سازمان جهادخودکفایی سپاه را راه اندازی کند و با ابداعات خویش، موشك بالستیک بسازد. گفتنی است امروز ایران در میان چند کشور انگشت شمارجهان موفق به کسب این تکنولوژی شده است. حاج حسن آقا جانش را در مسر تولید همین موشك گذاشت؛ زیرا هنگام آخرین تست همین موشک، جان خود را از دست داد. سپاه قصد داشت این ابداع جدید را به رخ مبتکران جهان بکشاند، اما این حادثه روی داد. البته ایشان با خون خود موفق شد این تکنولوژی را بومی کند و ایران، صاحب این ابزار مهم تاریخی و نظامی در کشور شده است که به زودی ثمر خواهد داد.(۱)

ج) پیام

ج) پیام

شهید حسن تهرانی مقدم از فرماندهانی بود که از جنگ و دفاع مقدس، دانشگاهی برای دست یابی به امکانات نظامی، استقلال در فرآورده های تسلیحاتی و تولید انبوه داخلی ساخت . این تولیدات دانشگاهی، راه را برای نفی وابستگی کشور به بیگانه فراهم آورده است .

۱- www.dsrc.ir/Contents/view.aspx?id=۷۹۰۷.

ص: ۲۰۸

با تأمل در آنچه آمد، می توان دریافت در مسئله تولید ملی، نکاتی چند را باید در نظر گرفت:

۱. بـا اسـتناد به آیـات و روایات اسـلام، اسـتقلال، عامل رهایی از سـیطره بیگانه، نفی وابسـتگی، ضامن خودکفاییاست. بازگشت به فرهنگ اسلام، آموزش و پرورش حقیقی، تربیت درست آینده سازان، تقید به خودکفایی، حمایت از ابتکارها، مبارزه با مشکلات و سرانجام فراخوان عمومی ملت، نیز زمینه ساز و بستر مناسب برای تولید ملی و خود کفایی اقتصادی است.

۲. زبدگان و پیشوایان مکتب اسـلام، خود، راهنمایان طریق و تشویق کنندگان مسـیر و حامی استقلال و عزت جامعه اسلامی هستند. آنان در عرصه عمل نیز جهادگران استقلال اقتصادی جوامع اسلامی بودند و پیشتازان حمایت از رونق جامعه و خودکفایی اجتماع و امت اسلامی.

۳. چه بسـیار بوده انـد شاگردان مکتب ائمه؟عهم؟ و مروجان افکار و اندیشه های اسـلامی که بر فراز منبر و بر کرسـی تدریس و در نگارش از لزوم اسـتقلال جامعه اسـلامی سـخن گفته اند و حق پاسداری از شـرافت و عزت مسلمانان را به جای آورده اند و بر روی زمین، چونان یکی از جهادگران وادی خودکفایی در حـد خویش کوشـیده انـد؛ چه آنان که مبلّغ و مروّج دینبودنـد و چه آنان که جزو برگزیدگان سیاسی جامعه و زبدگان و نخبگان اجتماعی به شمار می آمدند.

سیره عملی آنها اگرچه گاه در مثالی کوتاه، نمونه ای است از کوشش و دست کم اندیشه ورزی آنان.

۴. رسانه ملی در کنار دیگر وظایف متعدد خود، در قبال بحث نوشـتار حاضـر، دو وظیفه بر عهده دارد: الف) شـعار امسال را همانند دیگر مسائل راهبردی به

ص: ۲۰۹

درستی تبیین کنـد. از آنجـا که رسـانه ملی در سـطح جامعه اثر گـذاری دارد، بایـد در حوزه تفهیم و آگاه ساختن مردم و هـدایت و تشویق آنها به راه صواب نیز گام بردارد.

ب) با شـناساندن الگوها و نمونه هایی از افراد جامعه که مقام بالای دینی و اجتماعی داشـته و در گفتار و کردار نیز نماد تولیـدگری در عرصه اقتصادنـد، راه درست را برای جـامعه روشن سازد. همه مردم به ویژه جوانان، که بیشتر اطلاعات خود را از طریق رسانه ها به دست می آورنـد، بایـد بداننـد که زبدگان دینی و رهبران مذهبی جوامع، بیش و پیش از همه در این وادی قدم گذارده و در پی آنها، بزرگان و نخبگان، به ویژه آنان که حس وطن دوستی داشته اند، گام هایی دیگر به جلو برداشته اند.

ص: ۲۱۰

ص: ۲۱۱

کتاب نامه

اشاره

کتاب نامه

زیر فصل ها

کتاب

نشریه

پایگاه الکترونیکی

کتاب

کتاب

قرآنمجید

آدمیت، فریدن، امیرکبیروایران، تهران خوارزمی، ۱۳۶۱.

آدمیت، فریدون، اندیشه ترقی و حکومت قانون سپهسالار، تهران، خوارزمی، چاپ دوم، ۲۵۳۶.

آقابزرگتهرانی، محمد محسن، طبقات اعلام الشیعه (نقباءالبشرفی القرن الرابع عشر)، تهران، مرکز اسناد مجلس، ۱۳۸۸.

ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، تصحیح و تعلیق: سید هاشم رسولی محلاتی، قم، علامه.

ابوالحسنی منذر، علی، زندگی نامه آیت الله العظمی سید محمدکاظم طباطبائییزدی، یزد، ۱۴۱۷ ه . ق.

ابوالفضل شکوری، سیره صالحان، قم، شکوری، ۱۳۷۴.

احمدی میانجی، اصول مالکیت در اسلام، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۳.

ص: ۲۱۲

اسلامی، ابراهیم، میر حامد حسین «پاسدارولایت »، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴.

اعتمادالسلطنه، محمد حسن خان، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه، به اهتمام: ایرج افشار، تهران، ۱۳۸۰.

اقبالآشتیانی، ع،تاریخمغول، چاپسوم، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.

امام خمینی قدس سره، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، ۱۳۸۶.

امجد، محمد، ایران از دیکتاتوری سلطنتی تا دین سالاری، تهران، باز.

بارتولد اشپولر، تاریخ مغول درایران، ترجمه: محمود میرآفتاب، علمی فرهنگی، ۱۳۸۶.

بانکیان، محمد اسماعیل، تاریخیکصد سال صنعت برق ایران، تهران، فردوسی (توانیر)، ۱۳۸۴.

بروشکی، م،روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۶۵.

بیانی، خانبابا، پنجاه سال تاریخ ناصری، تهران، علمی، ۱۳۷۵.

بیانی، شیرین، دین ودولت درایران عهد مغول، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.

تاجبخش، تاریخبیمارستان هاایراناز آغاز تا عصر حاضر، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی ومطالعات فرهنگی، ۱۳۷۹.

ترکمان، محمد، اسنادی درباره هجوم انگلیس وروس به ایران، تهران، دفترمطالعات سیاسی وبین المللی، ۱۳۷۰.

تستری، محمدتقی، بهج الصباغه فی شرح نهج البلاغه، قم، مطبعه مهر، منشورات تهران، مکتبه الصدر، ۱۳۹۸ ه . ق.

ص: ۲۱۳

الثقفی الکوفی، ابی اسحاق، الغارات، تحقیق: سیدجلال الدین محدث ارموی، چاپ خانه حیدری، ۱۳۵۴.

جرفادقانی، علمای بزرگ شیعه ازکلینی تاخمینی، قم، معارف اسلامی، ۱۳۶۴.

جمالزاده، محمد علی، گنج شایگان، تهران، بنیاد موقوفات محمود افشار یزدی، ۱۳۷۶.

جمعی از پژوهشگران حوزه علمیه قم، گلشن ابرار، قم، معروف، ۱۳۷۹.

حائری، عبدالهادی، تشیع ومشروطیت درایران ونقش ایرانیان مقیم عراق، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۰.

حرالعاملی، محمد بن الحسن، تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۳ ه . ق.

حسابی، ایرج، استاد عشق نگاهی به زندگی و تلاش های پرفسور سید محمود حسابی،: تهران سازمان چاپ وانتشارات، ۱۳۸۰.

حسینی، سیدنعمت الله، مردان علم درمیدان عمل، قم، دفترانتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵.

خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی، مکاتبات، به سعی و اهتمام: محمد شفیع، لاهور، ۱۳۶۲.

دانشپژوه، محمدتقی، سوانح الافکار رشیدی (رشیدالدین فضل الله همدانی)، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۵۸.

رازی، محمد، مجاهدشهیدآیت الله حاج شیخ محمدباقی، قم، پیام اسلام، ۱۳۵۸.

رجایی، غلامعلی، برداشت هایی ازسیره امام خمینی قدس سره(جلد ۲)، عروج، ۱۳۷۸.

رجبی، محمد حسن، آیت الله سیدحسن مدرس، زندگی و مبارزات، مرکز اسناد

ص: ۲۱۴

انقلاب اسلامی، ۱۳۸۴.

عبدالحسین، نوایی، کریم خان زند، تهران، فرانکلین، ۱۳۴۸.

علیدوست خراسانی، نورالله، منابع مالی اهل بیت؟عهم؟، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۹.

علیشیر نوایی، امیرنظام الدین،مجالس النفایس، به کوشش: علی اصغر حکمت، تهران، منوچهری، ۱۳۲۳.

کدیور، منوچهر، اصلاح طلبان ناکام، تهران، امیرکبیر، ۱۳۸۰.

کریمی، رشیدالدین فضل الله، جامع التواریخ(جلد اول)، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۶۲.

الگودس،تاریخ پزشکی ایران وسرزمین های خلافت شرقی، ترجمه: فرقانی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

لمپتون، آن، تاریخ میانه ایران، ترجمه:یعقوب آژند، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.

محمدی متکازینی، سید علی، شیخ بهایی دریای ژرف از علوم مختلف، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا وسیما ، ۱۳۹۰.

محمدی، محمدعلی، ملافتح الله اصفهانی : شیخ شریعت، قم، پژوهشکده باقرالعلوم، دفترتبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

مختاری، رضا، سیمای فرزانگان، قم، دفترتبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۷.

مدرسی، محمدعلی، ریحانه الادب فی تراجم المعروف بالکنیه اواللقب، قم، موسسه فرهنگی تبیان، ۱۳۸۷.

مریدی، سیاوش و نوروزی، علیرضا، فرهنگاقتصادی، تهران، انتشاراتنگاه، ۱۳۷۳.

مطلبی کاشانی، نادر،حدیث عشق ۶، تهران، کتاخانه و موزه مرکز اسناد مجلس

ص: ۲۱۵

شورای اسلامی، مرکز نشر میراث مکتوب، ۱۳۸۳.

معتضد، خسرو،حاج امین الضرب، تهران، جان زاده، ۱۳۶۶.

مکارمشیرازی، ناصرودیگران، تفسیرنمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

ملک محمدی، حمیدرضا، مدرس و سیاستگذاری عمومی، بررسی اندیشه و عمل سیاسی شهید آیت الله سید حسن مدرس، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.

موسویبجنوردی، محمدکاظم، دائرهالمعارفبزرگاسلامی (جلد ۱۰)، تهران،مرکز دائرهالمعارفبزرگاسلامی، ۱۳۶۷.

موسوی قزوینی حائری، سید محمدحسن، فدک با مقدمه استاد عبدالفتاح عبدالمقصود، قاهره، مطبوعات النجاح، ۱۳۹۶ه . ق.

مهدوی،اصغر و افشار، ایرج، یزددراسنادامینالضرب، سال های ۱۲۸۸_ ۱۳۳۰ قمری، تهران،فرهنگایرانزمین، ۱۳۸۰.

مهدوی، شیرین، زندگی نامه حاج محمد حسن کمپانی امین دارالضرب، ترجمه: منصوره اتحادیه و فرحناز امیر خانی حسیک لو، تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۹.

ناطق، هما، بازرگانان، تهران، توس، ۱۳۷۳.

نجفی، موسی، اندیشه سیاسی وتاریخ نهضت حاج آقا نورالله اصفهانی، تهران، موسسه مطالعات تاریخ معاصرایران بنیاد مستضعفان وجانبازان، ۱۳۷۸.

نوری، میرزا حسین،مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۳۸۲ ه . ق.

وصیت نامه موضوعی امام خمینی قدس سره، تهران، مؤسسه تنظیم ونشرآثارامام خمینی قدس سره، ۱۳۷۷.

هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، امیرکبیریاقهرمان استعمار، قم، دفترانتشارات

ص: ۲۱۶

جامعه مدرسین، ۱۳۷۴.

یاقوت حموی، معجم البلدان، بیروت، للطباعه النشر، ۱۴۰۸ ه . ق.

نشریه

نشریه

«در نقل ونقد احوال تاریخ سازان معاصر»، روزنامه جوان، ۱۵/۵/۱۳۹۱، شماره ۳۷۴۹.

ویژه نامه مجله اخلاق وتاریخ پزشکی، زمستان ۱۳۸۸، مسعود کثیری، مرتضی دهقان نژاد.

پایگاه الکترونیکی

پایگاه الکترونیکی

www.dsrc.ir/Contents/view.aspx?id=۷۹۰۷

www.royaninstitute.org/cmsfa

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹